



پیام فدائی

مرکز برامپریالیسم
وسگهای زنجیریش

ارگان چریکهای فدایی خلق ایران

بهاء ۵۰ ریال

در ۳۴ صفحه

اردیبهشت ۶۶

سال دوم شماره ۹

لایحه اراضی شهری یا بسط نفوذ بورژوازی بوروکرات

لایحه فوق را به مجلس ارتجاع برده بود و این مرکز قانونی کردن هرگونه جنایت و ردالت شیوه به بررسی و تصویب این لایحه پرداخت. براساس این لایحه: "کلیه زمینهای موات شهری اعم از آنکه در اختیار اشخاص یا بنیادهای نهادها یا انقلابی دولتی یا غیردولتی باشد در اختیار دولت جمهوری اسلامی است و اسناد و مدارک مالکیت گذشته ارزش در صفحه ۷

مجلس ارتجاع در اولین جلسه خود در سال جاری لایحه قانون اراضی شهری را مورد بررسی قرار داده و بخشی از مواد آن را به تصویب رسانید. دولت موسوی در رابطه با مسئله زمین با ادعای ازدیاد عرضه و تعدیل و تثبیت قیمت آن بعنوان یکی از عوامل عمده تولید و تامین رفاه عمومی و اجتماعی و ایجاد موجبات حفظ و بهره برداری هرچه صحیح تر و وسیعتر از اراضی"



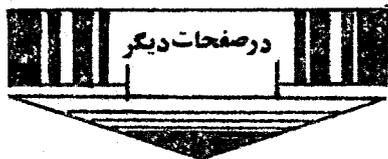
پیام

چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت روز جهانی کارگر

کارگران قهرمان ایران!

مدویکمین سالگرد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگران بر شما گرامی باد. روزی که مبارزات خونین و قهرمانانه کارگران و ایستادگی و پایداری رهبران انقلابی شان بنیم گره خورده، روزی که بیباکستان کارگران همراه با مبارزهای باخلفتهای برجسته تجلی یافت. روزی که انعکاس تاریخی اش را در سرود جهانی رزم کارگران برجای نهاد و پیام آور همبستگی و برادری بین المللی کارگران بشما به امتزجات بخش انسانها گشت. اهمیت این روزنه تنها در بیباکستان و مبارزه خونین کارگران شیکاگو برای بهتر کردن شرایط کار و طرح خواست ۸ ساعت کار روزانه، بلکه در خصوصیات برجسته مبارزه آنان نهفته است. کارگران در این روز دست به حرکتی مستقل و سازمانیافته زدند. وحدت اراده خود را بر علیه سرمایه داری در صفحه ۲

راه کارگر درنگاهی به گذشته (قسمت دوم)



در صفحه ۸

گزیده هائی از رادیو صدای چریکها:

چهل اسان قربانی یک مترزمین، جلوه ای از جنگ ایران و عراق

دروغبردازیهای ولایتی مزدور در مورد دریافت سلاح از امیرالیهستا

جنگ امپریالیستی ایران و عراق و سال سرنوشت!

در صفحه ۲۶

گرامی باد خاطره خسرو روز به مبارز قهرمان

در صفحه ۱۶

- * "رویا"ی يك توده ای ۱۴
- * "جنبه انقلابی" ۲۵
- * اخبار ۳۰
- * روز شمار اردیبهشت ماه ۴۲
- شهادی اردیبهشت ماه
- * چریکهای فدایی خلق ایران ۴۳

اطلاعیه چریکهای فدائی خلق ایران

گزارشی از تحصن آوارگان و پناهندگان ایرانی در پاکستان

در صفحه ۲۲

۲۱ درباره انفجار مین

مختصری از زندگی سراسرمبارزه چریک فدائی خلق

مختصری از زندگی چریک فدائی خلق رفیق شهید

۴۴ رفیق شهید جمشیدهدایتی (کاک بهرام)

۴۴ سلیمان میریلوک (کاک قادر)

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

پیام چریکهای فدائی خلق ایران

به مناسبت روز جهانی کارگر

از صفحه ۱

و استثمار بنمایش گذاشتند و بر اساس رسالت تاریخی خود اندیشه گرانقدر "همیشه به پیش" را به آموزشی برای کارگران تبدیل کردند و گردانهای دیگر این ارتش جهانی با پشتیبانی بیدریغ خود همبستگی جهانی کارگران را متجلی ساختند و آن آموزش حاکی از مبارزه بی امان، برعلیه هرگونه ظلم و استثمار را بکار گرفته و با دولتهای سرمایه داری درآویختند.

از اول ماه مه سال ۱۸۸۶ آمریکا تا کنون بیش از یکصد سال میگذرد. در این یک قرن مبارزه طبقاتی بیسن پرولتاریا و بورژوازی در سطح جهانی پربان داشته است. سرمایه داری به بالاترین مرحله خود یعنی امپریالیسم در غالب انحصارات بین المللی بر بخش وسیعی از جهان ملطه یافته است و گورکش یعنی پرولتاریا نیز در مبارزه رشد یافته بر علیه نظام سرمایه داری جهانی فراز و نشیبهای زیادی را از سر گذرانده و انقلابات بررگی راهبری کرده است. و گردانهای تشکیل دهنده آن در شرایط اقتصادی -

اجتماعی متفاوتی قرار داشته و دارند. طبقه کارگر ایران نیز مناسبت به کردانی از ارتش جهانی کارگران از این فرازونشیبها در مبارزات رشد یافته اش مستثنی نبوده است. بویژه پس از سلطه امپریالیسم بر ایران که جامعه ما را به میدانی برای غارت و چپاول سرمایه جهانی تبدیل کرده، خلقهای تحت ستم ما و در راس آن طبقه کارگر علیه این غارت و استثمار و علیه این سلطه جهانی و رژیمهای دست نشانده و وابسته اش در جنگ مرگ و زندگی درگیر بوده و هستند. به گواهی مبارزه طبقاتی، جنبش کارگری همواره در دو جنبه با دودشمن آشکار و پنهان یعنی رژیمهای وابسته ای که سیهاترین دیکتاتوری امپریالیستی را اعمال کرده و میکنند و فرصت طلبان رنگارنگ و خائنین به امرهای طبقه کارگر

بیکار کرده است، و اکنون نیز در شرایط حاکمیت دیکتاتوری و خفقان رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و سلطه اندیشه ها و روشهای فرصت طلبانه و اپورتونیستی، جنبش طبقه کارگر با همین دشمنان آشکار و پنهان روبروست.

کارگران مبارزان!

در مدتی که از سلطه ستم و ددمنشانه جمهوری اسلامی میگذرد، شرایط بس دهشتناکی بر زندگی اجتماعی سیاسی خلقهای ما و در راس آنها طبقه کارگر حاکم گشته است و این را شما با گوشت و پوست خود لمس میکنید. در حوزه های گوناگون زندگی، پایمال کردن حقوق ابتدائی و طبیعی توده ها را به عینه شاهدید و با رظم و تعدی، فشار و کشتار و خفقان را بدوش میکشید. این رژیم ددمنش و جنایتکار در اجرای سیاستهای اریسان امپریالیستش مین ما را به مدت بیش از ۶ سال است که به عرصه جنگی امپریالیستی و ویرانگر تبدیل کرده و با سیاست عملی "همه کس و همه چیز در خدمت جنگ" از هیچ جنایت و ردالتی ساعت اضافه کاری در خدمت جنگ را بمان کشیده است. میکوشد قانون سون ارتجاعی کار را بمتابیه زنجیری گران بردست و پایتان ببندد، قانونی که در آن از هرگونه حقوق ابتدائی و طبیعی محرومید، و در آن چیزی را که واقعا منفع شما باشد نمی یابید.

این رژیم وابسته نه تنها عملا در این مدت از تعرض به هیچ حقوق دمکراتیکتان باز نایستاده، بلکه به منظور تامین هزینه های جنگ لعنتی که هدفی جز پرت کردن چید انحصارات بین المللی ندارد، به دریافته است مالیاتهای گوناگون غیر مستقیم و بویژه مستقیم در سطح وسیع و بی سابقه ای دست زده و واغاذی کردن از زحمتکشان و کارگران، شیوه مرسوم و رایجش

بوده است. این رژیم ضد کارگری با بیبش کشیدن لایحه بیمه بیکاری تعرض جدیدی را بر علیه کارگران در سال گذشته تدارک دیده و توطئه باز خرید را به اجرا در آورده است. با به خون کشیدن مبارزات قهرمانانه کارگران، نظیر کارخانه کانادا درای، دغانیات و سرکوب اعتصاب کارگران نوب آهن نه تنها بطور مداوم و مستمر مبارزاتشان را خفه ساخته بلکه با ایجاد رگانه های جاسوسی و سرکوب چون انجمنهای اسلامی کارخانه و شوراهای اسلامی کار شمارا از داشتن هرگونه تشکل مستقل، محروم ساخته است.

این رژیم مزدور امپریالیسم به موازات از بین بردن هرگونه آزادیهای دمکراتیک در سطح جامعه، کوچکترین حق بیان و آزادی را برایتان قائل نیست، با اعدام و کشتار بیش از ۴۰ هزار تن از فرزندان انقلابی و مبارز خلق و به زندان افکندن بیش از مد هزار تن از آنان ساری از باران مزارر شمارا سردر ساها لهایش اسیر ساخته است.

این رژیم ها روح جنایتکاریش از ۸ سال است که مبارزات خلقهای ما بویژه خلق قهرمان کرده که مسلحانه در برابرش بپا خاسته را به خون کشده و با استقرار بیش از ۲۰۰۰ پایگاه نظامی کوچک و بزرگ به جنایتکارانه ترین اعمال از قبیل کوچ اجباری روستاکیان، قتل عام و کشتار و غیره

در حق خلقهای ما فرو گذاری نکرده است. توده های زحمتکش، جوانان، دانش آموزان و بویژه کارگران را در میدانهای جنگ گوشت دم توپ نموده است. و اکنون نیز در سالگرد روز جهانی

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

پیام چریکها

بمناسبت ○○○○○○○○

کارگرو واقعات تمام نقشه پلیس
 اعزام اجباری کارگران و کارمندان
 به جبهه‌ها را اعلام نموده است. وزیر
 کار مزدور در جمع مدیران کل
 کارخانجات از اعزام اجباری بخش
 وسیعتری از کارگران به مسلخ‌های
 جنگ بمناسبت روز کارگر و قربانی
 نمودن کارگران در میدانهای جنگ
 ارتجاعی دم میزند و سیاست اعزام
 اجباری و سر بازگیری اجباری را شامل
 حال کارگران نیز ساخته و تمام
 تبلیغاتش را حول محور تشویق و بسیج
 هر چه بیشتر برای سلاخی در جنگ سازمان
 داده است. بعلاوه در جریان جنگ
 امپریالیستی ایران و عراق بمباران
 شهرها و مناطق مسکونی و تاسیسات
 صنعتی بمنابه ره آورد دیگر آن،
 برای مردم زحمتکش ما و بویژه کارگران
 بود که آن همه کشته و زخمی و ویرانی
 و آوارگی برجای نهاد. این رژیم
 مزدور بمنظور تخفیف بحران شدید
 دامنگیر امپریالیسم و سرمایه‌داری
 وابسته نه تنها جنگ را تداوم میبخشد
 بلکه از تکمیل قحطی، گرانی، اخراج
 و جیره بندی مواد اولیه زندگی بمنظور
 سرکشان کردن با بحران بردوش زحمتکشان
 و کارگران ابائی به خود راه نداده
 است و بیش از ۸۰۰۰ کارخانه و کارگاه
 را در سال گذشته به تعطیلی کشانده و
 برای نجات نظام سرمایه‌داری وابسته،
 به قیمت نابودی طبقه کارگر به اخراج
 وسیع کارگران توسل جسته که یک
 نمونه آن اخراج یکجای ۶۰۰ تن از
 کارگران ایران خودرو بوده است.
 تعداد دیگران را به نزدیک هیلینون
 تن رسانده که بخش وسیعی از آنرا
 کارگران تشکیل میدهند. سیاست
 افزایش تولید را با فشار و اجبار بر
 کارگران شاغل تکمیل نموده و در تان
 روزجانی کارگران را با اصطلاح
 کارگرمون سالها در واقع مزدور
 نموده سال با اصطلاح پیشنهاد دروزی یک
 دست میزند. در کنار این اعمال
 و سیاستهای ضدکارگری، رژیم دار و
 جنایت‌هیگانه تنها نبوده است،
 خائنین به امرهای خلق و طبقه

میبین ما آماج تعرضات و یورشهای
 ضد خلقی و بی‌امان دیکتاتور
 امپریالیستی حاکم هستند. در مقابل
 چنین تعرض خشن و سرکوبگرانه‌ای نباید
 هیچیک از عرصه‌های مبارزه و مقاومت
 برعلیه رژیم ضدکارگری و وابسته به
 امپریالیسم جمهوری اسلامی را خالی
 گذارد و دست‌بسته تسلیم شد. باید
 مصممانه و یکپارچه و با عزمی راسخ
 در مقابل تمامی دسیسه‌ها و توطئه‌های
 رژیم مزدور خمینی بیاغاست و متحدانه
 و مستقلانه مبارزات و مقاومت‌های
 توده‌های کارگر را برای ایجاد فرایط
 بهتر کار و افزایش دستمزد و برای نیبه
 بیکاری واقعی همه کارگران و علیه
 قانون کار ارتجاعی و غیره و غیره
 سازماندهی و رهبری نمود. باید به
 مبارزه برعلیه اعزام اجباری

کارگر چون حزب توده و اکثریتی‌ها
 (هر دو جناح) در تمام اقدامات رژیم
 شریک و همدست بوده‌اند و حتی در
 چکمه لیبی رژیم وابسته به امپریالیسم
 جمهوری اسلامی کار را به جایی رساندند
 که بدستگیری و لو دادن فرزندان
 انقلابی و مبارز خلق دست زدند. عملاً
 و علناً دست درخون انقلابیون آوردند و
 نقش ضدانقلابی خود را به عینه آشکار
 ساختند. اپورتونیستها و فرست-
 طلبان دیگر که پوشیده عمل میکنند یا
 تبلیغ نظرات و سیاست انحرافی، نظیر
 دفاع از مین در جنگ امپریالیستی و
 تشویق کارگران برای رفتن به جبهه‌ها،
 افزایش تولید برای سرمایه‌داری وابسته
 و تحکیم پشت‌جبهه رژیم، شرکت
 کردن در نمایشات مسخره سیاسی و
 با اصطلاح فدای امپریالیستی رژیم و غیره و

این رژیم وابسته نه تنها عمل در این مدت از تعرض به
 هیچ حق دمکراتیک‌تان باز نایستاده، بلکه بمنظور
 تامین هزینه‌های جنگ لعنتی که هدفی جز پرت کردن جیب
 انحصارات بین‌المللی ندارد، به دریافت مالیات‌های
 گوناگون غیرمستقیم و بویژه مستقیم در سطح وسیع و
 بی‌سابقه‌ای دست زده و اخاذی کردن از زحمتکشان و کارگران
 شیوه مرسوم و رایجش بوده است.

کارگران به جبهه‌های جنگ امپریالیستی
 و اخاذیهای رژیم در رابطه با هزینه‌های
 جنگی و دولتی به مقاومت برخاست، و
 به هیچوجه به اعزام اجباری به
 جبهه‌های مرگ و جنایت‌ن‌نداد و
 مقاومت کارگران را در این رابطه
 سازمان داد.

یکی از اساسی‌ترین مشکلات
 کنونی توده‌های کارگر، اخراج‌های
 دسته جمعی و تعطیل کارخانجات
 و فریبکاریهای رژیم در رابطه با
 بازخرید کارگران و ایجاد پراکندگی
 در صفوف یکپارچه آنهاست. بهمین دلیل با
 تمام نیرو و امکانات باید برعلیه
 این دساتین بیاغزید و آنرا خنثی
 نمائید و ماهیت واقعی این اقدامات
 رژیم را برای دیگر کارگران توضیح
 دهید. کوشش کنید هر چه متعده‌تر
 خواستهای هر چند جزئی کارگران را
 برای بهبود شرایط کار و افزایش
 دستمزد و کاهش ساعات کار سازماندهی
 کرده و همچنین مقاومت در مقابل
 تصویب لایحه‌های ارتجاعی نیمه‌بیکاری

غیره کارگران را به حمایت از رژیم
 مزدور خمینی فرامیخواندند و نقش
 تاریخی خود که همانا هرز بردن انرژی
 انقلابی طبقه کارگر است را بنمایش
 گذاشتند. گرچه خائنین با تیبای خود
 رژیم رویرو شدند و مشتاقان تا حد
 زیادی باز شده و چهره آنان افشانه
 گشته است، اما فرست‌طلبان و
 سازشکارانی که پوشیده تر عمل
 میکنند باز هم در کمینند و اینان باز
 هم در شرایط دیگریبه اشکال دیگر
 تلاش خواهند کرد تا همان نظرات و
 سیاستهای فرمیشی و سازشکارانه را در
 صفوف شما پراکنده سازند و این امری
 است که همواره در مبارزات طبقه کارگر
 تجربه شده است. و جنبش طبقه کارگر
 ضربات کمربندی را از کانال خائنین
 دریافت کرده و همواره از طریق سبق
 فرست‌طلبان و اپورتونیستها از محتوای
 انقلابی مبارزاتشان کاسته شده است.

کارگران پیشرو و مبارزان
 هم اینک توده‌های کارگر در

و توانین ارتجاعي کار را هماهنگ و یکپارچه مازید.

بیشمار افزایش تولید مقابله کرده و در هر کجا که امکانپذیر است سیر عادی و رایج تولید را بخوابانید. محورهای یاد شده، مضمون برخی از موضوعات و مسائل کارگران مارا در شرایط کنونی تشکیل میدهند، اما باید به نکته پزاهمیتی در این میان نیز اشاره کرد. موضوعات یاد شده و بخصوص مبارزه در راه بهبود شرایط کار، تازمانی که مبارزه برای رهایی کار از قید نظام سرمایه داری وابسته و در مسیر سوسیالیزم هدایت نگردد، بویا بعبارت دیگر مبارزات اقتصادی طبقه کارگرنه مبارزات سیاسی و سرنوینی حاکمیت وابسته به امپریالیسم پیوند نخورد، حتی اگر بصورت موقتی و مشروط نیز پیروزیهای بدست آورند، اینگونه دستاوردها محدود بوده و محکوم به درجا زدن و نابودیند.

کارگران ما باید درک کنند که طرح چنین خواستهایی همانطور که در تجربه خود نیز دیده اند سریعاً آنها را در مقابل ارگانهای سرکوب رژیم حاکم قرار میدهد و ارتقاء به سطح بالاتری از مبارزه را طلب میکند. از همین جاست که میتوان در جریان عمل چهره اپورتونیستهای که مبارزات کارگران را به درجا زدن در سطح محدود تشویق کرده و چشم انداز واقعی این مبارزات را از کارگران پنهان میکنند را بیشتر شناخت و با طرد و منزوی کردن آنان و عقیم گذاردن تبلیغات سازشکارانه شان مبارزه را به حد بیشتری از پیشروی سوق داد. وظیفه مبارزاتی شما در شرایط کنونی ایجاب میکند که در هر کارخانه و کارگاه، بسته به شرایط واقعی حاکم بر آن محیط، در حد توان خود و با در نظر گرفتن جو سیاسی حاکم در جهت انجام وظایف فوق حرکت کنید.

افزافه بر این بایست:

— با سایر کارگران انقلابی که میشناسید در جهت ایجاد هسته های مخفی و مبارزاتی کارگری حرکت کرده و مبارزات محیط کار و فعالیت خویش را سازماندهی و هدایت کنید.

— آثار مارکسیست - لنینیستی و همچنین نشریات چریکهای فدائی خلق را در دستور مطالعاتی خود قرار دهید و در جهت رشد آگاهی سیاسی خویش و سایر کارگران کوشش کنید.

— در تبلیغ و بخش شعارها و رهنمودها و نظرات و مواضع چریکهای فدائی خلق بکوشید.

— به رادیوهای انقلابی و بویژه به صدای چریکها گوش فرادهید و شعارها و رهنمودهای عملی آن را برای سایر رفقایان توضیح داده و در محیط کار بنویسید.

— بدون شک در هر یک از موارد فوق، کار تبلیغی و توضیحی در میان کارگران و بخصوص افشای هر چه بیشتر ماهیت وابسته رژیم، باید جزء لاینفک فعالیتهای روزمره شما باشد.

— حمایت مادی و معنوی از جنبشهای اعتراضی جاری و بخصوص مبارزات مسلحانه خلق کرد و درک و توضیح نتایج و اهداف انقلابی آن از عمده ترین وظایف دیگر شماست.

— در عین حال با سازماندهی و شرکت در هسته های سیاسی - نظامی در محیطهای زندگی و متن جامعه به گسترش مبارزه مسلحانه اقدام کنید.

کارگران مبارز و انقلابی!

بی تردید رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی تحمل برآورده شدن کوچکترین خواسته های برحق خلقهای تحت ستم و همچنین کارگران زحمتکش را ندارد و تنها زبان او در مقابل کارگران و زحمتکشان، زبان گلوله و سرکوب است. با آگاهی به این امر و بدلائل متعدد دیگر، باید بدانید که تمامی خواسته های روزمره و اشکال مبارزاتی و اعتراضی شما تا در رابطه با شکل امپریالیسم گریزناپذیر مبارزه بر علیه نظام امپریالیستی حاکم، یعنی مبارزه مسلحانه و جنگ توده ای طولانی بمنظور قطع سلطه امپریالیسم قرار نگیرد، هر چند هم که قهرمانانه و دلیرانه باشد نتیجه نهایی نخواهد رسید و منجر به رهایی کارگران و خلقهای تحت ستم ما نخواهد شد.

بیاد داشته باشید که برای



کارگران سراسر جهان متحد شوید

پیشروی انقلابی مبارزاتان ، شما باید به تئوری انقلابی و شکل و رهبری منطبق بر آن مسلح باشید و درست‌سر همین اساس است که باید در تمام موقعیتها و در سلوچه تمامی وظایف مبارزاتی که برای خود قرار می‌دهید ، کوشش برای ارتباط و پیوستن خود و رفقایان با هر درجه‌ای از تشکّل ، به صفوف چریکهای فدائی خلق ایران و گرد آمدن حول پرچم خونین آن قرار گیرید .

مبارزه با این قدرت به کارگران و خلقهای تحت‌ستم ، میکوشند نقیبی به قدرت تاریخی توده‌ها بزنند و سالهاست که در راه شکل و سازماندهی کارگران و توده‌های ستمدیده گام بر میدارند . و بهمانگونه که بسیاری از کارگران پیشرو نظیر رفقای شهید : اسکندر صادقی نژاد ، یوسف زرکار ، ایرج سپهری و حمید میرشکاری و کارگران دیگر در راه پایه ریزی نخستین نالوده‌های این ارتباط به صفوف چریکهای فدائی خلق پیوستند و پرچم نظرمون چریکهای فدائی خلق را با خون خویش سرخ نمودند ، شما نیز حول

..... خائنین به امر رهائی خلق و طبقه کارگر چون حزب توده و اکثریتی ها (هر دو جناح) در تمام اقدامات رژیم شریک و همدستش بوده‌اند و حتی در چکمه لیسوی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی کار راه جایی رساندند که بدستگیری و لودادن فرزندان انقلابی و مبارز خلق دست زدند .

چریکهای فدائی خلق بعنوان پرچمداران انقلابی مبارزات خلقهای تحت‌ستم و مدافعین راستین منافع طبقه کارگر ایران بادرک و تحلیل درست و علمی از قدرت امپریالیستی حاکم و نشان دادن راه املی و انقلابی

این پرچم سرخ نبرد رهائی بخش متحد شوید . در راه سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر و نیل به سوسیالیسم بیکار کنید .

گزاره‌های شکسته

بردگان خاموش درگذردند
زنجیریه پای و زخمین تازیانه
سرها فرو شده
سنگ بدوش
درگذردند
داغ به گرده داران و ریشه وار
و خاموش ترین آزادی است -
که به تحیر و تدبیر ایستاده .
تب زمین ز اعتدال برگزیده
و بیکرزمین
درگرگ و میش کوجه کیهان
به میخ محاق درآمد -
در هزاره ها به خموشی .
مادران ، به سوگواری درگذردند
و درگذر است مترصد آزادی
که شب -
به طلسمی نشسته به سر کشیدن تسمه روز
بردگان ، همچنان -

ریشه در تسمه‌ها درگذردند
و هنگام ،
در عطف سیلانی خونین درگذردند

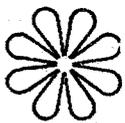
برده‌ای به زمزمه
برده‌ای چند به هیا هو
و بردگانی به شورش
که قبیله بردگان به قیام
با خنجر آخته فرو هشته به سینه آریایان
زنجیرها گسلان و سراسیمه -
درگذردند -
که اسپارتا کوشان
سرود سرخ قبیله را
خوانده است .

طلوع شکسته -
باور و آفتونی دارد
که هزاره ها به خموشی رفته‌گان را
نقیبی به صبح رهائی است !

بار دیگر در آستانه صدویکمین سالگرد ۱۱ اردیبهشت ، روز جهانی کارگر ، سمبل اتحاد طبقاتی ارتش انقلابی پرولناریا ، با گرامی داشت یاد تمامی کارگران شهید در سراسر جهان ، فرارسیدن این روز را به کارگران قهرمان میهنمان تبریک می‌گوئیم و پیروزیهای هر چه وسیعتری را در مبارزه بر علیه امپریالیسم و سگهای زنجیریش برای خلقهای ستمدیده و در رأس آن برای طبقه کارگر ایران آرزو می‌کنیم .

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر!
مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش!
مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادیست!
پیش به سوی تشکیل ارتش خلق!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
برهبری طبقه کارگر!

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران
۱۱/ اردیبهشت ۶۶



بزرگانند اینان بزرگان
نایاب و ارانه بدین تن پوش
اما ،
بذر بلوغ میریزند
به خواب کشت زار
مادران ،
همه در آتش می نهند
دوشیزگان ،
به با رمی نشینند
و روح زایشی در گله می دمند
دوکها بگردش درآمدند
ریشه میرود روستا
و ریشه میرود تاریخ -
این سان
یک چندی تکان
درگذردند اسپان -
که یال افشاندند سرافراز
بزرگان اما ، آه
گله اسپان ز تک افتاده
ریمیده
و جویباران آلوده
به مزوعه میرسند

پیام فدائی
ارگان جریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم
شماره ۹ - اردیبهشت ۶۶

مادران نومید
همیشه در آتش می نهند
که دودی نظیر سوز -
بر برکه‌ها بپاشند
مردان ،
افتاده و میبوت
داسها فروهشته
درگذرند
زنان ،
تاباورانه اما ،
تسلیم سرنوشت
و کودکان ،
بربامها
مغموم این تفتابین
سالیان
برمدار استعمار
همچنان درگذرند
بی نمود فروغی -
همچنان
بی تکان ،
درگذراست انسرده ترآزادی
که خنیاگر زمانه
مضرب بسته به افسونی
چنگ تیار خویش ،

که اندک رمقشان را
درتسمه‌ها بریزند
و بیابوزند به چنگک سرمایه
دودمان خویش را

در چرخ ،
چرخ زمانه
بی لحظه‌ای توازن
درچرخ روزگار
مادران ،
نگران ، همیشه‌ها فروهشته
پی سوز برگرفته
به معبر درآمدند

گزمگان
هراسان و خونریز
درگذرند
آلوده دستان در آستین کشیده
برده‌داران
که آلوده خنجران به خون خلق را
تقدس بخشند

کارگری به زمزمه
کارگرانی به هیامو

خیل کارگران به شورش
که ارتش کارگران به قیامی سرخ
ایستاده است
که اسپارتاکوس رهائی شان
به سرود خون خوانده‌است
صبح قبیله را

مادران ،
آئینه داران کوجهای مه‌آلود
اندیشناک
درگذرند
درشدن است تاریخ
باگونه‌گون حوادث
بابار کهنه به تن پوشی نو
درگذراست ، اما
آزادی همچنان !.....!

اردیبهشت ۱۳۴۶



کارگرانند اینان
کارگران
- منخ و مجاب و متروم -
همان بردگانی که یک چند
بوغ تعبدا ربابان به پای
سنگ کشیده
و چندی بدشواری
غیش بگروه کشان
دانه برخاک افشان
به تلاشی صعب
به ساز افسونی موهوم
رقصیده
و گرده‌ای قوت خونین
به نیش کشیده
تبی و تکیده
به کارخانه رسیدند

کارگرانند اینان
کارگران
همان زنجیرانی که -
زنجیری به اندیشه بسته آورده شدند

اسامی بخشی از رفقای کارگر شهید سازمان
رفقا :

تهران	تیرباران	۲۹/۱۲/۲۶	- جلیلی انفرادی
تهران	انفجار کوکتل مولونوف درخانه	۵۰/۲/۱۸	- خلیل سلامی نژاد
تهران	درگیری	۵۰/۳/۲	- اسکندرمادقی نژاد
تهران	اعدام	۵۰/۱۲/۲۲	- امیرعرب هریسی
تهران	اعدام	۵۰/۱۲/۲۲	- مناف فلکی
تهران	اعدام	۵۰/۱۲/۲۲	- جعفراردبیلی
تهران	اعدام	۵۰/۱۲/۲۲	- محمدتقی زاده
تهران	درگیری	۵۱/۵/۲۸	- احمدزبیرم
تهران	درگیری	۵۲/۶/۲	- ایرج سپهری
لرستان	درگیری	۵۲/۱۰/۲۰	- حسن نوروزی
اصفهان	درگیری	۵۲/۱۱/۱۷	- یوسف زرکار
تهران	درگیری	۵۴/۲/	- حبیب‌الله مومنی
تهران	درگیری	۵۴/۴/۶	- یدالله زارع کاربزی
تهران	درگیری	۵۴/۱۱/۳	- فتحعلی پناهیان

صد و یکمین سالگرد اول ماه مه روز جهانی کارگر گرامی باد !

لایحه اراضی شهری یا بصط نفوذ بورژوازی بوروکرات

از صفحه ۱

راهه سطح معیشت کارگران و دهقانان و دیگر اقشار تحت‌ستم سازمان دادویا اعمال و حسیانه‌ترین قوانین و مقررات دسترنج آنها را هرچه بیشتر، مسورد دستبرد قرار داد و با کوبینی کسردن اجناس و ایجاد بازار سیاه درآمد های با آ آورده‌ای به جیب زد.

دولت موسوی برای تأمین نیازهای خود، حوزه‌های هرچه بیشتری از تولید و مبادله را به مالکیت خود درآورد. ابعاد این تعرض تا آنجا پیش رفت که حتی بخش‌هایی از حوزه فعالیت جناح‌هایی از طبقه خاکم را نیز شامل شد امری که گرچه باعث رشد سلطه هرچه بیشتر بورژوازی وابسته بوروکرات گردید اما تفادهای این بورژوازی را با بورژوازی غیربوروکرات نیز تشدید نمود. و رشد این تفاد، انعکاس‌های سیاسی خود را در سطح جامعه از آغاز استقرار این رژیم تا کنون به اشکال گوناگون نشان داده است.

دولت موسوی با لایحه اراضی شهری نه تنها به زمین‌هایی که در اختیار اقشار مختلف مردم قرار داشتند دست اندازی نموده و مالکیت آنرا به نفع خود تشبیت می‌نماید، بلکه در همان حال مالکیت زمین‌هایی که در اختیار بخش خصوصی بوده و یا بوسیله این بخش احیا گردیده را نیز به نفع خود سلب نموده و براین اساس توانایی می‌یابد تا با مانورهای گوناگون در بازار زمین سودهای میلیونی به جیب زده و بخشی از بودجه جنگ ارتجاعی با عراق را به این وسیله تأمین نماید. چرا که رسالت جمهوری اسلامی نیز جز این نبوده که به اعتبار فقر و فلاکت توده‌ها به اعتبار رنج و شکنجه و نابودی جوانان، مجسری سیاست‌های امپریالیستی که تنها و تنها باعث فربه شدن هرچه بیشتر کارتلها و تراستهای سرمایه داری جهانی می‌گردد، باشد. وظیفه جناح‌کارانه‌ای که تنها یک پاسخ از سوی خلق‌های ما و طبقه کارگر قهرمان ایران به آن داده شده است و آن همانا مبارزه برای نابودی این سگ زنجیری و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر می‌باشد. مبارزه ای که در آن پیروزی از آن خلق‌های تحت‌ستم بوده و دیر یا زود رژیم وابسته امپریالیسم جمهوری اسلامی را در تمامیت خود نابود خواهد ساخت.

وسيله مردم یا بخش خصوصی احیا گشته باشد، اگر بدون مجوز قانونی قبلی باشد، به تملک دولت درمی‌آید.

این امر بار دیگر بروشنی نشان می‌دهد که دولت ضد خلقی موسوی هر روز که می‌گذرد تعرض بیشترانه‌اش را به اموال و درآمد توده‌ها وسعت بیشتری بخشیده و حوزه‌های هرچه بیشتری از منابع درآمد اقشار مختلف جامعه را به زیر سیطره خویش می‌کشد. این دولت جناح‌کار برای تأمین نیازهای سیری ناپذیر بوروکراسی منحن و ارتش سرکوبش برای تأمین نیازهای هنگفت تداوم جنگ امپریالیستی ایران و عراق و جنگ ارتجاعی بر علیه خلق‌های ایران به درآمد‌های هرچه بیشتری نیازمند است و از آنجا که منبع اصلی درآمد این دولت و عامل عمده تأمین بودجه آن از محل ارز حاصل از فروش نفت تأمین می‌گردد با کاهش قیمت نفت و نزول صادرات آن، مشکلات عدیده‌ای در مقابل رژیم بحران زده جمهوری اسلامی قرار گرفت و در پاسخ به همین رشد بحران است که دولت ضد خلقی موسوی زیر پوشش "تغییر الگوی مصرف" و "تغییر خط تولید" و "خودکفایی" و صدها شعار بوج و تو خالی دیگر، تعرض هرچه گسترده‌تری

قانونی ندارد" به این وسیله، بر اساس این قانون مالکیت کلیه اراضی شهری مورد استناد لایحه فوق به دولت جمهوری اسلامی تعلق گرفته و حال این دولت می‌تواند به دلخواه خود با زمین‌های فراوانی که این چنین به تملکش درآمده است در بازار زمین مانور داده و کسب درآمد نماید. برای آنکه بهتر ابعاد لایحه فوق درک گردد بهتر است تعریف اراضی شهری در این لایحه را نیز از زبان خود لایحه بیابیم تا ابعاد مسئله هرچه روشنتر گردد. اراضی شهری در این لایحه چنین تعریف می‌گردد: "زمین‌هایی که در محدوده قانونی و حرم استحفاظی شهرها و شهرکها قرار گرفته است و زمین‌های مواتی که طیرم مقررات قانونی لغو مالکیت اراضی مسوات شهری بدون مجوز قانونی از تاریخ ۵۸/۴/۱۵ به بعد احیا شده باشد".

بنابراین بروشنی آشکار می‌گردد که دولت موسوی بوسیله این لایحه به چه حوزه وسیعی از درآمد بورژوازی و با قانونی کردن مالکیت خودبسر اراضی شهری اولیکبار مالک تمامی اراضی شهری، مورد استناد لایحه فوق گشته در تانی اراضی مواتی هم که به

تهران	درگیری	۵۵/۲/۲۵	- قربانعلی زرکار
تهران	درگیری	۵۵/۱/۱	- محمد کانه‌چی
تبریز	تبریران	۶۰/۴/۸	- نوروز قاسمی
آمل	تبریران	۶۰/۵/۲۸	- بهروز کتایی
تهران	تبریران	۶۰/ /	- فیروز جعفری
تنکابن	تبریران	۶۱/۸/	- رفیق بهمن (نام سازمانی)
کردستان	درگیری	۶۲/۳/۲۵	- حمید میرشکاری (بیشتر که چریکهای فدائی خلق ایران)
بندرعباس	تبریران	۶۱/۷/۲۵	- حسن بشیری
بندرعباس	تبریران	۶۲/۵/۳	- محمود فولادخانی
بندرعباس	تبریران	۶۲/۷/	- علی احمدی سرخونی
بندرعباس	تبریران	۶۲/۷/	- سیف الرحمان
شهرک کهریزه	امامت ترککش خمیاره	۶۶/۱/۲۷	- سلیمان میریلوک (کاک قادر)

راه کارگر درنگاهی به گذشته

قسمت اول این مقاله در شماره قبلی
پیام فدائی منتشر گردیده است.

از صفحه ۱

حال در ادامه مطلب ،
نگاهی به چهره "راه کارگر" در جریان
مخکهای انتخاباتی رژیم وابسته به
امپریالیسم جمهوری اسلامی بیفکنیم .
بدون شک در "نگاهی" به گذشته
راه کارگر بررسی مواضع این سازمان
در این عرصه و دریای "صندوقهای"
باصطلاح انتخابات خالی از لطف نخواهد
بود ، هر چند که یادآوری این خاطرات
تلخ برای سازمان "حقیقتا مارکسیست
- لنینیست" امروزی زیادهم خوشایند
نباشد . آن روزها یعنی روزهای
غوش مبارزه با اصطلاح "پارلمانیسم"
برخلاف تصور اپورتونیستهای همچون
"راه کارگر" اتفاقا روزهای بود که
رژیم "ارتجاعی و ضدانقلابی" جمهوری
اسلامی برای فریب توده ها و تحکیم
هر چه بیشتر موقعیت خود به خوش رقصی
چنین سازشکارانی نیازی مبرم داشت ،
از "فراندوم" کذائی گرفته تا
شعبده بازی تعیین "رئیس جمهور" و از
تعیین "خبرگان" تا با اصطلاح انتخابات
"مجلس شورای اسلامی" در تمامی این
دوران جمهوری دارو شکنجه میکوشید
زست "دمکراتیک" گرفته و با ظاهرا
"دمکراتیک" در پوشش با اصطلاح انتخابات
آزاد با بسیج توده های "متوهم" و
"پابرنه" صندوقهای از پیش پر شده را
نمایانگر شرکت همه گیر "امست
مسلمان" در تعیین سرنوشت خود جا
بزند . امری که اتفاقا بورژوازی وابسته
نه تنها در جمهوری اسلامی بلکه در
اکثر کشورهای تحت سلطه بارهای بار
به آن توسل جسته و "صندوقهای" از
پیش پر شده را بنشانه تجلی اراده توده های
رای دهنده به نمایش گذاشته است تا
عفقان و سرکوب لجام گسیخته ذاتی
نظامش را خواست رای دهندگان میلیونی
قلمداد نموده ، و چهره جنایتکارش را
بزرگ نماید .

بر همین اساس هم بود که جمهوری
اسلامی رئیس جمهور معلوم الحال را با
"۱۱ میلیون" رای از صندوقهای ریا و
تقلب بیرون کشید چرا که بورژوازی
وابسته در همه جا به این شیوه عمل
میکند و نتیجه "انتخابات" در تحت
دیکتاتوری ذاتی نظام سرمایه داری
وابسته جزاین نبوده و نخواهد بود .
چرا که این شعبده بازی ها در حقیقت
انتخاباتی است که فریبکاران
می کوشند آن را "انتخابات" جلوه
دهند .

اما فرصت طلبانی نظیر راه کارگر
بدون توجه به چنین واقعیتها
و بدون درک ماهیت عوامفریبی های
رژیمی که آن را "ارتجاعی و ضدانقلابی"
میدانستند از چند هفته قبل به
معرفی کاندیداهای خود در این
خیمه شب بازیها پرداختند . بطور
مثال این سازمان در "انتخابات" مجلس
شورای اسلامی ، علی اصغریزادی را
"برای نمایندگی در مجلس شورای اسلامی"
معرفی کرد . پس از آن نیز شیدا به
شکاپو افتاد که با پیشنهاد "صیف
متحد چپ و مف متحد" توده های در
انتخابات " ، (سرمقاله راه کارگر شماره
۱۲ بتاویخ ۲۹ بهمن ۵۸) طیف تمامی
نیروهای شرکت کننده مورد نظرس
در این مخکها ، را در یک "جبهه"
متشکل کند .

مخک اینجاست که با تمام این
تدارکات ، در همان حال "راه کارگر"
خود اذعان میداشت که این "انتخابات"
"زور آزمایی دیگری بین جناحهای
مختلف حاکمیت" است . (راه کارگر
شماره ۱۳ بتاریخ ۶ اسفند ۵۸) ولی
او قادر نبود درک کند که این
"زور آزمایی" در شرایط مشخص کشور ما ،
حتی در زمره زور آزمائیهای تمامی
گرایشات و طبقات جامعه در شرایطی

دمکراتیک و در چهارچوب "انتخاباتی
آزاد" - همچون انتخابات در "مکراسیهای
غربی" - نیز نبود و نمیتوانست هم
باشد . همه واقعیات بیانگر این امر
بودند که این خیمه شب بازی نه یک
انتخابات آزاد و دمکراتیک ، بلکه
حداقل به قول خود راه کارگر یک
"زور آزمایی" بین جناحهای مختلف
رژیم ارتجاعی و ضدانقلابی" جمهوری
اسلامی بود . اما تزلزلات و توهمات
راه کارگر باعث شد که او نیز در این
خیمه شب بازی رژیم شرکت کند و در
"سیاه بازی" جمهوری اسلامی به ایفای
نقش بپردازد . و تازه پس از "انتخابات"
بود که برای عقب ماندگانی نظیر
"راه کارگر" مسجل شد که "نیروهای
انقلابی و دمکرات" بشدت در محاصره
"خوابکاریها" و "دفلکاریها" و
"تقلبات" ارتجاع قرار گرفتند و تمام
امکانات حکومتی بسیج شد تا مانع
از راه یافتن آنها به مجلس شود .

(سرمقاله راه کارگر شماره ۲۳
۲۲/اردیبهشت/۵۹) و یا "ارتجاع طبقاتی
در انتخابات و در دفلکاری سنگ تمام
گذاشت" (راه کارگر شماره ۱۷ ،
۱۱ فروردین / ۵۹) و آن زمان بود که
"راه کارگر" فهمید در این مخکها
چه کلاهگذاری بر سر نیروهای فرصت
طلبی نظیر اورفته و زمانسی او
صندوقهای رای گیری را "جعبه مارکسیستی"
(راه کارگر شماره ۱۸ ، ۲۲/اردیبهشت/۵۹)
لقب داده بود که دیگر بسیار دیر
شده بود . بلکه آنچه از این
خیمه شب بازی بورژوازی وابسته یا
بقول راه کارگر "زور آزمایی" جناحهای
مختلف حاکمیت "ارتجاعی و ضدانقلابی"
نصیب سازمان "حقیقتا مارکسیست -
لنینیست" ما شده ، علاوه بر حک شدن
"مهر" شرکت در "زور آزمایی" جناحهای
مختلف رژیم "ارتجاعی و ضدانقلابی"
در شناسنامه "راه کارگری ها" ، جز
بازیچه دست جمهوری اسلامی شدن و
مشارکت در فریب توده ها و دامن زدن

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با اپورتونیسم نیست

ناتوان و عاجزند ، عجزی ناشی از تزلزل ذاتی طبقاتیشان . این جوهر اساسی و تجلی شیوه تفکر و برخورد اپورتونیسمی است که "راه کارگر" نیز با استعداد غیرقابل وصف در این مورد به هیچوجه از این قاعده مستثنی نبوده و نیست .

حال باید دید که "راه کارگر" در ادامه بررسی "پشت سر" خود به کجا میرسد .

امروز ۷ سال پس از آنکه

آن پیشنهاد نمود و در جهت آن چه کوششهایی به عمل آورد . آیا شرکت در "انتخابات" مجلس شورای اسلامی ، شرکت در جنگ امپریالیستی ایران و عراق ، شرکت در تظاهرات بنی صدر ، کوشش در جهت ایفای بنی صدر در مقام ریاست جمهوری ، اینهاست آن تاکتیکهای "پرولتری" که از چنین ارزیابی ای ناشی میشود ؟

با این کارنامه و در نتیجه یک نقد جدی که به بررسی و تحلیل

به توهمات آنها نسبت به ماهیت اقدامات ارتجاعی حکومت فدخلتی جمهوری اسلامی چه میتواند باشد ؟ راه کارگری که مدعی است در نبرد "رودررو" با فریبکاری حاکم فدمردمی قد کشیده و رشد نموده است در مقابل نقشش در این نریبکاری ها ، برآستی چه میتواند بگوید ؟

همانطور که قبلا نیز اشاره کردیم ، این روزها ، روزهای خوب و خاطره - انگیزی برای راه کارگری ها نبوده و نیست و شاید هم به همین دلیل است که جنبش انقلابی در این زمینه نیز همانند موارد پیشین هیچگونه برخورد جدی و نقد واقعی از این جریان ندیده است .

حال با بررسی این مختصر بهتر میتوان فهمید که درک راه کارگر از "ارتجاعی و ضدانقلابی" دانستن رژیم جمهوری اسلامی ، دربرآتیک سازمانی این جریان دارای چه ارزش عملی و محتوای انقلابی میباشد به روشنی میتوان درک کرد که در ۷ سال گذشته برخلاف ادعای "راه کارگر" ، این جریان تا چه اندازه به "سهم خود" در فریب توده ها و تشدید "توهم توده ها" نسبت به رژیم حاکم کمک کرده و سهیم بوده است .

"راه کارگر" به سیاق همیشگی اپورتونیستها با اپورتانی ضعیفهای اسابی خود ، بازیرکی یک "کاسیکار" میکند مسئله "ارتجاعی و ضدانقلابی" دانستن جمهوری اسلامی را فضیلتی برای خود قلمداد نماید . اما به خوانندگان تشریح خود نمی گوید که اولاً مسئله صرفاً در "ارتجاعی و ضدانقلابی" دانستن جمهوری اسلامی خلاصه نمیشود چرا که مهمترین هر چیز تعیین ماهیت طبقاتی رژیم جدید - امری که پس از استقرار جمهوری اسلامی به یکی از مهمترین مسائل جنبش انقلابی تبدیل شده بود ، امری لازم بود و اتفاقاً در همین زمینه بود که راه کارگر با تئوریهای غیرعلمی و بیخشا عاریتی خود از پاسخگویی علمی به آن عاجز مانده و با "کاست روحانیت" ، و "کاست حکومتی" و "فاشیسم" به اشاعه توهم مشغول بود و ثانیاً از بیگان خطلت فدائیانقلابی و ارتجاعی جمهوری اسلامی چه نتیجه عملی این سازمان گرفت و چه راهی برای مبارزه با این رژیم و چه آلترناتیوی برای جایگزینی

حال با بررسی این مختصر بهتر میتوان فهمید که درک راه کارگر از "ارتجاعی و ضدانقلابی" دانستن رژیم جمهوری اسلامی ، دربرآتیک سازمانی این جریان دارای چه ارزش عملی و محتوای انقلابی میباشد و به روشنی میتوان درک کرد که در ۷ سال گذشته برخلاف ادعای "راه کارگر" ، این جریان تا چه اندازه به "سهم خود" در فریب توده ها و تشدید "توهم توده ها" نسبت به رژیم حاکم کمک کرده و سهیم بوده است .

"راه کارگر" بعنوان یکی از جریانهای خرده بورژوازی به تحلیل کوتاه بنانه از اصلی ترین معضل و گره گاه هر انقلاب یعنی ماهیت قدرت حاکم پرداخته و برای رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی "استقلال سیاسی" قائل گردید ، و "رژیم فقها" را مستقل از قدرت جهانی امپریالیسم ارزیابی نموده و به این وسیله به تطبیق چهره امپریالیسم این دشمن اصلی خلقهای ایران پرداخت . عنوان می نماید : "یورش سراسری و بیوسته رژیم و سرکوب خونبار سازمانهای انقلابی و دمکراتیک در سال ۶۰ پرده از ضعفهای اساسی ما برداشت"

(راه کارگر شماره ۲۸ صفحه ۳ سال ۶۵)

بنظر ما بطور حتم در این جملات عناصری از حقیقت نیز نهفته است . حقایقی مبنی بر اینکه مدت ها پس از کشتار و سرکوب جمهوری اسلامی تازه در سال ۶۰ بود که موج جدید یورش وحشیانه و سراسری و تعرض از قبیل سازمان یافته دستگاه سرکوبگر امپریالیستی حاکم در ایران ، "راه کارگر" را که به ادعای خود بیشترین نیرویش را صرف "مبارزه سیاسی و

درست از ریشه اشتباهات و کشف علل آن ، برای پیدانمودن وسائل رفع آنها بنشیند ، تمایل برای عدم پذیرش با واقعیت این انحرافات و سازشکاریها و بالاخص توجیه "مارکسیستی" آنها در "راه کارگر" هرچه بیشتر فزونی میگردد .

بی تردید راه کارگریها برای توجیه این عملکردها فاکتهای بالابندی از "مارکس" و "لنین" مبنی بر شرکت در جنگها و پارلمانهای ارتجاعی ، پیشاپیش آماده نموده اند و مدالته بدون اینکه جرات وارد شدن به مدار بررسی و تحلیل مشخص از شرایط مشخص در موارد به فرض گرفته شده رداشته باشند . آنها به روش دیرینه اپورتونیستهای کهنکار جملات طولانی از آموزگاران پرولتاریا را در چنته دارند که هرگاه لازم شد با قطار کردن آنها به توجیه اپورتونیسم خود بنشینند و بدون شک با کشتن روح انقلابی و جوهر واقعی این آموزشها ، در یک کلام ، به همان اندازه که در تبدیل روح انقلابی و تحول گرای مارکسیسم به فرمولهای گنگ و مرده استادند در بررسی مشخص و نه مجرد هر مسئله اجتماعی

افشای ماهیت ضدانقلابی رژیم و "مبارزه نظری با توجیه گران حمایت از رژیم" و "تلیفات گسترده و آگاهانه" برای توده‌ها کرده بود (راه کارگر شماره ۲۸ صفحه ۳) را بخود آورده و کاغذ خوش خیالیها و توهمات او را نسبت به بسیاری از قزاقا فرو ریخت. گرچه بنا به ماهیتش آیسیر توهمات دیگری گشت... و باز هم "راه کارگر" که بزم خود در خیال خود با صرف بیشتر ریختن نیروی خویش از طریق "مبارزه سیاسی" و "تلیفات گسترده و آگاهانه برای توده‌ها"، با خوش خیالی تمام مشغول تدارک و "اعلان جنگ" به رژیم "ارتجاعی و ضدانقلابی" حاکم بود، این رانفهمید که از مدت‌ها پیش این رژیم وابسته به امپریالیسم عملا آن جنگ را به کلیت جنبش توده‌ای و سازمانهای انقلابی تحمیل کرده بود (۳) و در این میان نقش ۳۰ خرداد که نقطه عزیمت "راه کارگر" است تنها به عنوان جلوه‌ای از روند این جنگ تمام عیار و فرمتی مناسب برای اجرای بخشی از ماموریت سرکوبگرانه دستگاه امپریالیستی حاکم بر علیه مبارزات توده‌ها معنی میداد. و اتفاقا این امری بود که تئوری مبارزه مسلحانه بر آن تاکید نموده بود و متخصصان مرزبندی با "جنبش چریکی" به اعتبار عقب ماندگی رقت انگیزشان در درک واقعیت‌های مبارزه طبقاتی در ایران از فهم عاجز بودند؛ که در شرایط سلطه امپریالیسم و بورژوازی وابسته... به آن و در شرایطی که شکل دولت در کشور ما به اعتبار این سلطه شکل عریان و خشن دیکتاتوری است و بر این اساس عامل بقای ایمن سلطه سرکوب قهرآمیز میباشد "اعلان جنگ خود جنگ است" در نتیجه احتیاجی به ۳۰ خرداد و پی آمدهای آن نبود چرا که برای نمونه همان تجربه شوراهای ترکمن صحرا بروشنی تمام یکبار دیگر بر این حکم تئوری مبارزه

(۳) - بطور مثال رژیم ضد خلقی بسدون کوچکترین مکث و تأملی در اولیین فرصت بدست آمده بعد از استقرارش به وحشیانه ترین شکل ممکنه بسده کردستان پوروش برد. ترکمن صحرا را به خاک و خون کشید و به قتل عام خلق عرب و تعرض مسلحانه و قهرآمیز به تمامی جنبه‌های مقاومت و مبارزه جنبش توده‌ای و ضد امپریالیستی بعد از قیام پرداخت.

مسلحانه مهر تأیید زده بود و نشان داده بود که تشکیل شورا جز به مفهوم "اعلان جنگ" نبوده و در اینجا هم اعلان جنگ خود جنگ است و سیر رویدادها بروشنی تمام نشان داد که یک سازمان انقلابی حتی با صرف بیشترین نیروی خود در افشاگریهای سیاسی و توسل به کار صفا سیاسی در شرایط ما کمیت رژیم وابسته به امپریالیسم، در ایران نمیتواند توده‌ها را بطور موثر و کارساز حول وظایف میرم مبارزاتی بسیج کرده و امرانقلاب و کسب قدرسیاسی را به پیش برد. اما همین واقعیتها با برجستگی تمام از یک ضعف اساسی "راه کارگر" نیز بی بهره بر میداشت: روشن بود راه کارگری که با عدم درک وظیفه اصلی و شکل عمده مبارزه در شرایط اجتماعی - اقتصادی و رژیم سیاسی موجود - یعنی مبارزه مسلحانه - به کار صفا سیاسی پرداخته و بیشترین نیرویش را نیز در این مسیر به خدمت گرفته است نمیتواند توده‌ها را حول وظیفه مرکزی و هدف اساسی هر انقلاب یعنی تصرف قدرت سیاسی بسیج کند، این ضعف اساسی تفکر "راه کارگر" بوده و هست، چرا که اساسا راه کارگر مسئله اش انقلاب برای کسب قدرت سیاسی و تغییر مناسبات موجود در جهت منافع کارگران نبوده و نیست و برای درک این موضوع به چشمانی که جرئت نگرستن در واقعیت را داشته باشند نیاز است. اما زندگی راه کارگر نشان داده است که او فاقد چنین چشمانی میباشد. و به جای درگیری از این "ضعف" تنها چیزی که در آن زمان به فکرش خطور کرد "توده‌ها" و "عقب نشینی" به "اعماق" آنها بود. بلکه این سازمان به ادعای خود "حقیقتا مارکسیست - لنینیست" همانگونه که ما قبلا هم اشاره نموده ایم فقط هنگامی به یاد "توده‌ها" افتاد که ضرورت‌های سازمانش - حفظ موجودیتش - ایجاب میکرد به "اعماق" آنها "عقب نشینی" کند و نه تنها "خودداری از عقب نشینی" بسرای راه کارگر معنای جز خودکشی نمیداشت، (راه کارگر شماره ۲۸ صفحه ۳) بلکه میبایست همگام با این نوع "عقب نشینی" سیل لجن پراکنی و ناسزا گوئی رانیز به عنوان یک سازمان "حقیقتا مارکسیست - لنینیست" نثار آنها می کرد، که یا بر اساس تئوری مبارزه مسلحانه و یا بر اساس دیدگاههایی که بنا به ماهیت طبقاتی نشان محدودیت‌های

مخفی داشت بدرستی در آن لحظاتی سروشت ساز جنگ خلق و ضد خلق عقب نشینی نکردند و پیشاپیش مفتوف مقاومت توده‌ها در خیابانها و کوچه‌ها و یا حتی بزم "راه کارگر" در "خانه‌های تیمی" در مقابل پوروش مسلحانه و سازمان یافته رژیم جنایتکارانه مبارزات خلق، ایستادگی کرده و با فداکاری انقلابی به تعرض مسلحانه بر علیه مزدوران امپریالیسم پرداختند و در یک کلام مانند امثال "راه کارگر" توده‌ها را دست بسته روانه مسلخ رژیم ضد خلقی نکردند. البته نباید فراموش کرد که منادیان "عقب نشینی" به این شیوه، که جنبش انقلابی نمونه‌های تاریخی آن را تنها در فرهنگ و پرنسیپهای امثال راه کارگر به یاد دارد، برای توجیه پاسیفیسم خود در لفافه "محدودیت فعالیت" بسده "سازماندهی خانه‌های تیمی" و بزم آنها "انفعال از زندگی و مبارزه مردم" (۴) سرخشانه با ایستادگی و تعرض مخالفت میورزیدند و بعلاوه وقایع سال ۶۰ و ادامه پوروش بر ناسازی شده رژیم وابسته، به مبارزات خلق آن عاملی شد که در عین حال، چرخش بسیاری از اپورتونیستها را از مواضع پیشین سبب گردید. بسیاری از خوش خیالیهای روزهای علنی مبارزه در فضای شبه دمکراتیک درهم شکسته شد و ورشکستگی اپورتونیسم در تقابل با قانونمندیهای حاکم بر نظام سرمایه‌داری وابسته و سرکوب لجام کسبخته و عریان آن بار دیگر به وضوح تمام آشکار شد. اضمحلال تشکیلاتی خیلی از سازمانها و جریانهای ناب "مدعی" رهبری طبقه کارگر و قهرمانان کار سیاسی - توده‌ای نظیر پیکار و رزمندگان و... از نتایج این امر بود.

در بطن چنین شرایطی است که دوره اول فعالیت "راه کارگر" نیز به پایان رسید. و پس از یک دوره سکوت و "عقب نشینی" منظم به میان توده‌ها (راه کارگر شماره ۲۸ صفحه ۴) به قول راه کارگر "بی آنکه انشعابی رخ دهد و آبی از آب تکان بخورد" جنبش انقلابی این بار متوجه حضور "راه کارگر" میشود که دیگر به "زره تهمت‌ها و دستاورد" مجهز شده و با گذراندن پروسه‌ای (۵) توانسته "بقای رزمنده خود را در پیوند زنده و رشد یافته با کارگران و زحمتکشان و از



طریق سازماندهی مبارزات آنسان
نمین کند، "راه کارگر" شماره ۲۸ (صفحه ۴)
و از آنجا که تبلیغات ریاکارانه در
جنبش انقلابی ما امر تازه‌ای نیست.
بدون شک کسی هم خواهان تعیینات و
نمودهای واقعی این پیوند شده‌یابنده
با کارگران و زحمتکشان و "بقای
رزمنده" و در صحنه جامعه و در
نظر و عمل از "راه کارگر" نمیشود.
چراکه اساس این تبلیغات به این
دلیل سازمان می‌یابند که واقعیت‌های
وجودی جریان مورد بحث را اپوشانی
نمایند.

اما همین دوره سکوت برای
"راه کارگر" ویژگی مهم دیگری نیز
دربرداشت "راه کارگر" در آن دوره بی
آنکه "آبی از آب تکان بخورد" تمام
ترازنامه اپورتونیستی خود تا مقطع
سال ۶۰ را هم به یکباره به کناری
نهد، زیرا از یک سو تحمل سنگینی بار
"مکافات" این عملکردها امکانپذیر
نبود و از سوی دیگر سرعت و عمق
تحولات و ضرورت‌های روند جنبش انقلابی
اپورتونیسم را وادار میکرد که به هر
حال به نوعی با گذشته تسلیم طلبانه‌اش
در آن سالها برخورد نماید تا امکان
هرچه بیشتری برای سازشکاری‌های
آینده بدست آورد و راه کارگر هم
گذشته خود را با اصطلاح به نقد کشید.
اما همچون همه اپورتونیستها و بنا
تکیه به: "رسوبات پوپولیسم".

بهر حال اگر آبی از آب تکان
نخورده است اما لازم است که تمامی
کاسه کوزه‌ها را بر سر چیزی شکست و
دستها را بست و خود را تطهیر نمود.
و بدینگونه است که راه کارگر "تهدمتن" ما
همچون همه خرده بورژواها به نقد
گذشته خود پرداخت.

"راه کارگر" در بیست و هفتمین
شماره نشریه خود در دوره جدید
مهمترین دستاوردهای "انتقاد از خود
کمونیستی" را "لایروبی رسوبات
پوپولیسم و مبارزه بیگیربیا آن"
اعلام میکند. البته برجمداران مرزندی
با "پوپولیسم" و "مشی جدا از نسوده
چریکی" در سال ۵۸، دو سال بعد اولین
در سال ۶۰ در مواجه با یورش وسیع
و سراسری ارتجاع تمامی با رانحرافات
و عملکردهای دنباله‌روانه و اپورتونیستی
خود را با عبارت "لایروبی رسوبات
پوپولیستی" به گردن "پوپولیسم"

انداخته و به خیال خام خویش، خود
را تطهیر مینمایند.

جالب اینجاست که علیرغم
"راه کارگر" مدعی مبارزه با "پوپولیسم"
و پرچمدار "استقلال طبقاتی"
پرولتاریا، و علیرغم هم

فریبکاریها و هیاهوهای امثال این
جریان بر علیه تئوری مبارزه مسلحانه
که بزم این اپورتونیستها
پرولتاریا و استقلال طبقاتی و کار
آگاهگرانه در درون طبقه کارگر برای
ارتقاء آگاهی کارگران و متشکک
کردن آنها اهمیت نمی‌دهد، مدافعین
مشق انقلابی مبارزه مسلحانه، از همان
ابتدا بر اساس تحلیل درست و علمی ای
که از رژیم جدید ارائه دادند،

تاکتیکهای صریح و روشنی در مبارزه
با حاکمیت ضد خلقی جمهوری اسلامی
انقاد نمودند. و هرگز هم سازماندهی
هژمونی طبقه کارگر را فراموش نمودند
و مدالیت نه با دید ابلهانه
اپورتونیستهای رنگارنگ، و در طول
سالهای مورد نظر "راه کارگر"، هیچگاه
به مانند او به دنباله‌روی از جنبش
توده‌ها نپرداختند، برای دفاع از
میهن سرمایه‌داران وابسته در جنگ
امپریالیستی شرکت نکردند و کارگران
را به افزایش تولید در جهت منافع
بورژوازی وابسته تشویق ننمودند، در
غیبه شب‌بازی‌های رژیم وابسته در
پوش "انتخابات" شرکت نکردند و در
یک کلام طرفداران و رهروان "جنبش
چریکی" با اعتقاد به تئوری انقلابی
پرولتاریا و با درکی درست از ماهیت
قدرت دولتی و شیوه برخورد با رژیم‌های
وابسته برخلاف "راه کارگر" "پرولتری"،
هیچگاه توده‌ها را نفرینتند و
انرژی انقلابی جنبش آنها را به کجراه
نکشاندند.

چریکهای فدائی خلق بر اساس
تئوری مبارزه مسلحانه در حالیکه
هنوز اندک زمانی از تعویض رژیم
جمهوری اسلامی با رژیم شاه بر اساس
پارگیری جدید امپریالیسم در ایران
نمی‌گذشت، ماهیت واقعی و موازین
این تعویض قدرت از بالا و رژیم جدید
را به توده‌ها شناساندند و منطق با
جنبش تحلیل درست و انقلابی ای راه
اصلی و موثر مبارزه با دستگاه حاکم را
نیز بروشنی در مقابل جنبش انقلابی و
توده‌های تحت ستم قرار دادند. اما
آگاه‌میسینهای تئوری پرداز راه کارگر
که ادعا میکنند از همان آغاز
"ماهیت ارتجاعی و ضد انقلابی رژیم"

را فاش نموده بودند، با وجود این
ادعا در تمام طول آن دوران عملاً در
فریب توده‌ها به رژیم ضد انقلابی و
ارتجاعی جمهوری اسلامی یاری رسانده
و در رابطه با مسائل مختلف جامعه،
نوی تطهیر این قاتلان حرفه‌ای وابسته
به امپریالیسم را سر داده و این
مزدوران امپریالیسم را دارای "استقلال
سیاسی" اعلام نموده و به این طریق
چهره دشمن اصلی خلق‌های ایران را
تطهیر نمودند.

با رونویسی ها و کپی برداری‌های
بی محتوا از روی دست مارکس و لنین،
رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری
اسلامی را حکومتی "بنا پارتنیستی" و
"استثنائی" ویا "کاست روحانیت"
و "کاست حکومتی" و "حاکمیت فقها"،
قلمداد نمودند و دهها نمونه دیگر از این
نوع افادات غیر علمی و غیر واقعی
جدا از اینکه باعث اشاعه توهم نسبت
به رژیم ددمنش جمهوری اسلامی میگردد
و میگردد در همان حال از جمله آن
پاشنه‌هایی بود که این سازمان "حقیقتاً
مارکسیست - لنینیست" از دیروز تا
امروز، با چرخیدن بر روی آنها، در
حالیکه توده‌ها به عریانترین وجهی
مورد سرکوب و کشتار سگان زنجیری
حاکم قرار گرفته بودند، به توجیه
اپورتونیسم خود و نقش در اتلاف
انرژی انقلابی توده‌ها میپردازد. با
این توضیح مختصر است که میتوان درک
کرد که ادعای "لایروبی رسوبات
پوپولیسم" برای ماستمالی کردن این
انحرافات تاچه حد کودکانه مینماید.
درواقع "راه کارگر" نمی‌فهمد یا بهتر
است بگوئیم نمی‌خواهد بفهمد که "نقد"
تمام سازشکاری‌های گذشته و گرفتن
ژستیک سازمان "پرولتری" صرفاً با
دستاویز "لایروبی رسوبات پوپولیستی"
تنها سانگر ناتوانی این حوسان
از برخورد خدی با گذشته‌اش و عدم
گستار و رفریم ذاتش مساند و
اتفاقاً چمن تفکری در بینرس ملت
سانگر رسوبات اپورتونیستی است
که در حدال با مکافات گذشته، موجود
خود را در نکلی مراتب مع ماده‌تر
باز تولید میکند، اپورتونیستی که به
آن حد از بلوغ رسیده است که میتوان
بروشنی اذعان داشت که اگر در مقطع
سال ۶۰ و تعرض ارتجاعی و حساب شده
امپریالیسم به توده‌ها، موقعیتی
بوجود آمده که ارتش‌های شکست خورده
میایست از آن درس بگیرند اما



"راه کارگر" در واقع نشان داد که فاقد کوچکترین پتانسیلی برای بکارگیری این آموزش است.

همانطور که دیدیم در سال بعد به جای یک برخورد جدی و نقد انقلابی از گذشته، در یک عبارت کوتاه و کلیسی بزم "راه کارگر" "سویات پوپولیم" لایروبی میشود و در نتیجه با این درجه از "شهامت و جسارت کمونیستی" در "انتقاد از خود کمونیستی" (راه کارگر شماره ۲۸ صفحه ۴) مطابق عسرف سایر اپورتونیستهای وطنی پس از هر دوره فعالیت یک سازمان "حقیقتاً مارکسیست-لنینیست" و "پرولتری" از درون کلاه شنبه بیرون آورده میشود و "راه کارگر" اطمینان میدهد که دیگر "عیار کارگری" اش بالا رفته و مضمون فعالیتهاش کاملاً در جهت "سازمانگری هژمونی پرولتاریا برای قدرت" انطباق یافته است (راه کارگر شماره ۲۸) بدون اینکه این "قهرمانان" انتقاد از خود کمونیستی حتی قدرت و تمایلی برداختن به تنها جزئی از کارنامه اپورتونیستی خود و برای نمونه همان مواردی که در بالا بدانها اشاره شد را داشته باشند. بهمین دلیل هم هست که در ادامه حرکت "راه کارگر"، رابطه ای منطقی بین "دیروز" و "امروز" او برقرار میگردد که در واقعیت امر تکرار و ادامه همان اپورتونیسمی است که دیگر در نظر و عمل روندد تکاملی بیشتری را پیموده است و بدون شک بر اساس همین روند "فردای" "روشنی" هم در انتظار دارد.

حال لازم است به این مسئله هم اشاره کنیم که اگر "راه کارگر" برماهیت "فدائقلابی و ارتجاعی" جمهوری اسلامی اذعان نموده و این امر را جزئی از کارنامه درخشان خود قلمداد مینماید آیا در عمل برای سرنگونی این رژیم ددمنش گامی هم برداشته است یا نه؟

دیروز راه کارگر درسی وسومین شماره نشریه اش بتاريخ ۲۰ تیر ۵۹ خود اذعان مینمود که: "به هیچوجه قصد سرنگون کردن بلافاصله حکومت" - منظور همان جمهوری اسلامی فدائقلابی و ارتجاعی است - را نداشته و این کار را اگر "بعنوان یک اقدام" مطرح میشد یگ ماجراجویی ابلهانه "میدانست" و "امروز" یعنی ۷ سال بعد در ادامه همان مسیر و همان سیستم فکری در نشریه شماره ۲۲ (دوره جدید) بان سال ۶۵ خود مطرح میکند: "هنوز شرایطی

که بتوانیم مردم را مستقماً به برداشتن اسلحه و قیام فراخوانیم فرانسیده است و دعوت ما از مردم که اگر صلح میخواهند علیه موجودیت رژیم بیاغیزند، هنوز دعوت مستقیم به قیام نیست". و بدین ترتیب بروشنی نشان میدهد که نه تنها بهیچوجه جنگ داخلی ای را که سالهاست امیرالیسم به خلقهای ماتمیل نموده و هر روز طبقه کارگر و توده های ستم دیده آن را با گورشت و پوست خود لمس میکنند رانمیبیند، بلکه اساساً نمیی تواند بفهمد که در شرایط میهن ما "اعلان جنگ خود جنگ است" چرا که چشمانی برای غیسره نگریستن به واقعیتها را نداشته و ندارد و بر اساس منافع طبقاتیش آنچنان لفافه های نظری برای عبود ساخته است که در حالیکه ۸ سال پس از استقرار رژیم وابسته به امیرالیسم جمهوری اسلامی، وسیعترین توده های تحت ستم در بطن زندگی روزمره خود هر چه بیشتر به ضرورت سرنگونی فوری این رژیم فدائقلابی و ارتجاعی پی برده اند، و وسیعاً خواهان سرنگونی آن هستند و در حالیکه برای رسیدن به این هدف در جنگی خونین با این رژیم ددمنش درگیرند، "راه کارگر" با صطلاح "پیشاهنگ" - که از قرار عیار کارگری اش آنقدر بالا رفته که "پرولتاریا"، شخصاً و در مراسمی رسمی و کالت نامه رسمی نمایندگی به او داده است - فرستگها دورتر از واقعیات جامعه با ظفره رفتن از طرح مستقیم شعار سرنگونی جمهوری اسلامی نشان میدهد که اصولاً برای او به مانند دیگر هیالگی هایش سرنگونی رژیم فدائقلابی حاکم بعنوان یک اقدام عملی و مستقیم مطرح نیست. و او همچون گذشته که به "سندج" دلخوش بود و فرمیسیم خود را به این وسیله نیز به نمایش میگذاشت، حال نیز فرمیسیم خود را پیگیرانه دنبال نموده و حاضر به عدول از آن نبوده و نمی باشد.

"دیروز" راه کارگر بمثابة دایه مهربانتر از مادر برای رژیم "ارتجاعی و فدائقلابی" - دلسوزی میکند که: "تردید نیست که امریکا قصد سرنگون سازی حکومت اسلامی را دنبال میکند و باید انتظار داشت که دستکم در چند ماه آینده اقدامات توطئه گرانه امریکا برای برانداختن رژیم اسلامی ادامه یابد و حتی گسترش پیدا کند". (راه کارگر شماره ۲۹، ۱۰/شهریور/۵۹)

"امروز" در اوج رسوائی و آبروریزی ناشی از افشای صدور مقادیر کلانسی سلاح از جانب امیرالیستها به رژیم

فدائقلابی و همچنین آشکار شدن بخشی از روابط و مناسبات عمیق و همه جانبه امیرالیستها با رژیم مزدور شان، ظیرف ۸ سال گذشته، این سازمان حقیقتاً "مارکسیست-لنینیست" یا بلاهت خاص خود در نشریه شماره ۲۱ خود بتاريخ مهر/۶۵ اعلام میکند: "امکانات فنی و نظامی رژیم ته کشیده است و با تحریم وسیع فروش اسلحه از سوی جهان مواجه گشته است" و "از لحاظ بین المللی در انزوای کامل قرار گرفته است. و با از تحریم فروش جنگ افزار" و اینکه "انزوای بین المللی رژیم نیز هرگز بدین گسترده گی نبوده" (راه کارگر ۳۲ بان ۶۵) داد سخن میدهد. و در حالیکه همه واقعیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از یک سو و عملکردهای جمهوری اسلامی از سوی دیگر، دلالت بر وابستگی کل نظام موجود و رژیم فدائقلابی حاکم از همان ابتدای روی کار آمدنش میکند، فرستگها عقب تر از رویدادها، "راه کارگر" هنوز مبنای تحلیلیهای داهیانه خود را بر استقلال سیاسی جمهوری اسلامی و "تضاد" امیرالیستها با جمهوری اسلامی و دروغپردازی ها و عوامفریبیهای این یا آن مهره رژیم استوار مینماید، اگر "دیروز"، "راه کارگر" بر سرای کارگران بمنظور "افزایش تولید" و در نتیجه پرکردن جیب سرمایه داران وابسته کف میزد و هورا میکشید. "امروز" کار سازمانی که ادعا میکند "سرنوشت سازمان ما به سرنوشت پرولتاریا گره خورده است" به جایی میرسد که "کمونیسم" سازمانگش، اشکال سازمانی خود را در اوج تسلیم طلبی، بر مبنای لفافه های ایدئولوژیک دینگاه پلیسی سرکوبگر حاکم و از نص صریح اسلام استخراج میکند و این "هنر" سازمانگری را با چنین جملات ابلهانه ولی "عافیت طلبانه و عاقلانه ای" تشریح میکند.

"ویژگی ایدئولوژیک این رژیم، خرید و فروش نوارهای موسیقی با تقاضای نمایش المیک زنان را در تلویزیون به اقدام علیه موجودیت رژیم، به حرکتی که جز با سرنگونی رژیم به نتیجه نمی رسد تبدیل میکند. طرح این خواستها احکام فقه را مستقیماً به خطر می اندازد و به رژیم اعلان جنگ میدهد، حال آنکه علیه اتحادیه های کارگری نص صریحی در اسلام وجود ندارد و کارگران میتوانند بدون متهم شدن به ضدیت با احکام الهی و اسلام از موضعی صفتی رژیم را برای تحمل اتحادیه های کارگری تحت فشار قرار

در چهارچوب مناسباتی سالم و سازنده و بدون از خصومت، مبارزه ایدئولوژیک حول استراتژی و خط مشی کمونیستی، مبارزه با روسیات ضمیم فرمیسم و پوپولیسم و همچنین مبارزه با ناپیگیری این سازمان را، در مبارزه بهی برای دمکراسی قاطعانه دنبال کند.

اما برآستی چرا؟ چرا باید وسیله تطهیر فدائیان و خاشاکین به طبقه کارگر شد. پاسخ این چرا را در سیر زندگی پراز تزلزل راه کارگر باید یافت. راه کارگری که دیروز کارگران را به جبهه های جنگ امپریالیستی دعوت میکرد و پشت سرینی صدر سینه میزد و از رژیم فدائیان و ارتجاعی جمهوری اسلامی خواهان اجرای "بندج" بود. چنانچه پدیس از "لایروبی" روسیات پوپولیستی خود به تطهیر جانان چکه لیس اکثریتی افسد نامید. آخر گذشته چراغ راه آینده است و گذشته راه کارگر و شیوه برخوردش با این گذشته باید امروز راه کارگر راه این خفت نابخودنی دچار سازد. در خاتمه باید به راه کارگر گفت که برای اتحاد عمل با خاشاکین اکثریتی و تطهیر چهره فدائیان و کشتگری - در ادامه اش نگهدارها و خاورینا - احتیاجی به زره "تهدنسان و دستانان" نبود شاید فراک و پاپیون برای این اتحاد عمل بیشتر به کار آیند.

در روشی پرولتری و انقلابی جنبش - یعنی تئوری مبارزه مسلحانه - بر علیه کل نظام موجود قاطع و پیگیر بودند که در مقابل تحلیل درست از نظام حاکم و اتخاذ روشهای انقلابی در مقابل آن، ناتوان و متزلزل می نمودند.

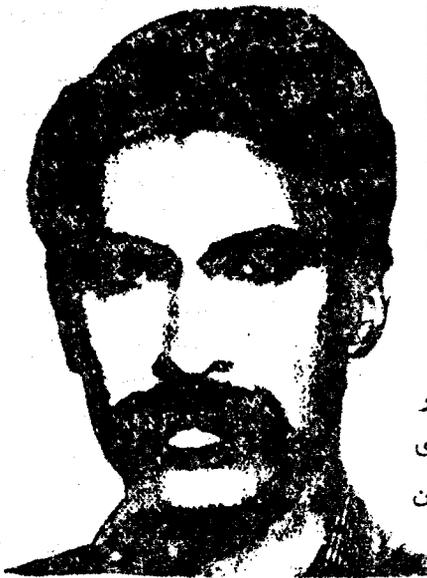
و در همین رابطه است که امروز در چنین شرایط بحرانی، تزلزل و ناپیگیری "راه کارگر" و "فرمیسم و سازکاری ذاتی او میتواند آن روزه مساعدی باشد که جریان فدائیان را مانند توده های - اکثریتی های معروف شهره خاص و عام میکوشند با گذران، نشان را به تن نیروهای درون جنبش انقلابی زده و وجهه ای کسب نمایند. بخصوص هنگامی این خطر را میتوان ملموس تر درک کرد که دریابیم "راه کارگر" به همان اندازه که در مرز بندی هایش با "مشی جدا از توده جنبش چریکی" و در حقیقت با تئوری انقلابی مبارزه مسلحانه یعنی تنها شکل انطباق مارکسیسم لنینیسم در شرایط حاکمیت امپریالیسم در ایران قاطع و پیگیر بود، در مرز بندی با "فرمیسم و تسلیم طلبی حزب توده" متزلزل و ناپیگیر. و در نتیجه جای تعجب ندارد که در روند حرکت این سازمان در دیماه ۶۵ با "خلاصه ای از نظر ما درباره نتایج پلنوم هفتم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران" در نشریه راه کارگر شماره ۳۴ مواجه شویم که در آن اعلام میکند:

"سازمان ما دیگر دلیلی برای بایکوت سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران (منظور جانان چکه لیس کشتگری است - توضیح از ماست) نمی بیند و از همکاری و اتحاد عمل با آن در مبارزه برای دمکراسی و همچنین در زمینه جبهه متحد کارگری، استقبال میکند و حق خود میداند که

دهند. (۱۹۹۱) (راه کارگر خرداد ۶۳ - تاکید از ماست)

راه کارگر اگر میفهمید که در آن پورت دیگر راه کارگر نبود - کسه "ویژگی ایدئولوژیک این رژیم" یعنی تکیه جمهوری اسلامی به مذهب و اسلام صرفا لفافه عقیدتی مورد نیاز بورژوازی وابسته در شرایط کنونی است و جمهوری اسلامی از مذهب صرفا بمنابہ عاملی در جهت تمیق و تخذیر توده ها و سرکوب و حشیانه آنها در جهت تسهیل پروسه استثمار و تحکیم سلطه امپریالیستها استفاده مینماید و در عمل هم هر جا که مقتضیات سرکوب توده ها ایجاب کند دستگاه سرکوبگر حاکم در زیر پا گذاشتن همان "احکام الهی" و "لائم" ادعایی تردید نکرده و نخواهد کرد، آنگاه دیگر نمیتوانست با ارائه چنین درک کودکانه و ابلهانه ای از رژیم "فدائیان و ارتجاعی" موجود سازماندهی مبارزات کارگری راه ابتدال بکشاند. و "نمایش الممیک زنان در تلویزیون" را اعلام جنگ به رژیم بداند و لسی تشکیل اتحادیه های کارگری رانه تنها "اعلام جنگ" به جمهوری اسلامی نداند بلکه در چهارچوب رژیم موجود از کارگران بخواهد که رژیم را برای این امر تحت فشار قرار دهند!!!

و بالاخره "امروز" تجلی تکامل اپورتوننیسم عقب مانده "راه کارگر" را چه در نظر و چه در پراتیک به بارزترین وجهی میتوان مشاهده کرد. اصولا جنبش نوین انقلابی از آغاز موجودیت خود و بخصوص در ۸ سال اخیر هیچگاه از آسیب و ضرر زیسان اپورتوننیسم و سازکاریهای جریانات متنوع مدعی مارکسیسم - لنینیسم و رهبری طبقه کارگر برکنار نبوده و نخواهد بود. ویژگی بارز اکثر این جریانات اپورتوننیستی صرفنظر از ظاهر متفاوت، چیزی جزئی خرد بورژوا ما بانه نظام ستمگر و وابسته موجود، در مضمون بوده است. مسلما این امر را پیش از هر چیز باید در وجود اقشار وسیع خرد بورژوازی در جامعه و محور وسیع آنها در صحنه مبارزه به اعتبار تفا دهایشان با نظام موجود جستجو نمود. "راه کارگر" نیز نمونه تپیک چنین جریاناتی است. با تزلزلات و تردیدها و درنگهای ذاتی طبقه اش. جریاناتی که در طول سالها "انقلابیگری" به همان اندازه



چریک فدائی خلق رفیق کبیر
علی اکبر (فریدون) جعفری
از رهبران سازمان

و استراتژی بوده و هست. این جماعت همانطور که جناح سالم ساواک شاه را در تیمور بختیار یافته و با رئیس سابق سازمان امنیت شاه دست اتحاد بستند به همان آسانی هم جمهوری اسلامی و اسلام خمینی را با سوسیالیسم ادعائی شان همسان و در وحدت استراتژیک دیدند.

برای خیلی ها این خودسوالیست که چگونه رهبران و کادرهای این حزب در زندانها و با کمترین فشاری توبه نامه های حاضر و آماده را از جیب بیرون آورده و اول از همه خودشان را به لجن میکشند. جواب این سوال واضح است، در زندانها هم همچون در محله جامعه باید "ترمن" نشان داد، چرا که برای تحمل شکنجه های وحشیانه بسه ایمانی قوی نیاز است. اما ایمان از اعتقاد عمیق به ایدئولوژی و هدف برمیخیزد. این ایمان مستحکم باید خود را در همه عرصه های مبارزه طبقاتی نشان دهد و از جمله در زندان و شکنجه گاه که جزئی جدائی ناپذیر از واقعیت مبارزه طبقاتی در عصر امپریالیسم میباشد. تنها بی ریشگی و بی اعتقادی و بی ایمانی و عدم پابندی به هرگونه اصول و پرنسیپ این جماعت است که آنچنان خمیرمایه ای را از وی بعمل می آورد که حاضر است در اوایل دهه ۳۰ از "شاهنشاهی" طلب بخشش نماید و از اعمال گذشته تبری جوید و بار دیگر در اوایل دهه ۶۰ و این بار از "امام امت" طلب مغفرت نماید. آنجا تاریخ کهنسال "ایران باستان" را به شهادت بگیرد و اینجا تاریخ "سراسرمبارزه اسلام انقلابی" را، چنین است حزب توده و چنین نیز خواهد ماند. این بی ریشگی و بی ایمانی تا آنجا در این جماعت رسوخ کرده است که حتی "آیت الله کیانوری" یا آنطور که جماعت توده ای میگویند "تیمتن درزنجیر"، دبیرکل این حزب، کار را به آنجا میرساند که در دادگاه - جایی که خود وی بعنوان متهم حضور دارد - نقش بازجو را در مقابل باقی مانده اعضای حزب خود بعهده بگیرد و با آن باصطلاح فیلسوف و آکادمیسین "بزرگ" این جماعت ورشکسته نیزهفته ها در نشریات فدائیانقلاب درباره اصطلاح بوجی و بهبودگی مارکسیسم قلمفرسائی می نماید، و جوانان میهن را بر حذر میدارد که دریای "دیوار شکسته" مارکسیسم "نشینند. و به همین صورت نیز اینک این آقای "به آذین".

"رویای یک توده ای"

رهبران حزب توده پرداخته و جنبه های از رفتارهای این جماعت ضد طبقاتی را افشاء نموده است. این مقاله بیانگر انزجار رفیق جمشید از دارودسته ضد انقلابی حزب توده است. حزبی که انزجار توده ها را در پشت سر دارد.

مقاله رویای یک توده ای نوشته چریک فدائی خلق رفیق شهید جمشید هدایتی است که به یاد این رفیق ارزنده مبادرت بچاپ آن مینمائیم. در این نوشته رفیق جمشید به بررسی منظومه سراسر ندامت "به آذین" از

استراتژیک "سوسیالیسم" حزب توده با اسلام خمینی و انطباق ایدئولوژیکی این دو، فاصله چندانی وجود ندارد و این فاصله را میتوان با قدم زدنی کوتاه از دفتر حزب توده به زندان اوین و ضمن بازدید مجدد از پیشرفت های "انقلاب اسلامی" حل نمود.

باید گفت که بدون شک این جماعت توده ای به آنچه که بنام ایدئولوژی و ایده حزب شان هم نامیده میشود ایمان نداشته و نداشتند. گرچه این جماعت در طول چهل و چند سال اخیر همواره مدعی مارکسیسم بوده اند و در پروسه استحاله طبقاتی خود هم، از "مارکسیسم" دست نکشیدند. اما نه در دهه ۳۰ رهبران حزب توده از ندامت و خیانت کوتاهی کردند و نه در دهه ۶۰، و همیشه نیز این خیانتها را بی شرمانه به حساب "مارکسیسم" و "ورشکستگی مارکسیسم" گذاشته اند. ولی مارکسیسم آنها همانقدر جدی و واقعی است که مارکسیسم احزاب با اصطلاح کمونیست همیالگسی آنها. اما این "سخت سری" در انتساب خود به مارکسیسم را نه تنها نباید جدی گرفت بلکه باید بیاد داشت که دشمنان پرولتاریا در مبارزه با این طبقه به لباس مارکسیسم هم درمی آیند و حزب توده نمونه مشخص این واقعیت تاریخی است.

حزب توده "متخصص سازش" و "ترمن" است و همواره در استراتژی و تاکتیک خود حداکثر نرمش را بخرچ داده است. کافیت تا شرایط دچار تحول گردد و مثلا جمهوری اسلامی بر آریکه قدرت قرار گیرد یا شرایط نسبتا آسان مبارزه در یک دوره تبدیل به شرایط سختی گردد، آنگاه همگان میتوانند بعینه "ترمن" حزب توده را تماشا کنند. والبته روشن است که این نرمشها بخصوص در اصول و استراتژی است که صورت میگیرد و نه صرفا در تاکتیکها چرا که حزب توده قهرمان نرمش در اصول

این نام منظومه بلند نیست سروده محمود اعتماد زاده "به آذین" از سلسله جنبانان حزب خائن توده که در ورق پاره اطلاعات اول مهرماه ۶۵ به چاپ رسیده است. آنها با مقدمه ای که اگر امضای این فرد دریای آن نباشد ممکن است این تصور پیش آید که مقدمه را مثلا حجت الاسلام رفسنجانی نوشته است. این منظومه در حقیقت بازگوکننده تمامی خاص و طرز تفکر و استدلالات اعضای بلند مرتبه حزب توده است که آقای "به آذین" آن را به موجزترین شکلی بیان نموده و به این وسیله بار دیگر عمق عفونت و گندیده گیش را برای همگان آشکار میسازد. و نشان میدهد که چگونه و به چه آسانی میتوان به همه چیز پشت پا زد و برای بدر بردن جان حقیر خود کاسه داغ تراز آن شد، چگونه میتوان به سبک توده ای جماعت آنچنان از رژیم خون و جنایت جمهوری اسلامی تعریف و تمجید کرد که حتی دهان حج اسلام و آیات عظام از حیرت باز بیاند.

بهر حال این نوشته بهیچوجه نمیخواهد منظومه بلند توده ای معروف و حزب الهی دو آتشه، "به آذین" و قبح را از زاویه ادبی آن مورد بررسی قرار دهد چرا که منظومه فوق الذکر اصولا منظومه ای ادبی نیست بلکه صرفا توبه نامه ای است در لباس منظومه.

توده ای معروف تنها در مقدمه اشاره ای دارد به "دگرگونی کندیولسی آرام" در رابطه با پذیرش ایدئولوژی اسلام. بدون آنکه مشخص کند که این تغییر بیش چگونه و از کجا نتیجه شده و چه عواملی در آن دخالت داشتند. دستیابی به آن نقطه کلیدی که آقای "به آذین" را به اینجا کشانیده است میتواند به شناخت از جهان بینی و طرز تفکر طیف توده ای کمک شایسته توجیبی نماید. در هر صورت جناب "به آذین" باید نشان میداد که بین وحدت

راستین گفتند.

و خلاصه به دهها شیوه مختلف مجیز گفتن از رژیم فذخلقی جمهوری اسلامی حاصل کار آقای "به‌آذین" است. دست‌آخر نیز این‌آقا برای بازدیدى به جبهه میرود تا عمق "انقلاب و جنگ" را در آنجا ببیند و حاصل این اقدام آن میشود که جناب "به‌آذین" باصطلاح به جرگه "شهبان زنده" بییوندد!! درحالیکه دهها هزار تن از کمونیستها و انقلابیون در شکنجه‌گاههای مخوف جمهوری اسلامی قهرمانانه پایبنداری میکنند و هر روز و هر ساعت حماسه‌های جاویدانی از مقاومت و پایمردی رادر برابر این رژیم مزدور بنمایش میگذارند، این جماعت بی‌ریشه اینگونه عاجزانه در بارگاه خمینی به خاک میافتند و از جلا د تقاضای بخشش می‌نمایند. بسیاری از اینسان حتی یک سبلی هم نخورده همه چیز را واداده‌واکنون نیز همچون گذشته برای جمهوری اسلامی یقه درانی میکنند و بیشرمانه همچون زمان "فعالیت حزبی" چشم خود را بروی همه جنایات این رژیم‌نرومی بندند. "رویا"ی این جماعت‌خائن همانست که شاعرک بی‌مایه به موجزترین شکلی آن را بیان میکند: "گرفت و گیرنه، آشوب‌نه، پرش‌نه، گیرم هم سلام آشنای‌نه...". این همه‌آن چیزی است که از رژیم میخواهد. آرامش‌بدوراز بگیر و به بند و زندان و شکنجه‌آنها به قیمت تأکید سرکوب‌توده‌های ستمدیده و خیانت‌آشکار به همه چیز.

باری بسیار درباره حزب‌توده و "سابقه درخشان" چهل و چند ساله این حزب‌گفته‌ایم و شنیده‌ایم و سخن گفتن درباره خیانت‌های این حزب تکرار مکررات است ولی باید حتما و حتما روی یک خصیصه حزب‌توده‌انگشت نهاد، خصیصه‌ای که در جامعه فعلی ما مربوط به دو گروه است. اولی آخوندهای حکومتی و دومی توده‌ایها. این خصیصه بارز همانا بی‌چشم‌ورویی و وقاحت است که هرکدام از این دو گروه به شیوه خاص خود آن را بروز میدهند و بدون شک این وقاحت و بیشرمی را باید در الزامات حفظ منافع نظامی دید که هر دو جماعت در جهت حفظ آن میکوشند. توده‌ای جماعت البته آنها که جان بدربرده و در کشورهای "برادر" رحل اقامت افکنده‌اند، اکنون آنچنان دم از انقلابیگری و وحدت‌نیروهای انقلابی میزنند که گویا

بلی اکنون نوبت است تا لاطالعات خود را به همه عرضه کند. او نشان میدهد که حتی قادر است از دیگر همپالگیهایش نیز در این زمینه سبقت بگیرد. توده‌ای معروف در اول منظومه میتواند به شما بقبولاند که امدادات فیزی جمهوری اسلامی چیز بچی نیست. وی در توصیف خروج خود از زندان میگوید که چگونه یکی در گوش او نهاد میدهد که "بروا" ولی در چشم پیدان نیست. شاید ملائکه بوده‌اند. از این بند به آن بند، از راهروهای گذرد ولی کسی به او اعتنائی ندارد. "کسی را کار با من نیست، کسی از من نمی‌پرسد "کجا یارو؟" نمی‌بینم آیا؟ این چه جادوئی است؟!!

جادو و جنبلی در کار نیست، جادو و معجزه برای امثال "به‌آذین" آنجا اتفاق می‌افتد که خود را در منجلا ب جنایت و یلیدی جمهوری اسلامی و جزئی جدائی ناپذیر از آن مییابد، از اینجاست که در راهروهای باز است و این "رویا" نیست، واقعیت است. و از این پس آقای "به‌آذین" و امثال او "چوماهی زنده در دریای اسلام" اند، بنابراین چابلسی و تملق گوئی را با او آنتازای که از "دریای اسلام" گرفته است، شدت میبخشد و اینگونه از خمینی فذخلق و این مزدور امپریالیسم و جلا د خلقهای ایران ستایش میکند: "همان بود و همان است او، خمینی، رهبر حق بین، ستون خیمه امت" یا "خمینی، پاسدار وحدت اسلام پرچمدار استقلال و آزادی"، "خمینی مزده بخش‌زندگی، سامان‌ده پیروزی مردم" و... بر راستی که بایسد تأکید نمود که تنها دو گروه بحد کافی وقیح میتوانند از خمینی جلا د اینگونه تعریف و تمجید کنند، آخوندهای حکومتی و توده‌ایها.

باقی حرفهای منظومه همان است که جناب کیانوری در قالب‌نثر و "فیلسوف" توده‌ای جناب طبری در قالب نثوری عرضه کرده‌اند، تکفیر کمونیسم، تعریف و تمجید از خمینی و جمهوری اسلامی اش، ورد کردن و محکوم نمودن شوروی، همان کشوری که سابقا او همپالگی‌هایش در حزب توده حاضر نبودند کسی تا کمتر از گل به آن بگوید، اما اکنون: "به زیر آسمان روشن ایران مهر ابرشمالی را فروغ

این آنها نبوده‌اند که مدت پنج سال مجیز رژیم فذخلقی جمهوری اسلامی را گفته و از هرگونه لجن‌پراکنی بر علیه نیروهای کمونیستی و انقلابی ابائی نداشته‌اند! انکار آنها نبوده‌اند که در شناسائی و دستگیری انقلابیون با رژیم همدست شده و همصدا با جمهوری اسلامی همه سازمانهای چپ را "چپ‌امریکائی" خواندند و مثل اینکه این آنها نبوده‌اند که دست‌در دست برادران پاسدارشان در همه جنایتهای جمهوری اسلامی شریک جلا د بودند. اما اکنون آنچنان با مسائل گذشته و حال برخورد میکنند که انگار نه انگار مسئله‌ای اتفاق افتاده است. و از قرار معلوم همه چیز از ابتدا همان بوده

است که اکنون حزب توده میگوید. به همین سیاق میتوانیم به خوانندگان خود اطمینان بدهیم چنانچه این جناب "به‌آذین" و یا چندتای دیگر مثل خود او که بر صفحه تلویزیون جمهوری اسلامی خوش درخندیده‌اند، اگر پایشان به نقطه امنی - مثل کشورهای "برادر" - بسود منکر همه آن خیانت‌ها و انحرافات و جین و زبونی خواهند شد و در نهایت آن اقدامات را "تاکتیک" به حساب آورده و چه بسا که خودشان را قهرمان مقاومت در زندانهای رژیم فذخلقی هم جا بزنند، درحالیکه به نیروهای انقلابی هم پرخاش نمایند که این "چپ‌روی" های شما بود که باعث تغییر روش جمهوری اسلامی نسبت به ما و دستگیری‌ها و شکنجه‌های وحشیانه‌ای همچون استعمال داروهای "ندامت" آور گردید.

اما علیرغم همه این وقاحت‌ها جماعت توده‌ای رسواتر از آن است که دیگر خنایش در میان مردم رنگی داشته باشد و دیر نیست روزی که همه این خائنین همچون دیگر نوکران و مزدوران امپریالیسم در ایران بسزای جنایتهای بی‌پایان‌شان برسند، چرا که "رویا"ی توده‌ای‌ها در واقعیت زندگی چنین متحقق خواهد گردید.





گرامی باد خاطره خسرو روز به مبارز قهرمان

از صفحه ۱

۲۱ اردیبهشت سالروز تیرباران جنایتکارانه خسرو روزبه بدست رژیم وابسته به امپریالیسم شاه میباشد. رژیم ددمنش شاه در ۲۱ اردیبهشت سال ۱۳۲۷ خسرو روزبه را پس از شکنجه های بسیار و دفاع قهرمانانه اش در بیدادگاههای شاهنشاهی تیرباران نمود.

مقاومت و ایستادگی و سرانجام شهادت روزبه در فضای ندامت و هزیمت و خیانت رهبران حزب توده در دهه ۳۰ به روزبه شخصیتی ویژه بخشید. اگر رهبران خائن حزب توده در شرایطی که واقعیتهای مبارزه ضد امپریالیستی ایستادگی و مقاومت و تعرض را طلب میکرد و قیاحانه از میدان مبارزه گریختند و یا به آستانبوسی "شاه شاهان" این نوکر طلقه بگوش امپریالیسم روی آوردند، خسرو روزبه برعکس این خائنین پرچم مقاومت را برافراشت و با خون خویش، هم چهره نوکران امپریالیسم در ایران را افشاء نمود و هم چهره بزدلانی که بجای مقاومت و مبارزه، فرار و تسلیم پیشه کرده و قیاحانه رهنمود ندامت و همزنگی با شرایط را سردادند. روزبه پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد برعکس یزدیها و بهرامی ها، کیانوری ها و طبریها صحنه مبارزه را ترک ننمود و به مبارزه خود ادامه داد و سرانجام هنگامی که بر اثر خیانت به دام فرمانداری نظامی تهران افتاد با روحیه ای پر شور و مبارزاتی ساعتها با مزدوران ضد خلقی جنگید و تنها پس از مجروح شدن بود که مزدوران به بیکر نیمه جانش دست یافتند.

روزبه در دوران اسارت نیز همچون زمان دستگیری، سمبل مقاومت و ایستادگی بود و در بیدادگاههای شاهنشاهی نیز از دفاع از آرمانهای خود دست برنداشته و مرگ را بزرنگی ننگین ترجیح داد. روزبه در آخرین دفاعش چنین میگوید: "من به این جهت دویران مانده ام تا علیرغم خطرات جانی، کاری را که امثال یزدی ها و بهرامی ها، قریبش ها و شرمینی ها انجام نداده بودند، انجام دهم. در حلقه کارزار جان دادن بهتر

که گریختن به نامردی" و با ایسن سخنان روزبه به روشنی ماهیت رهبران خائن حزب توده را آشکار نمود. رهبرانی که سر تسلیم به دشمن فرود آوردند و به آرمانهای مردم خود درازا، چند صباحی بیشتر زیستن خیانت نمودند، رهبرانی که بجای سازمان دادن به مقاومت در مقابل یورش ارتجاع و رهبری نیروهای ضد امپریالیستی که واقعا آماده مبارزه بودند راه فرار و تسلیم را برگزیدند.

اما پیام روزبه پیام مبارزه و مقاومت بود. پیامی برخاسته از شرایط حاکم بر جامعه بعد از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۳۲ -

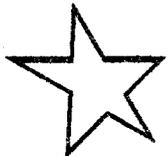
در شرایط پس از کودتای ۲۸ مرداد در شرایطی که شاه این سگ زنجیری امپریالیسم با حمایت و هدایت آنها، سرکوب هر چه خشنونت یار مبارزات توده ها را سازمان داده و براریکه قدرت تکیه زده بود، مجموعه شرایط حاکم مقاومت و مبارزه قاطعانه ای را بر علیه این مزدوران طلب مینمود. در آن شرایط سازمان دادن مقاومت توده ها و دست زدن به مبارزه ای قهرآمیز در مقابل دولت کودتا یک وظیفه مشخص مبارزاتی بود که متأسفانه از آنجا که خلق ما فاقد یک حزب پرولتری بود و رهبری مبارزه در دست نیروهای ناسی قرار داشت که در باسگوشی به ایسن نیاز مبرم شرایط ناتوان بودند، مبارزه خلق ضربه ای سخت خورد. در آن شرایط همانطور که رفیق احمدزاده در کتاب "مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک" گفته است: "تنها نیرویی که میتواند از این شکست درس بگیرد و اساس تظلم آن، یک خط مثنی نوین متناسب با شرایط نوین اتخاذ کند و رهبری نیروهای ضد امپریالیستی را که واقعا آماده مبارزه بودند، در دست بگیرد، یک حزب پرولتری بود. اما متأسفانه خلق ما فاقد چنین سازمانی بود و رهبری حزب توده که فقط کاریکاتوری بود از یک حزب مارکسیست-لنینیست، تنها توانست عناصر فداکار و مبارز حزب را به زیر تیغ جلادان بیاندازد و خود

راه فرار را در پیش گرفت". در نتیجه حزب توده با رهبران خیانتکارش درست در نقطه مقابل ایسن اقتضای شرایط و خواست توده ها عمل نمود رهبران راه خیانت به خلق را در پیش گرفتند و با خیانت خود ضربات بزرگی به مبارزه ضد امپریالیستی توده ها وارد ساختند. آنها "عناصر فداکار و مبارز حزب" را به زیر تیغ جلادان انداخته و خود فرار کردند و اهمیت مقاومت و ایستادگی خسرو روزبه نیز درست در همین شرایط قابل توضیح است و به اعتبار همین شرایط هم برجستگی هر چه بیشتری مییابد چرا که روزبه برعکس آن رهبران خائنین، ایستاد و مقاومت نمود، چه در زیر شکنجه های وحشیانه و چه در دفاع مبارزه جویانه اش در بیدادگاههای رژیم شاه و به این وسیله هموناداری خود را به انقلاب خلقها ثابت نمود و هم با خون خود داغ تنگ دیگری بر پیشانی رهبران خائن حزب توده کوبید. او مرگ در راه منافع توده ها را به زندگی ننگین ترجیح داد و به همین دلیل هم تمام روزبه بعنوان یک قهرمان پیکار و در تاریخ مبارزاتی خلقهای ایران ثبت گردید.

اگر رهبران حزب توده در شرایط کودتای ۲۸ مرداد با طلب معو از "دان ملوکانه" و "بدرناچار" به همه گیر پشت کردند، اما روزبه در جدال مرگ و زندگی در جدال مبارزه شرافت مندان و تسلیم زبویانه هرگز نخواست به اهدافش خیانت ورزد او در آخرین دفاعش در بیدادگاههای شاهنشاهی گفت: "مردن بهر حال ناگوار است. بویژه برای کسانی که صاحب عقیده

و اوائل دهه ۳۰ با حزب توده در شرایط کنونی تفاوت قائل شد. آن حزب اگر حتی برای یک لحظه هم حزبی پرولتاری نبود و تنها کاریکاتوری از یک حزب مارکسیست-لنینیست بود، اما جریانی ضدانقلابی هم نبود. جریانی بود که روزبه ها و وارطانها هم در آن جای داشتند. اما این یکی منجلبی است از کیانوری ها و طبری ها از عمویی ها و افطی ها. آن یکی در آن سالها با همه خیانتها و اشتباهاتش در صف مبارزه ضدامپریالیستی قرار داشت و این یکی البته با هیا هوهای "فدامیریالیستی" در صف سرکوب انقلابیون ضدامیریالیست. در نتیجه روزبه بمثابه یکی از انقلابیون استوار و مقاوم یادش همیشه در دلها زنده خواهد ماند در حالیکه کیانوریها و طبری ها جز لعن و نفرت توده ها نصیبی نبرده و نخواهند برد. و دیریا زود در دادگاه خلق سرنوشت محتمل آنها همچون همه ضدانقلابیون دیگر روشن خواهد گشت. سرنوشتی که خیانتهای آنها آثار رقم زده است.

جاودان باد خاطره خسرو روزبه!
سنگ و نفرت بر رهبران خائن حزب توده!



را بر قرار ترجیح دادند، اما تعمیق مبارزه طبقاتی سرانجام آنها را در کنار خمینی ها و رفسنجانیها، خامنه‌ای ها و لاجوردیها قرار داده و سرانجام هم، در چهار چوب تنویسه حسابهای درونی طبقه حاکمه کارشان به اوین و نداشت تلویزیونی کشیده شد. اگر روزبه در صحنه مبارزه باقی ماند تا بقول خودش کاری را که امثال یزدی ها و بهرامی ها انجام نداده بودند، انجام دهد اما کیانوری ها و طبری ها فرار کردند تا کاری که یزدی ها و بهرامی ها در شرایط بعد از کودتا به آن مبادرت ورزیدند را این بار ۳۰ سال بعد در تحت سیاهترین دیکتاتوری امپریالیستی در تاریخ کشورمان، انجام دهند و وقیحانه در پشت تلویزیون از درگاه امام "فدامیریالیست‌شان" پس از همه همکارهای بی شائبه‌شان با دستگاه سرکوب امپریالیستی تقاضای عفو و مغفرت تقاضا کنند.

پس خلقهای قهرمان ما در حالیکه رهبران خائن حزب توده را هرگز نمی بخشند در همان حال باید حساب روزبه ها و دیگر مبارزینی که در زیر شکنجه‌های رژیم کودتا قهرمانانه مقاومت نمودند را از آنها جدا نمایند. در ثانی خلقهای ما باید بدانند که احزاب و سازمانها، دستگاهها... هستند که همیشه در جریان مبارزه طبقاتی امکان تغییر ماهیت طبقاتی آنها وجود دارد و بر همین اساس هم باید بین حزب توده در سالهای دهه ۳۰

هستند و قلبشان آکنده از امید به آینده، امید به آینده‌ای روشن و تابناک استغولی زنده ماندن به هر قیمت و به هر شرط نیز شایسته انسانها نیست. زیرا هرگز راه نباید هدف را منتفی سازد.

آری روزبه این چهره مبارزه‌جوی محبوب خلق، قلبش آکنده از امید به آینده بود همان چیزی که اتفاقاً رهبران خیانتکار حزب توده ذره‌ای از آن نداشتند. روزبه قهرمان مبارزه در جهت‌رهای توده‌های ستمدیده از قید سلطه امپریالیستها بود. در حالیکه رهبران خائن حزب توده جز به زندگی حقیر خود به چیز دیگری نمی‌اندیشیدند. اگر روزبه بر آرمانهایش پای فشرد و مرگ شرافتمندانه را پذیرا گردید، اما رهبران خائن حزب توده در راه تامین زندگی حقیر خود تا آنجا پیش رفتند که سرنوشت آنها را دیگر، نه در صف مبارزه ضدامپریالیستی خلقهای ایران که درست در صف مقابل در صف نیروهای ضدانقلاب باید جستجو نمود.

سیرتاریخ اما چه سرنوشت دردناکی برای آنانی که روزبه ها را در زیر تیغ جلادتها گذاشتند رقم زدو چگونه بقایای آن رهبران خائن را در جایگاهی که بیانگر واقعیت وجودیشان بود قرار داد. کیانوری ها و طبری‌ها اگر روزبه ها را تنها گذاشتند و فرار



چریک فدائی خلق رفیق شهید
مرضیه احمدی اسکوهی



چریک فدائی خلق رفیق شهید
شیرین فضیلت کلام (معاصد)

مختصری از زندگی سراسر مبارزه چریک فدائی خلق

رفیق شهید جمشید هدایتی (کاک بهرام)

از صفحه ۴۴

رفیقای آگاه و باتجربه، کادری ورزیده، با اعتقادی عمیق به مارکسیسم-لنینیسم و تنها شکل خلاق انطباق آن در شرایط سلطه امپریالیسم و بورژوازی وابسته به آن در ایران یعنی تئوری مبارزه مسلحانه. رفیق جمشید در سال ۱۳۳۳ در شهر سنگسر سمنان به دنیا آمد. پس از اتمام دوره دبیرستان در شهر گنبد، جهت ادامه تحصیل به ایتالیا سفر نمود. تأثیرات زندگی و شهادت پسرعموی انقلابی چریک فدائی خلق شاهنرخ هدایتی که در سال ۵۰ پس از درگیری با مزدوران شاه در زیر شکنجه های وحشیانه در خیمان ساواک به شهادت رسیده بود، فضای خانواده را تشدید سیاسی نموده و رفیق جمشید با تأثیرگیری از زندگی و مبارزه شاهرخ و آشنائی هرچه بیشتر با آرمانها و اهداف او و تئوری ظفرنمون چریکهای فدائی خلق با عزمی راسخ در جهت تحقق این تئوری گام برداشت. با آشکار شدن چهره اپورتونیستهای لانه کرده در سازمان فدائی و بسا اعلام موجودیت چریکهای فدائی خلق بمثابه ادامه دهندگان راه احمدزاده ها و پیوانها، مفاتیحها و هدایتی ها، رفیق جمشید به طوف چریکها پیوست و در ایتالیا در انجمن دانشجویان هوادار چریکهای فدائی خلق بدفاع از تئوری مبارزه مسلحانه و مقابله با دیدگاهها و اعمال اپورتونیستهای فاسد نام سازمان پرداخت. ایمان عمیقش به مبارزه مسلحانه بمثابه تنها راه رسیدن به آزادی و شور بی پایانش در بردوش گرفتن مسئولیت هرچه بیشتری در امر انقلاب و شرکت هرچه فعالتر در مبارزه مسلحانه، او را در ارتباطی نزدیک با چریکهای فدائی خلق قرار داد و در نتیجه در سال ۵۹ برای کسب تجربیات جنبش خلق ستمدیده فلسطین و ارتباط هرچه مستقیم تر با سازمانهای سیاسی خلق فلسطین، به لبنان سفر نمود و در ارتباط با جبهه خلق برای آزادی فلسطین پرشور و خستگی ناپذیر به حل مسائل

حوزه جدید فعالیت انقلابی پرداخت. در لبنان پس از آموزش های لازم درجهه مقدم نمرد با اسرائیل قرار گرفت و یکبار دیگر پیوند ناگسستنی خلقهای ایران و فلسطین را در عمل به اثبات رساند و یاد مفاتیحها، مفاتیحها و سپهرها را بار دیگر زنده نموده و به افشای چهره جنایتکار و ماهیت وابسته به امپریالیسم رژیم خمینی در میان مبارزین فلسطینی پرداخت. با حمله اسرائیل به بیروت در سال ۸۲، فعالان در نهادهای بیروت شرکت نمود و با خروج سازمانهای فلسطینی از بیروت به یمن جنوبی رفت و سرانجام با کوله باری از تجربه برای ادامه فعالیتهای تشکیلاتی اش به کردستان این سنگر انقلاب ایران منتقل گردید. رفیق جمشید که حال در کردستان با نامهای بهرام و اسماعیل شناخته میشد خیلی زود در جمع پیشمرگان سازمان در کردستان از محبوبیتی ویژه برخوردار گردید و در چند عملیات نظامی از جمله تسخیر پایگاه کاله دره، ربط - در تاریخ ۶۱/۸/۱۱ - شایستگی و جسارت خود را در محصله عمل به اثبات رساند.

رفیق جمشید (کاک بهرام) در ادامه فعالیتهای مبارزاتی به اعتبار آگاهی و مجموعه خصال انقلابی و تواناکیها و روحیه تشکیلاتی عضویت سازمان پذیرفته شد و در نتیجه با پذیرش مسئولیتی هرچه سنگین تر به انجام وظایف انقلابی اش ادامه داد.

رفیق جمشید (کاک اسماعیل) در چهار رچوب برنامه های سازمان و به اعتبار مجموعه تواناکیهای در بخش روابط خارجی سازمان قرار گرفته و مدتها بعنوان مسئول این قسمت به وظایف خطیر خود با جدیت و پشتکاری بی نظیر بر خورد نمود و در حالی که به بهترین نحو مسائل این حوزه کار تشکیلاتی را پیش میبرد در همان حال در جهت غنای هرچه بیشتر "پیام فدائی" ارگان سازمان نیز

میکوشید. به واقع که جمشید کادری ارزنده ای بود که در تمامی حوزه های کار تشکیلاتی به بهترین نحوی وظایف خود را پیش میبرد.

چریک فدائی خلق رفیق شهید جمشید هدایتی (کاک بهرام) کمونیستی بود که با تمام وجودش به طبقه کارگر و آرمانهای انقلابی این طبقه تا به آخر انقلابی پای بند بوده و با ایمانی عمیق به تئوری انقلابی پرولتاریا همواره بر این امر تاکید مینمود که پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ایران بدون رهبری طبقه کارگر امکان ناپذیر است و رهبری طبقه کارگر بدون تئوری انقلابی یعنی تئوری مبارزه مسلحانه ناممکن میباشد. و همین ایمانش به کارگران و زحمتکشان و کینه عمیقش به دشمنان خلق، سرچشمه برخورد های مردمی اش گردیده بود، برخورد هایی که همه کسانی که در ارتباط با او قرار میگرفتند را مجذوب صفا و صمیمیت و روحیه شاداب و سرزنده او مینموده و روحیه ای که از ایمان ظل ناپذیرش به پیروزی سرچشمه میگرفت.

با رشد روز افزون دسیسه های جمهوری اسلامی در کردستان عراق سرانجام در ۲۷ فروردین ماه سال ۶۶ رفیق جمشید در جریان خمیاره ساران وحشیانه شهرک کههریزه - در سوامرری کردستان ایران و عراق طی عملیات مشترک جمهوری اسلامی با اتحادیه میهنی کردستان عراق موسوم به فتح ۵ بهرام همراه همزم دیگرش سلیمان میربلوک (کاک قادر) بر اثر اصابت ترکش خمیاره به شهادت رسید و خاطره ای فراموش نشدنی از خود باقی گذاشت خاطره ای که الهام بخش بارانش در ادامه راه پسر افتخارش میباشد و از آنجا که هر چریک فدائی خلق که بر زمین میافتد انقلابیون دیگری برای برداشتن سلاح او بیا میخیزند، سلاح رفیق جمشید، کمونیست قهرمانی که همه زندگیش تلاش در راه رهائی کارگران و توده های ستمدیده بود نیز حتی برای لحظه ای

مختصری از زندگی چریک فدائی خلق رفیق شهید

سلیمان میربلوک (کاک قادر)

از صفحه ۴۴

کردستان قهرمان سفر نمود و در ارتباط با مجاهدین به فعالیتهای خود در کردستان ادامه داد. در جریان حرکت با مجاهدین در کردستان به شناخت هر چه بیشتری از برنامه‌ها و عملکردهای مجاهدین رسیده و از آنها جدا شد و به کومه‌له پیوست اما بدنیال آفساز درگیریهایی کومه‌له و حزب دمکرات از آنجا که ایسن درگیریهایی را عملی غیرانقلابی و به ضرر جنبش خلق کرد میدانست و تاثیرات منفی آن را به عینه مشاهده می‌نمود از کومه‌له نیز جدا گشته و به صفوف چریکهای فدائی خلق پیوست.

رفیق سلیمان (کاک قادر) که در جریان زندگی به درستی مبارزه مسلحانه بعنوان تنها راه رسیدن به آزادی پی برده بود و به این امر ایمان داشت که با جمهوری اسلامی که جزبا گلوله سخن نمیگوید جزبا گلوله نمیتوان سخن گفت با آشنائی هر چه بیشتر با مارکسیسم - لنینیسم و اعتقادی عمیق به تئوری مبارزه مسلحانه، تئوری راهنمای چریکهای فدائی خلق پیوسته نمود و همه وجودش را در راه تحقق این تئوری انقلابی، تئوری ای که راه رهائی کارگران و زحمتکشان را به روشنی طرح و اثبات نموده است گام برداشت. رفیق سلیمان در صفوف پیشمرگان سازمان در چندین جوله سیاسی - نظامی شرکت نمود و به اعتبار قابلیت‌های نظامی اش بیک مسئولین نظامی سازمان در کردستان ارتقاء یافت. از جمله عملیات‌هایی که رفیق سلیمان معاونت تیم نظامی را در آنها برعهده داشت میتوان تعرض به پایگاه‌های سوره بان و کجل آوا در منطقه سردشت را نام برد. سالها رنج و سختی و سالها مبارزه بی امان بر علیه سرمایه‌داری وابسته و سرانجام سرگرد در راه آرمانهای سرخ کارگران، این است چکیده‌ای از زندگی پرافتخار رفیق سلیمان میربلوک. بی تردید بذری که با شهادت رفتاری همچون سلیمان هب افشاننده شد به خاک نمینماید. زیرا که خون است و ماندگار.

جاودان باد خاطره چریک فدائی خلق رفیق شهید سلیمان میربلوک (کاک قادر)

جاودان باد خاطره همه شهدای بخون خفته خلق!

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

سلیمان را از نزدیک با مظام نظام موجود و ستم بیحدی که از سوی نظام حاکم بر میلیونها انسان همانند او روا میشد هر چه بیشتر آشنا نمود. حاصل این آشنائی کینه عمیقی بود به نظام سرمایه‌داری وابسته که سلیمان در طول زندگی با گوشت و پوست خود ظلم و ستم، استثمار و غارت وحشیانه آنرا چه نسبت به خود و چه نسبت به همه کارگران و زحمتکشان لمس کرده بود. شرایط زندگی و نفرت عمیق او از نظام موجود سلیمان را نیز همانند میلیونها زحمتکش دیگر در جریان مبارزات فدائیستی خلقهایمان بر علیه رژیم وابسته شاه این سنگ زنجیری امپریالیسم در سال ۵۶ به میدان مبارزه کشاند.

رفیق سلیمان فعالانه در مبارزات سالهای ۵۶ و ۵۷ شرکت نمود و پس از قیام بهمین و آشنائی با سازمان مجاهدین، در رابطه با این سازمان قرار گرفت و فعالیتهای مبارزاتی اش را در چهار چوب این سازمان پیش برد. پس از ۳۰ خرداد سال ۶۰ و بدنیال یورش وحشیانه رژیم ددمنش به سازمانهای سیاسی رفیق سلیمان به همراه چندتن دیگر از همزمانش بعزت قطع ارتباطش با مجاهدین، در جنگلهای منطقه ماسال حرکتی را سازماندهی کردند، در چهار چوب این حرکت به کمک دیگر همزمانش دو عملیات در مناطق جنگلی ماسال انجام داد که باعث کشته شدن چندتن از مزدوران و مبادره سلاحهای آنان گردید. رفیق سلیمان پس از ضربه خوردن گروه کوچکشان و دستگیری چندتن از یارانش جهت ارتباط گیری با مجاهدین به

راه را برای گذار به سوسیالیسم هموار میسازد.

جاودان باد خاطره چریک فدائی خلق رفیق شهید جمشید هدایتی!

جاودان باد خاطره همه شهدای به خون خفته خلق!

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

در جریان عملیات موسوم به فتح ۵ که با همکاری جمهوری اسلامی و اتحادیه میهنی کردستان عراق سازمان داده شده بود، شهرک مرزی کهپریزه وحشیانه زیر آتش کاتیوشا و خمپاره قرار گرفت که باعث کشته و مجروح شدن عده زیادی از مردم بیدفاع این شهرک گردید. رفیق سلیمان میربلوک نیز در جریان این خمپاره باران وحشیانه بر اثر اصابت ترکش خمپاره به شهادت رسید و به کاروان پرافتخار شهدای چریکهای فدائی خلق ایران پیوست و در نتیجه سازمان مبارز دیگر رزمندهای دلیر و پیشمرگهای قهرمان را از دست داد. رفیقی که با جسارت تمام دردها عملیات نظامی بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی شرکت نموده و بی باکانه بر قلب دشمن مزدور آتش گشوده بود.

رفیق شهید سلیمان میربلوک در سال ۱۳۴۱ در دهکده "سلنگ" و "ازتواب" ماسال گیلان در خانواده روستائی زحمتکشی بدنیا آمد. فقرو تهیدستی خانواده در همان سالهای نوجوانی سلیمان جوان را مجبور نمود تا در جهت تهیه مایحتاج اولیه زندگی خانواده به کار طاقت فرسا در شالیزارها پرداخته و از همان کودکی بارنج و استثمار آشنا گردد.

در سالهای بعدی زندگی، سلیمان در جهت تهیه معاش خود و خانواده زحمتکش محرومش به ناچار به شهرهای گوناگون سفر کرده و در شغلهای گوناگون به کار پرداخت از کار در مزارع تاکار در کارگاههای مختلف، از ناگردهی در نجاری تا کمک رانندگی و زندگی سراسر در درد و رنج سلیمان را تشکیل میداد. سالها کار سنگین و پرمشقت

بر زمین نماند و انقلابیون دیگری برای برداشتن سلاح او و ادامه راه پرافتخارش بیخاستند و بار دیگر این قانون خدشه ناپذیر مبارزه طولانی چریکهای فدائی خلق به اثبات رسید که سلاح چریک فدائی خلق هرگز بر زمین نمیاند و خون شهدای چریک فدائی نهال انقلاب ایران را هر چه بارور تر میسازد. انقلابی که سرانجام سلطه امپریالیسم و سگهای زنجیریش را از ایران برانداخته و با استقرار جمهوری دیمکراتیک خلق

هر چه بر افراشته تر باد پرچم خونین چریکهای فدائی خلق ایران

به خاطر چریکهای فدائی خلق، رفقا
جمشیدهایتی (کاک بهرام) و سلیمان
میریلوک (کاک قادر) که سرانجام با
دریائی از عشق به خلق و انبانی از کینه و
نفرت به دشمنان خلق، جان خود را

بی مهابا در راه رهایی کارگران و
زحمتکشان نثار انقلاب رهایی بخش
خلقهای میهنمان کردند.
یادگشان جاودان و راهشان
پروبرو باد!

"نسلی از عشق"

رفیقان! سوگواران!
شانه‌ها پارای باور نیست
در فصل سرخ شهادت
در لحظه‌های سخت بیکار

هرگز نبوده شعر ما اینگونه نمکین
مهمیت را چگونه لمس باید کرد؟
بوسه زدمرگ بر اندام دور زنده‌گرد

و طنین سردش
تن داغ و تپش سرخ بهارانی را
پر بود از نگه سوز زمین
باز هم دشمن زخمی و پلید
در لباسی دیگر
بهازار مکر و فریب
دشته زهری و مسمومش را
نا جوانمردانه
به تن خلق به یا خاسته زد
- و چه کایوس عمیقی است این خواب -

قادر افتاد اما
باز این گرد تهمتین
را دمرد لحظه‌های سخت
رفیق خوب میدانهای جنگ خلق
و ایسین سطحیات پیروش را
با سرانگشتان ایمان و خط خونین خود پنگاشت

اوبه فردا پیوست
ونه چندان دور، در سنگری دیگر
تن رزمنده جمشید به خون در غلطید
"زنده باد خلق!" به یکبار ره ز فوایه خونش جوشید

لیک، چشمان فروخته و دریائی او
باز به لبخندی بلندی نگرست
که ز گلگونی بیکا و فلسطین و یمن
کینه انباشته بود
دیر هنگامی خیابانهای خونالود بیروت
"سرمین" و سنگرش بودند
و اکنون، قلعه‌های صبر کردستان
آخرین آوردگاه پایمردی بود

درنگام آیش، "میهن" تفنگی بود
که قلمبر خصم و دشمن را نشان میرفت
که شلیکش،
نه در دیروز،
نه امروز زنده در فردا
نشان هیچ مرزی را تغییر سید
او به فردا پیوست
- و چه کایوس عمیقی است این خواب -



اولین بار نبود
اولین عهد و جدال با مرگ
آخرین هم نیست
و کتون باز به رسم دیرین
دردل زخمی و بی‌نار و غلظم
بر هلال این داس
بر فراز چکش پولادین
و در آغوش تفنگی که از آن دست شکوفان شده است

دوشواره روئید
و چنین پراشت
بر تارک خونین ستاره بنشست
باز هم دو چریک دیگر
آذرخشی شده و درد دل شب روئیدند
باز هم نعره زدند:
که تودوخیم! زنهار!
بر یبائی اگر از پهنای این دشت سپهر
دو هزار اختر سرخ دیگر
باز هم میرویند
باز هم میرویند
صد هزار قادرو جمشید و چریک دیگر
باز هم میرویند
ارتشی می‌شویم از آهن و دود
جنگلی از عیان
وزهر شاخمان دستی و تفنگی پر شور
باز بر میخیزد
و سرانجام سرگندیده و اندام کثیف را
به تن خاک فرومی شکنیم
آخر، تو بدها هر یمن جلاد نمیدانی که

نسلی از عشق، کتون روئیده است
نسلی از قدرت "مسمود" کبیر
نسلی رزمنده "پویان" سترگ
نسلی از پایمردی "عباس" کتون روئیده است
که چنین پُر تپش و خون آلود
می ستیزد با مرگ
و بر اندام سحر، رقص کنان
جامه زرم و شرف می پوشد
تو بدها هر یمن زشت!
به خیال خامت
کشته‌ای آنان را

لیک بنگر که چه سخت
نسل رزمنده ما
ریشه در خاک فرو برده ز شور
پنیکر تابه کجا

بذرخون افشاندده است
ریشه گسترده ز نیروت و یمن
تا تن سپر شمال
و در انبوم درختان خزر
با تفنگ و باروت
نسل ما می غرود
نسلی از عشق ما
از تبار جمشید
از تبار قادر

- نسلی از خون و خروش و آتش -
وجه بی آه و دریغ
در ضمیر این خاک
آرمیده ست اکنون



آه! ای خلق ستم دیده‌گرد
ای آزاده زرم آور گرد
پنیکر صف دلیر مردان را
پشتو آواز نبرد پاران
پنیکر ز آتش داس و چکش کارگرو زحمتکش
چند، عصیان فروخته به پاکشته خاک

ما همانیم!
ما همانیم که ایستاده به میدان نبرد
و در آتش که طوفانی این خلق کبیر
یکصدا میخوانیم:

مرگ بر جلادان!
- یکصدا و یک نفس می‌رویم -
"بانگی باید برود"
جیره خوارانش نیز
ارتش و موشک و تانک هم باید بروند
و بساط تنگ و زعب آور سرکوبش نیز
همه باید بروند، کم گردند!
تا چنین موعودی
ما زیان نشینیم



بادلی ز آتش و مغزی سرد
به وطن می نگریم

غزل سوگ

— با همه ویرانگی مغموش —
باز هم می جنگیم
ودرانبوه تفنگهای غزلخوان
باز هم می نگریم ...
بر نشیب این خاک
نهری از خون رفیقان جاریست
نهری از چشم مسعود کبیر
که کتون دریائی ست
یک نفس می رزمیم
یک صدا میخوانیم :
آه ای خلق کبیر !
غیز و از بن برکن !
گهنه را ویران کن !
نظم خود برپا کن !
وبه هم ریز صد دشمن را !
دور نیست آن دم که
عین لاشه این دوخیمان
این سگان پست زنجیری
این سگان و ذل
این سگان هاربانگی را
ارتش کارگرو دهقانان
ارتش خلق مسلح شده است
به تو گورسپارند آخر
آخراز کوهیم ما
آخراز طوفانیم
نسل طوفانیم ما
آخراز عشقیم ما
آخراز قادرو جمشیدیم ما

بیاد تو دیگر نمیتوانم گفت
خمش و خسته و تنها میروم در یاد
مگر تو خواب بمانی میان دیده من
سراز کجا در آرم زنا کجا آباد
ترا به روح بزرگ مردان زندانی
همیشه روزمان زنده و بیدار
در این روانه خلق عاشق بیایانی
مرا تو چشم بمان گوش و عقل و خروش
که دردهای خلق مرا تو میدانی

ترا به روح بزرگ یاران مثله شده
به زیر تیغ ستم کاره جمارانی
ترا به روح بزرگ مردان قلعه های شرف
ترا به روح بزرگ "قادرو جمشید" (*)
در این عبور توان گیر -
زدیو سارستان
همیشه روزمان زنده و بیدار
برای خلق و شان تبار پویانی

اردیبهشت ۶۶



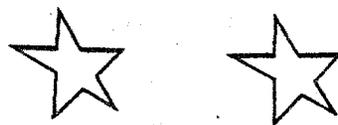
نمان
تو خواب نمان میان دیده من
که کاروان -
رهش از دزد زار بوزر و زاریست
و سردوست و مخوف است و ظلمانی
گهی که خرم رود جاده سوی سپیده
هزار حیل و رود درخشا و پنهانی
از این سبب همه تن چشم باید و هوش
که لحظه های هدف سوز را بتارانی
کمین گرفته کمین در کمین همه گرکند
در این خراب در خراب شهر بهتانی
چه وقت در نفس افتد کبوتر آزاد
که پاره پاره کنندش قوم روحانی

(*) - چریکهای فدائی خلق رفقای شهید
جمشید هدایتی (کاک اسماعیل) و سلیمان
میر بلوک (کاک قادر)

اطلاعیه چریکهای فدائی خلق ایران

درباره انفجار مین

خلقهای قهرمان ایران !



چریک فدائی خلق رفیق شهید
فرهاد صدیقی پاشاکی

یک دست - از پیشم - ارگان چریکهای فدائی
خلق که در منطقه سردشت مشغول انجام یک جوله سیاسی - نظامی
بودند ، با شناسائیهای قبلی اقدام به یک رشته مین گذاری
در یکی از جاده های جدید الاحداث ارتفاعات جاسوسان به طرف سردشت
مردآوه نمودند . طبق اطلاعات دریافتی در اوایل فروردین ۶۶ ،
هنگامی که مزدوران رژیم جهت گسترش مراکز سرکوب خود ، اقدام به
تعمیر و اتمام این جاده نمودند ، در اثر انفجاریکی از مینهای
کار گذاشته شده یک دستگاه بولدوزر دشمن منهدم شده و دوسرباز
مزدور نیز به هلاکت رسیدند .

مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیرش
زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه
رسیدن به آزادیست !
با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران - کوردهستان

گزارشی از تحصن آوارگان و پناهندگان ایرانی در پاکستان

از صفحه ۱

کشارو جنایت و خفانی که جمهوری اسلامی بر جامعه حاکم ساخته است و تداوم بیش از ۶ سال جنگ امپریالیستی ایران و عراق در مجموع شرایطی برای توده‌ها بوجود آورده است که دسته دسته ایرانیان را مجبور به ترک کشور می نماید.

ایرانیانی که از جهنم‌خیزی این سگ زنجیری امپریالیسم بامیدشرایطی بهتر میگریزند اما در آنسوی مرزها مشکلات پس بزرگی مواجه میشوند ، بویژه در پاکستان و ترکیه آنها با شرایط دردناکی مواجه میگرددند که قابل توصیف نمی باشد.

عدم رسیدگی سازمانهای باصلاح طرفدار حقوق بشر ، ملیب سرخ جهانی و دفتر پناهندگی سازمان ملل به مصائب و مشکلات این خیل عظیم آوارگان بارها باعث اعتراضات ایرانیان خواهان پناهندگی و حتی خودسوزی آنها گردیده است و همین چندهفته پیش بود که در ترکیه جوانی خود را به آتش کشید و در پاکستان دو پناهنده ایرانی جان خود را از دست دادند و تظاهرات پناهندگان در اعتراض به این امر مورد یورش وحشیانه چاقوچران جمهوری اسلامی قرار گرفت. این شرایط دردناک بدون شک نمیتواند مورد اعتراض واقع نشود و این اعتراضات هم نباید مورد حمایت و پشتیبانی سازمانهای انقلابی قرار نگیرد . ماضی حمایت از مبارزات آوارگان و پناهندگان ایرانی ، برای اطلاع خوانندگان "پیام فدائی" مبادرت به درج گزارشی از تحصن پناهندگان ایرانی در کراچی پایتخت پاکستان - که در مقابل دفتر سازمان ملل انجام گرفته است می نمائیم .

متحصنین خواهان پذیرش پناهندگی ، امنیت از طریق تسریع مهاجرت ، برسمیت شناخته شدن پناهندگان در مدت اقامت در پاکستان توسط دولت این کشور و برقراری دوباره خدمات

قطع شده تعدادی از پناهندگان و تامين مسکن و بهداشت بوده اند که از سوی دفتر پناهندگی سازمان ملل بجای پاسخگوئی به خواستهای برحقشان با تهدیدات گوناگون مواجه شده و مسئولین این دفتر با اقدام به بستن دفتر پناهندگی سازمان ملل در کراچی به مقابله با متحصنین و خواستهای طبیعیشان برخاسته و به این وسیله بار دیگر ماهیت واقعی خود را به نمایش گذاشتند.

*** ** *

حرکت اعتراضی در روز ۲ فوریه برابر با ۱۳ بهمن ماه آغاز شد . این تحصن به دعوت شورای نمایندگان آوارگان و پناهندگان برپا گردید و خاتمه آن مشروط به پاسخ مثبت UN به خواستهای متحصنین بود . نسبت به حرکتهای اعتراضی قبل جمعیت بیشتری در حرکت اعتراضی شرکت کرده بود ، که تعداد آن متغیر بود و گاه به بیش از ۶۰۰ نفر میرسید . ولی جمعیت بطور متوسط حدود ۴۵۰ نفر بود . مقامات UN اعلام کردند که خواستههای متحصنین را به اطلاع دفتر پناهندگی سازمان ملل در ژنو خواهند رسانید . جوابی که از مرکز یعنی ژنو آمد به تمامی خواستهها جواب منفی میداد . مقامات UN در کراچی اعلام کردند که قوانین و منشور سازمان ملل به امضاء و تأیید ۱۲۰ کشور جهان رسیده و اساساً غیر قابل تعمیر است . درواکش نسبت به پاسخ منفی ژنو ، شورای نمایندگان اعلام نمودت رسیدن به تمامی خواستهها یا حداقل بخشی از آنها به تحصن خاتمه نخواهد داد .

در چنین موقعیتی دست به قطع حقوق عده ای از پناهندگان زد و اعلام نمود چنانچه متحصنین به تحصن خاتمه ندهند دفتر خویش را در کراچی تعطیل خواهد کرد و بازگشائی مجدد آن موقمی خواهد بود که تحصن پایان یافته باشد ، مسئولیتی را نیز در قبال امنیت و سرنوشت

ایرانیان آواره در کراچی نخواهند پذیرفت . حدود ۵ روز از تحصن گذشته بود که UN دفتر خویش در کراچی را تعطیل کرد . همگان انتظار هرگونه جواب و واکنشی را از طرف UN و حتی مداخله پلیس پاکستان را داشتند بغیر از چنین جوابی .

البته در اینجا باید مسئله ای را توضیح دهیم و آن تشکلی قلابی است بنام کانون پناهندگان و پناه جوین ایرانی که جدیدالتاسیس است و جریانی کاملاً متکوک است . البته امروز دیگر مشخص است که تعدادی آدمهای منفعت طلب و وامانده توده ای و اکثریتی که تادیروز در ایران مشغول جاسوسی برای رژیم اسلامی بودند و امروز هم مشغول جاسوسی هستند البته نه برای رژیم ایران بلکه برای UN ، برای مقابله با شکل قدیمی تر یعنی شورای نمایندگان آوارگان و پناهندگان چنین کانونی را دست و پا کرده اند . حزب توده در اینجا اساساً فاقدهرگونه محبوبیتی بوده و مورد انزجار همگان است و به همین دلیل این حزب و اکثریت جرات فعالیت علنی و فروش نشریات خود را ندارند ، ولی هواداران احق و جاسوس که از ایران گریخته اند ، در اینجا همدیگر را پیدا کرده اند و از طریق تاسیس کانون قلابی که البته کاملاً مستقل است و زیر نفوذ هیچ جریان سیاسی نیست ، سعی در مطرح کردن این حزب دارند و میعادگاهشان نیز خانه فرهنگ شوروی است .

۶ در قبال فراخوان شورای برای تحصن ، این جاسوسان فرمت طلب که از امتحان مباحثه UN قبول شده و حقوق دریافت مدارک و ازمائات آموزشی و درمانی را گان بهره مند میشوند و بقول معروف خرنان اریبل گذشته وهم وغمی ندارند ، جز کارشکنی و جاسوسی و دلشرد کردن جمعیت متحصن و پاشیدن تخم یاس و نوسیدی هیچ کار دیگری ندارند . البته به طور کلی ، بلکه بشکل کاملاً موندانه . عناصری از این کانون جدیدالتاسیس و معلوم الحال توده ای و اکثریتی سر خود را قاطی جمعیت متحصن کرده بودند . هنگامی که مقامات UN

پیش بسوی سازماندهی مسلح توده ها

اعلام کردند که چنانچه جمعیت تحصن خویش پایان ندهد، دفترش را در کراچی تعطیل خواهد کرد و به همین گفته خویش هم جامه تحقق پوشانند، میدان به دست این ارادل جاسوس افتاد. خورای نمایندگان تصمیم بر سرادامه یا خاتمه تحصن را به رای عمومی گذارد. افراد تشکیل دهنده این شورا برادامه تحصن یا فشاری کردند. همینطور اکثریت قریب به اتفاق نیز بر این رای بودند. بویزه زبانی که همراه با فرزندان خود مدتهاست در پاکستان سرگردانند و UN دست برد سینه آنان زده است. حتی تعدادی از آوارگان که از جواب منفی UN به خواسته پشان بخش آمده بودند با ریختن بنزین بروی خویش قصد خودسوزی و انتحار داشتند که جمعیت از اینکار آنان جلوگیری بعمل آورد. وضعیت واقعا آشفته بود و جو کاملاً متشنج بیم آن میرفت که بخشی از ایرانیان که بعنوان پناهنده UN شناخته شده اند و حقوق دریافت میدارند و مسئله مهاجرتشان به اروپا حل شده ازادامه تحصن و تعطیلی دفتر پناهندگی بخش آمده و شورا و جمعیت متحصن را بانی و باعث این وضعیت دانسته و درگیری بوجود آورند. در حقیقت UN با این تصمیم خویش و همینطور از طریق جاسوسان توده ای ساکتریتی خویش سعی داشت بخشی از پناهندگان را که در تحصن شرکت نکرده بودند بر علیه جمعیت متحصن بشوراند و یا ایرانیان را بر علیه شورای نمایندگان تحریک کند و به این ترتیب این تحصن و حرکت اعتراضی را توسط خود ایرانیان درهم بشکند. در حقیقت سیاست مودیانه UN که همانا تفرقه انداختن در میان کسب ایرانیان آواره در کراچی و همینطور در صفوف جمعیت متحصن بود میرفت تا عملی گردد. توده ایها و سلطنت طلبها از جو متشنج سوء استفاده نمودند. البته هواداران مجاهدین نیز از کارشکنی خودداری نکردند که در جای دیگری به آن خواهیم پرداخت.

توده ای ها و کانونیهای فرصت طلب از ترس بیون آزاد استفاده کرده و از جمعیت متحصن خواستند که به تحصن خاتمه دهند در غیر این صورت با تعطیلی UN امنیت همه به خطر افتاد و پلیس پاکستان بر همه خواهد تاخت و

آن مقدار امکانات زندگی و رفاهی را هم که UN برای پناهندگان گذاشته (البته برای توده ایها) از پای خواهد گرفت و غیره... و بالاخره ما باید با شیوه های منطقی و با مذاکره و مسالمت به خواسته ها برسیم.

در کراچی حدود ۸۵ الی ۱۰ هزار ایرانی وجود دارد. حدود ۶۰۰ الی ۷۰۰ نفر به دعوت شورا جواب مثبت داده و به تحصن آمده بودند و مسلماً بخش عظیمی از شرکت در تحصن خودداری کرده بود که بخشی از آنها شامل کسانی بود که دغدغه خوراک و پوشاک نداشتند و در هتلهای مجلل زندگی میکردند. سلطنت طلب یا توده ای بودند و یا از اقلیت های مذهبی.

دارودسته کانون توده ای از فرصت استفاده کرده و به هتلهای مختلف رفته و ایرانیها را بر علیه متحصنین و شورای نمایندگان تحریک نمودند. افراد تحریک شده که مجموعه ای از آدمهای احمق، نا آگاه و فاسد بودند بر علیه جمعیت متحصن وارد عمل شدند. حدود ۲۰ احمق و امانده از دنیای سیاسی خیر که اگر دنیا را آب ببرد آنها را خواب میبرد ناگهان از راه رسیدند و به جمعیت گفتند بساطتان را تعطیل کنید تا UN مجدداً به کار خود ادامه دهد و بنای زور و تهدید گذاشتند که صحبت های منطقی جمعیت متحصن و افراد شورا آنان را قانع نمود و به درون هتلهایشان برگشتند. خلاصه UN توده ایها و سلطنت طلبها با تمام تقلاهایشان در آنروز بسیار احساس نخواستند کاری از پیش ببرند و هر چه بیشتر ماهیت خود را رو کردند و کورشان را گم کردند.

رو به شب ۱۰ فوریه برابر با ۲۱ بهمن ماه تصمیم گرفته شد در اعتراض به سیاست سکوت و بی اعتنائی UN و مجامع طرفدار حقوق بشر و غیره و برای تحقق خواسته ها اعتصاب غذا آغاز گردد. حدود ۸۰ نفر داوطلب اعتصاب غذا شدند. فکر کردند که این خیر آنچنان مثل توبه خواهد کرد و چنان افکار و وجدانهای بشری را تکوان خواهد داد که ناگاه سیل حمایت های جهانی بسوی ایرانیان متحصن جاری خواهد شد و سازمانهای بین المللی از UN گرفته تا طیب سرخ و سفید بین الملل و کمیته دفاع از حقوق بشر و پارلمان اروپا همه دستاچه شده و به تمام خواسته ها پاسخ مثبت خواهند داد. ولی چه خیال باطلی

رادیوهای خارجی حتی رادیوی B.B.C بروی مبارک نیا واردند و کمترین اشاره ای نکردند و توطئه سکوت را در پیش گرفتند. و این در حالی بود که پیشاپیش اکثر خیرگزاریهای پاکستانی و بین المللی منجمله آسویتدیرس توسط شورا مطلع شده بودند. و در اکثر روزهای این حرکت اعتراضی خبرنگاران و عکاسان از خیرگزاریهای مختلف حضور داشتند. در هر صورت این تحصن طولانی ۱۳ روزه امروز به پایان رسید و پاسخی مثبت بدان داده نشد. البته از این ۱۳ روز ۴ روز آن به اعتصاب غذای ۸۰ نفره اختصاص داده شد.

قرار بر این بود که این حرکت اعتراضی صرفاً حول خواسته های منفی آوارگان ایرانی باشد و هیچ سازمان و جریان سیاسی بخصوص در طی این مدت تحصن دست به فعالیت سیاسی علنی نزند و آرم و تراکت به درو دیوار آویزان نکند و به این ترتیب چند دستگی ایجاد نشود و از آنجا که خبرنگاران رسانه های بین المللی هم خواهند آمد این حرکت یک جریان سیاسی توسط این یا آن حزب و سازمان قلمداد نگردد و بهانه ای به دست مجامع بین المللی نجافتد مبنی بر اینکه این گونه حرکتها از جانب ایرانیان آواره نیست بلکه از جانب احزاب و سازمانهای سیاسی است. همگی این مسئله را پذیرفتند. الامجاهدین، مجاهدین که اساساً هیچ نقشی در برپایی این حرکت اعتراضی و حرکت های قبلی نداشت و حتی اشاره ای هم از طریق رادیو به این حرکت اعتراضی نکرده، موقع را مفتنم دیدند، حال که تعداد کثیری از ایرانیان در یک جا حضور دارند، خود را مطرح کند در نتیجه از روراول تحصن تا خاتمه آن احترامی به این خواست متحصنین نگذارد و ساعت بسیاری متحصنین گردید. آرم سرک سازمان، عکس مسعود رجوی و حامی فخر عدالتو همچنان بر درو دیوار بود و همسطنور پوسته های بزرگ و رنگی رژه افراشت در کردستان و غیره... تلویزیون و ویدئو هم آورده بودند و بیایسی نطق های رجوی در رابطه با مرتجعین چپ نما و تبهکاران اقلیتی و خط و نشان کشیدن و به تمسخر گرفتن آنها صدای بسیار بلند بطوریکه مانع سخنرانی افراد شورا و جمعیت متحصن و شعارهایشان میشد پخش میگردد. هنگامی که یکی از متحصنین به نزد



چندی پیش، محمدرضا تبریزی جوان ۲۵ ساله‌ای که از جهنمی کد امپریالیستها و سگهای زنجیرش در ایران ساخته‌اند به امید یک زندگی بهتر گریخته و با تحمل مصائب و مشکلات فراوان خود را به ترکیه رسانده بود در اعتراض به عدم قبول پناهندگی این از سوی دفتر سازمان ملل در آنکارا دسته خودسوزی زد.

عکس فوق محمد رضا را که پس از خود سوزی به بیمارستان منتقل گردید را نشان میدهد. لازم به تذکر است که یک روز پس از این خود سوزی یک جوان دیگر ایرانی نیز، قصد خودکشی داشت که بوسیله پلیس ترکیه دستگیر گردید. یک هفته بعد از این حادثه جوان دیگری در دستنوشته دفتر سازمان ملل اقدام به سریدن رگ دستش میکند که او را هم به بیمارستان منتقل مینمایند. این نمونه‌ها شرایط دردناکی را که آوارگان ایرانی در ترکیه با آن مواجهند را روشنی نشان داده و ضرورت حمایت هرچه گسترده‌تر سازمانهای انقلابی از آوارگان و پناهندگان ایرانی در خارج از کشور را هرچه بیشتر برجستگی مینماید.

لازم به توضیح است که مطبوعات ترکیه اشتباهات نام محمد رضا تبریزی را، محمد رضا تمیزی اعلام نموده‌اند.

آنان رفت و از آنان خواست که موقفا تلویزیون را خاموش کنند یا حداقل صدای آن را کم کنند تا مانع سخنرانی بچه‌ها نگردد به یکباره به سرش ریختند و کتکی نثارش کردند. جمعیت با دیدن این منظره طوفانست تا حق آقایان را کف دستشان گذاردند افراد شورا، جمعیت ملتبه که از این حرکت غیرمنطقی مجاهدین در چنین موقعیت حساسی بخت آمده بودند در دعوت به آرامش و امتناع از درگیری نمود و جمعیت نیز این امر را پذیرفت. سپس افراد مجاهدین خطاب به جمعیت که شبهای متعددی بودند خوابیده بودند و در هراس از آینده‌ای تیره و تاریک بسر میبردند فریاد مرگ برخیزینی و مرگ بر سلطنت طلب سردانند که گویا تمامی جمعیت حاضر همگی طرفداران شاه و خمینی هستند. سپس یکی از دختران مجاهد میکروپون را گرفت و با نام خدا و معبود و مریم سخن آغازیدن کرد و جمعیت را آذمهای بیشرنی توصیف نمود که مراعات خون ۵۰۰۰۰ شهید را که همگی شان هم نجاهد بوده‌اند را نمیکند و در پایان افزود که اگر کسی بخواهد آرم سازمان و عکس معبود چپ‌نگاه کند با او همان کار خواهیم کرد که با خمینی کرده‌ایم.



چریک فدائی خلق رفیق شهید
کاظم سعادتسی

رفقای هوادار!

بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی هر چه فعالانه‌تر بپا خیزید، صفوف خود را متشکل نموده و با اتحاد هسته‌های سیاسی - نظامی این رژیم ددمنش را آماج ضربات مرگبار خود قرار دهید.

"جبهه انقلابی"

اثری از رفیق استالین

سوسیال رولوسیونیوهای "دلونارودا" از بلشویکها ناراحتند (دلخورند). آنها به بلشویکها توهین میکنند. به آنان افترا میدهند. و حتی آنان را تهدید میکنند. برای چه؟ بخاطر "عوامفریبی لجام گمیخته شان" بخاطر "سکتاریسم حرفه ایشان"، بخاطر "فقدان انضباط انقلابیشان" و خلاصه بخاطر این حقیقت که بلشویکها مخالف وحدت با اس-ارهای "دلونارودا" هستند.

اتحاد با اس-ارهای دلونارودا و آیا براستی چنین اتحادی در حال حاضر ممکن است؟

در حالیکه کنفرانس دمکراتیک در پتروگراد، وقت خود را با بحثهای بیپوده تلف میکند و مبتکرین آن با عجله فرمولهایی را برای "نجات" انقلاب سرهم بندی مینمایند، زمانیکه حکومت کرمسکی، با تشویق بکاتانسان و میلیوکف همچنان "براه خودش" میرود. یک روند تعیین کننده در روسیه در شرف وقوع است. - رشد یک قدرت نوین، یک قدرت انقلابی اصیل خلقی که به یک مبارزه سرخستانه برای بقای خود دست زده است. دریکسو شوراها قرار دارند که در اسانقلاب، در اس جنگی بر علیه ضدانقلابی جای گرفته اند که هنوز منکوب نشده و فقط عقب نشینی کرده و ماقلان در پشت حکومت پنهان شده. و در سوی دیگر حکومت کرمسکی، که ضدانقلابیون را در پناه خود گرفته، با کرنیلوف و کادتها، به توافق رسیده، بر علیه شوراها اعلان جنگ داده و سعی در منکوب کردن آنها دارد، بخاطر اینکه خود منکوب نشود.

هم اکنون تمام نکته در اینجاست که چه کسی در این مبارزه پیروز خواهد شد؟

با قدرت بدست شوراها می افتد - که این بمعنای پیروزی انقلاب و ملح عادلانه خواهد بود. با بدست حکومت کرمسکی که این بمعنی پیروزی ضدانقلابیون و "جنگ تا آخر"، یعنی پایان کار روسیه است. کنفرانس بدون اظهار نظر مشخص

در این امر، صرفا این مبارزه را منعکس میکند. و البته خیلی با تاخیر.

بهمین دلیل است که مسئله اصلی الان نه ساخت و پرداخت فرمولهای عمومی برای "نجات" انقلاب بلکه حمایت از شوراها در مبارزه شان بر علیه حکومت کرمسکی است.

شما یک جبهه متحد انقلابی میخواهید؟ بسیار خوب، بیس از شوراها حمایت کنید، از حکومت کرمسکی بپرید، آنوقت امر اتحاد خود بخود متحقق خواهد شد. یک جبهه متحد نه در اثر مذاکره، بلکه در جریان مبارزه تشکیل میشود.

شوراها خواهان اخراج کمیسرهاي کادت هستند. اما حکومت کرمسکی این کمیسرهاي ناخواسته را بر آنها مسلط کرده و تهدید به اعمال زور میکند... هموطنان "دلونارودائی" شما در کدام سمت ایستاده اید؟ در طرف شوراها یا کمیسرهاي کرمسکی؟

در شوراها تاکنند که اس-ارها در آن اکثریت دارند. قدرت را به دست گرفته و ما مورین قدیمی را برکنار کرده اند. اما حکومت کرمسکی یک دسته مجازات را به تاکنند فرستاده و محوهاد انوریت سابق را انشاء نماید. شورا را تنبیه نماید و غیره... شما در کدام جانب ایستاده اید؟ هموطنان "دلونارودائی"؟ در جانب شورای تاکنند و یا در جانب دسته های مجازات اعزامی کرمسکی؟

برای این سوال هیچ جوابی نداریم، زیرا ما خبری از حتی یک صدای اعتراض و یا یک عمل مخالفت آمیز از جانب پیروان "دلونارودا" بر علیه این اعمال ضدانقلابی آقای کرمسکی در دست نداریم.

باور کردنی نیست، ولی حقیقت دارد. کرمسکی سوسیال - رولوسیونر پتروگراد، تکیه زده بر مسند ریاست، مسلسل بر میدارد و به اس-ارها (سوسیال - رولوسیونرها) شورای تاکنند یورش میدهد. با وجود این ارگان مرکزی حزب اس-ار، سکوت کامل اختیار میکند، گویی کسی این امر هیچ ارتباطی به او ندارد. کرمسکی اس-ار مهبای درگیر

خونینی با اس-ارهای تاکنند میشود. با وجود این "دلونارودا" فرمان سیمانه کرمسکی را منتشر میکند، بدون آنکه حتی تفسیری در باره آنرا لازم بدانند و آشکارا مصمم به حفظ "بیطرفی" است؟

اما این چه نوع حزبی است که اعضایش میتوانند تا به این اندازه یکدیگر را با اغماض آشکار ارگان مرکزیشان قتل عام کنند؟

بما میگویند بایستی یک جبهه انقلابی بوجود آید، اما اتحاد با چه کسی؟

با حزب اس-ار، که از خودش هیچ عقیده ای ندارد، و ساکت مانده است.

با گروه کرمسکی که آماده است شوراها را منکوب کند.

با گروه اس-ارهای تاکنند که بخاطر انقلاب و دستاوردهای آن قدرت جدیدی بپا کرده اند؟

ما آماده ایم تا از شورای تاکنند حمایت کنیم. ما در همان صفی میجنگیم که اس-ارهای انقلابی میجنگند. با آنهاست که، میتوانیم یک جبهه متحد داشته باشیم.

اما آیا هموطنان دلونارودائی میفهمند که اس غرر ممکن است که در عین حال هم از گروه تاکنند حمایت کند و هم از کرمسکی؟ رسرا کسی که از گروه تاکنند حمایت میکند بایستی با کرمسکی قطع رابطه کند. آیا هرگز میفهمند که با سریدن از حکومت کرمسکی و با حفظ بیطرفی، به رفقای تاکنندیشان خیانت میکنند؟

آیا هرگز میفهمند که قبیل از تقاضایشان برای تشکیل یک جبهه متحد با بلشویکها آنها ابتدا باید در خانه خود و در حزب خود اتحاد برقرار کنند؟ یا بریدن قطعی از کرمسکی، یا از جناح چپ اس-ارها؟

شما یک جبهه متحد با بلشویکها میخواهید؟ پس، از حکومت کرمسکی بپرید، از شوراها در مبارزه اشان برای قدرت حمایت کنید و آنوقت اتحاد حاصل خواهد آمد.

چرا در ایام شورش کورنیلیف اتحاد به این مادگی و راحتی برقرار شد؟ زیرا در آن زمان اتحاد نه بعنوان نتیجه مباحثات بی انتها، بلکه در جریان مبارزه ای مستقیم علیه ضدانقلاب حاصل شد.

گزیده‌هایی از یادبودهای چریکها

چهل آسان قربانی یک مترزیمین،
جلوه‌ای از جنگ ایران و عراقدر و غیردزبهای ولایتی مزدور در مورد
دریافت سلاح از امیرالیستها

جنگ امیرالیستی ایران و عراق و

سال سرنوشت!

روزنامه وال استریت ژورنال
بمنقل از مقامات وزارت دفاع آمریکا
اعلام کرده است که جمهوری اسلامی
در جریان عملیاتهای موسوم به کربلای
خود برای تصرف هر یک متر مربع از خاک
عراق چهل نفر تلفات داده است.

باعلم به اینکه مطبوعات
امیرالیستها همیشه میکوشند از ذکر
ارقام واقعی خودداری نمایند. اما
همین آمار نیز به روشنی ماهیت
جنايتكارانه جمهوری اسلامی و واقعیت
تلفیغات ریاکارانه‌اش را آشکار
میسازد. تلفیغات ریاکارانه‌ای که
میکوشد پیروزیهای خیالی برای
جمهوری اسلامی ترسیم نموده و از بیان
واقعیت آنچه که در میدانهای این
جنگ امیرالیستی میگذرد خودداری
می نماید، دستاوردهای خیالی و
دروغین برای رژیم اعلام میکنند و هرگز
نمیگویند که آنچه بدست آمده است به
اعتبار از دست دادن چه چیزهایی
بوده است.

اگر برای بدست آوردن یک متر -
مربع از خاک عراق باید ۴۰ جوان
ایرانی قربانی سیاستهای ارتجاعی این
رژیم گردند، برآستی برای تصرف کامل
عراق که جمهوری اسلامی ادعای آنرا در
تلفیغات کرکننده خود همیشه اعلام
نموده است چند میلیون ایرانی باید
در مسلخهای این جنگ ویرانگر قربانی
گردند؟

رژیم وابسته به امیرالیسیم
جمهوری اسلامی بیشتر مانده در اجسرای
سیاستهای امیرالیسیم بر طبل جنگ
می کوبد و نعره "جنگ، جنگ، جنگ تا پیروزی"
سر میدهد و قبحخانه از سال سرنوشت
سخن میگوید و جنايتكارانه سلسله
عملیات کربلای ۴ و ۵ و ۶ و ۷ را سازمان
میدهد. برآستی دستاوردهای این
عملیات چه بوده است؟ و هزاران

مسئله افشای بخشی از روابط پنهانی
امیرالیستها با ایران و بخصوص مدور
مقادیر فراوانی جنگ افزار و آلات و
ادوات مرگبار نظامی از طرف امریکسا
و اسرائیل به جمهوری اسلامی، دیگر بر
کمتر کسی پنهان و پوشیده مانده است.
با وجود تمامی تلاشهای مذبحانهای که
در طول این ماجرا از سوی امیرالیستها و
سردمداران ورشکسته جمهوری اسلامی بعمل آمد
تا این رابطه سلطه جویانه و کثیف
امیرالیستی حتی الامکان فاش نگشته و
محدود جلوه داده شود تا دستشان
خونالود راهزنان بین المللی در ایران
و بویژه در جنگ ایران و عراق از نظار
خلقیهای تحت ستم ما پنهان بمانند،
افشای این رابطه و روند آن همچنین
تضاد جناحهایی از امیرالیسیم جهانی
که در پشت این قضیه قرار گرفته بودند
وضع را برای جمهوری اسلامی و اربابانش
در هیئت حاکمه امریکا آنچنان پیچیده
و بغرنج نمود، که این تلاشهای
مذبحانها به جایی نرسیده و افکار
عمومی را چه در منطقه و چه در سطح
جهانی به شکل وسیعی متوجه عمیق
جنايت پيشگي و وابستگی دستگاه حاکمه
ایران به امیرالیسیم جهانی کرد،
توده‌های تحت ستم ما در طول این ماجرا
به روشنی بیشتری به ماهیت جنايتكارانه
و ضد خلقی جمهوری اسلامی و اربابانش
پی برده و هرچه بیشتر فهمیدند که
قرباندهای نه شرقی نه غربی آخوندهای
سرسپرده حاکم از چه قماش است و اینکه
جمهوری اسلامی سگ زنجیری
امیرالیستهاست، تنها برای کسانی
که گوشی برای شنیدن و چشمی برای
دیدن نداشتند همچنان در پرده سوال
و ابهام باقی ماند. اما این
قضیه همانقدر که در روند خود باعث
رشد سطح آگاهی خلقیهای تحت ستم ما و
روشنی دید و تفکر آنها نیست -

با پایان سال ۶۵ موجی دیگر از
دروغپردازیها و عوامفریبیهای
سردمداران ورشکسته و جنايت پيشگانه
جمهوری اسلامی نیز در رابطه با پایان جنگ
امیرالیستی ایران و عراق به پایان
رسید. اگر بلندگوهای تبلیغاتی رژیم
تمام تلاشهای مذبحانها خود را بکار
بردند تا سال ۶۵ را سال با صلح
سرنوشت ساز و ضربه نهائی وانمود
سازند ولی آنچه را که سگان زنجیری حاکم
نهایتا در پایان سال برای توده‌ها به
ارمغان آوردند، نه پایان جنگ و نه
اصلاح فتح کربلا، بلکه کوهسی از
اجساد جوانان بیگناه و ویرانه‌های
غیر قابل توصیفی از روستاها و شهرها
برای مردم وحشتزده و مضطرب ما بود.
در پایان غم انگیز سال خونین
۶۵ در جبهه‌های جنگ صرف نظر از
دروغهای آنچنانی سردمداران رژیم،
دیگر بخوبی روشن بود که اراده برپا -
کنندگان اصلی این جنايت امیرالیستی
یعنی امیرالیستها و شرکستهای
روزیونیستشان، همچنان بر تسدوم
این قتل عام و کشت و کشتار و ویرانه‌های
بیمناقبه و از آن طریق حصول سودهای
هرچه بیشتری از بابت این جنايت
قرار گرفته است.

بله، بر همین اساس بود که سال ۶۵
نیز به فرجام خود رسید ولی هنوز
چشم اندازهای واقعی پایان جنگ
ارتجاعی و خانما سوز ایران و عراق
در انظار توده‌ها تیره و تاریک ماند.
آنچه که در واقع برای توده‌های ایران
و عراق به حامد چیزی جز قنایسی
هزاران تن دیگر از جوانان دو کشور در
میدانهای جنگ و غارت، و ویرانی
دهها شهر و روستای بی دفاع دیگر نبود،
در همین حال که کارگردانان جنايت پيشگانه
این جنگ از برکت این ویرانی‌ها و
کشتارها و از برکت فروش سلاحهای

ددمنش خواهند گرفت و بر سرش آن آورند که بر سر هر رژیم ضد خلقی تا کنون آمده است، وقتی مبارزه متحدانه و مسلحانه خلقهای ما اوج هر چه بیشتری بگیرد بدون شک هر متر مربع خاک این سرزمین را بگورستان امپریالیستها و نوکرانش تبدیل نموده و برگورستان آنها ایران آزاد و دمکراتیک را زیر بیرق سرخ کارگران بنا خواهیم نمود.

**

« جنبه انقلابی »

از صفحه ۲۵

ضدانقلابیون هنوز منکوب نشده اند. آنها فقط عقب نشینی کرده اند، آنها در پشت حکومت کرنسکی مخفی شده اند. اگر انقلاب بخواهد پیروز باشد، باید این سنگرهای خط دوم ضدانقلاب را نیز تسخیر کند. و اوج این پیروزی دقیقاً موفقیت شوراها در مبارزه اشان برای کسب قدرت خواهد بود. کسی که نمیخواهد خود را در آن سمت سنگرها بسیند، کسی که نمیخواهد زیر آتش شوراها قرار گیرد، کسی که خواهان پیروزی انقلاب است، باید از حکومت کرنسکی ببرد و از مبارزه شوراها حمایت کند.

شما یک جنبه متحدانقلابی می خواهید ؟

پس شوراها را در مقابل directorat حمایت کنید. از مبارزه شوراها بر علیه ضدانقلابیون، ثابت قدم و بدون قید و شرط حمایت کنید. اینکار را بکنید، آنوقت اتحاد البته بعنوان یک امر ساده و طبیعی بدست خواهد آمد. همان وضعی که هنگام شورش کورنیلوف بوجود آمده بود. هموطنان دلتونا رودائی را انتخاب کنید. با یا شوراها با بر علیه آنها؟

راپوچی پوت شماره ۱۲ جلد سوم مجموعه آثار استالین بزبان انگلیسی

۱۹/ سپتامبر ۱۹۱۷

فلا به صحت ادعایش کاری نداریم را به چه بهائی نابود ساخته است؟ اگر برای گرفتن یک متر مربع زمین خون ۴۰ ایرانی باید ریخته شود برای نابودی ۶۸۰۰۰ دستگاه تانک و نفربر و کشتن ۲۰۰۰۰۰ سزاعراقی چه تعداد دانش آموز و کارگری که اجباراً به جنبه های جنگ گسیل گشته اند باید از بین رفته باشد؟ و چرا این مزدوران از بیان ارقام واقعی تلفات نیروهای ارتش و سپاه سخن به میان نمی آورند؟ واقعیت این است که این رژیم ددمنش که با همه وجودش نوکر کاسه لبس آمریکا است کاری به آن دانش آموز و کارگری که دسته دسته در میدانهای این جنگ قربانی میشوند ندارد. آنها مجربان سیاسی هستند که منافعش تنها به جیب ارباب می رود پس بگذار برای منافع آمریکا جوانان این سرزمین دسته دسته جان بیازند چه باک، برای کماتیک هستی و موجودیتشان را نه به حمایت این مردم که به قدرت جهانی امپریالیسم مدیون هستند. نابودی این جوانان، نابودی این کارگران و کشاورزان اهمیتی ندارد و وظیفه آنها کوبیدن بر طبل جنگ برای تحقق اهداف امپریالیست است آنها نه در برابر مردم، که در برابر امپریالیستها پاسخ گو هستند چرا که پاسخ مردم ما، پاسخ توده های ستمدیده ما به این مزدوران روشن و گویا است مبارزه برای نابودی آنها تا قطع سلطه امپریالیسم و این تنها راهی است که واقعیات زندگی در مقابل خلقهای ما قرار داده است واقعیتهای که با روشنی تمام بانگ بر میاورد: بر علیه جنگ امپریالیستی ایران و عراق بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بیخیزید و با نابودی سلطه امپریالیسم و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر شرایط را برای صلح دمکراتیک و پایدار، آزادی و دمکراسی فراهم نمائید. بگذار جمهوری اسلامی برای گرفتن هر متر مربع خاک عراق جان ۴۰ ایرانی را فدا کند. بگذار برای گرفتن هر متر مربع خاک عراق شهری بمباران شود و مدرسه ای بر سر دانش آموزان بی گناه خراب گردد. اما دیربازود خلقهای ما انتقام خود را از این رژیم

کشته و مجروح برای چه در این تهاجمات موسوم به کربلا جان خود را از دست داده اند؟ مردم ما به این می اندیشند و باید هم به این امر بیندیشند. تهاجماتاتی که تهاجمات ستاوردهای واقعی آن قربانی شدن هزاران جوان دیگر و پیوستن آنها به خیل انبوه قربانیان این جنگ لعنتی است اگر برای هر متر مربع ۴۰ نفر باید قربانی شوند پس جمهوری اسلامی ای که ادعا میکند تا نزدیکیهای بصره پیش رفته است چند هزار نفر از جوانان این مملکت را قربانی اهداف جنایتکارانه غشود ساخته است؟ رژیم مزدور خمینی در تبلیغات خود چنین وانمود میکرد که فلان حمله، حمله سرنوشت ساز است و سپس سال ۶۵ را سال سرنوشت اعلام نمود یعنی ادعا نمود که در سال ۶۵ جنگ با پیروزی جمهوری اسلامی پایان خواهد یافت و پرچم سزارتجاع در خاک دشمن بر زمین کوبیده خواهد شد. اما واقعیت آنچنان میان تپی بودن این ادعاها را اثبات نمود و خیالات واهی آنها را نقش بر آب ساخت که ابتدا مجبور شدند با ادعای تصفیه ماشین جنگی دشمن و سپس زمینه سازی برای پیروزی در سال بعدی میدان بیایند.

اما واقعیت این است که این جنگ امپریالیستی هیچ پیروزی برای خلقهای ستمدیده دو کشور در بر نداشته و تنها این امپریالیستها هستند که از این جنگ و تداوم ۷ ساله اش سود می برند و اتفاقاً همان ها نیز هستند که این جنگ ویرانگر را سازمان داده و هدایت میکنند. اما بیایید دستاوردهای این جنگ ارتجاعتی را از زبان فرمانده مزدور سپاه پاسداران یعنی محسن رضائی بشنویم تا ببینیم که خود سران این رژیم در کشتن از پیروزیهایشان چگونه است. محسن رضائی از دستاوردهای سال گذشته رژیم نابودی دویست هزار سزای دشمن و سرنگونی صد و پنجاه فرونده هواپیما هفتاد فرونده هلیکوپتر، نابودی ۶۸۰۰۰ دستگاه تانک و نفربر و ۳۰۰۰ خودرو را نام میبرد. وی نمیگوید که این نیرو و ابزارهای جنگی که ما

مرگ پرچمک امپریالیستی ایران و عراق

دروغپردازیهای ولایتی مزدور ۰۰۰۰۰

از صفحه ۲۶

جمهوری اسلامی ضد خلقی گشت و بهمان اندازه در میان بالائیکها یعنی دولت‌مندان جنایتکار جمهوری اسلامی و طیف اربابان نشان تفتت و تضا در ادا نمودن و بر بستر نقادهای مختلف آنها را به جان هم انداخت. کوسر سزایشان را به صدا در آورد و تا آنجا به پیش رفت که جمهوری اسلامی را وادار کرد تا بی اعتنا به ۸ سال نمره‌های ضد امریکائی و فداسرائیلی به داشتن رابطه و دریافت اسلحه از آنها اعتراف کند. برای توده‌ها روشن شد که اگر با اصطلاح شیاطینی بزرگ و کوچک مثل امریکا و اسرائیل صهیونیست خود را با اصطلاح اصلاح کنند جمهوری اسلامی در برقراری و دریافت اسلحه از آنان مشکلی ندارد و کار تا جایی پیش رفت که برخی از سگان زنجیری که از سایر همپالکیهایشان در جمهوری اسلامی صریحتر و وقیحتر هم بودند، صراحتاً بداشتن رابطه‌های مستقیم و غیر مستقیم با امریکا و دیگر شیاطین و دریافت انواع اسلحه و جنگ افزارهای مرگبار نظامی از آنان اعتراف کردند. اما همین اعترافات صریح و مستقیم از نظر مزدوران رنگارنگ رژیم بهیچوجه مانع از فعالیت‌های عوام‌فریبانه آنها در جهت مخدوش نمودن اذهان توده‌ها و با اصطلاح فدائیرالیست و ضد صهیونیست جلوه دادن جمهوری اسلامی در افکار عمومی نگشت. هنوز هم جنایتکاران ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که دیگر طشت رسوائیشان از جام بر زمین افتاده و در نزد توده‌های آگاه حشای شعارهای با اصطلاح ضد امپریالیستی شان کمترین رنگی ندارد، مترصد موقعیتهایی هستند تا با گرفتن دست ضد امپریالیستی امریکا و اسرائیل و سایر با اصطلاح شیاطین بزرگ و کوچک را در حرف به باد ناسزا بگیرند ولی در واقعیت‌های زمینی منافع آنان را تامین کرده و در جهت تداوم ماوریت امپریالیستی و شوم خود در ایران به نفع امریکا و اسرائیل و امپریالیستها گام بردارند. بلکه بقول معروف سردمداران نوکرپیشه جمهوری اسلامی در مقابل توده‌ها هنوز هم وقیحانه‌جا نماز ضد امپریالیستی آب میکشند ولی در عمل "آن کار دیگر میکنند" همین چند روز پیش بود که ولایتی مزدور طی یک مصاحبه

مطبوعاتی در کنفرانس خلق سلاح سازمان ملل و در حضور نمایندگان ۴۰ کشور با ریاکاری و دروغ پردازی بی نظیری اعلام کرد که: ایران پس از آنکه آگاه شد که جنگ افزارهای امریکائی تحویل شده به ایران از طریق اسرائیل منتقل شده است بیدرنگ همه سلاح‌ها را به اسرائیل باز پس فرستاد. وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در یک قسمت از همین لاپلاطالات خود به موضوع مهمی انگشت می‌گذارد که همانا تحویل داده شدن جنگ افزارهای امریکائی به رژیم وابسته‌اش میباشد ولی ایشان با ظرافت خاصی سعی میکنند که در عین حال در همین جملات دروغ شادخاری هم تحویل افکار عمومی بدهند و آن این است که گویا جمهوری اسلامی سلاحهای ارسالی از طرف اربابانش را دوباره به اسرائیل بازگردانده است. البته برای مایخویی روشن است که مغایب ولایتی در ایسن سخنان، نمایندگان ۴۰ کشور حاضر در این کنفرانس و بخصوص نمایندگان دول امپریالیستی نبوده و نیستند. چه، اگر هیچ کسی نداند ولایتی مزدور و دولت‌مردان امریکا و اسرائیل بخوبی میدانند که در طول ۸ سال حیات جمهوری اسلامی هیچ محموله سلاح ارحالی آنان به سگ زنجیریشان در ایران به اسرائیل و امریکا بازگشت نخورده و آنچه که از بابت صدور اسلحه به ایسران از هواپیماها و کشتی‌های حامل جنگ افزارهای امپریالیستی، به اسرائیل بازگشته جدا از جوه نقد احتمالاً محمولاتی شبیه پسته‌های باغهای آقای رفسنجانی و از این قبیل نبوده است. ما با استناد به واقعیات به ولایتی دروغگو اطمینان میدهیم که رژیم متبوع و وابسته وی نه تنها هیچ سلاح امریکائی را به اسرائیل باز نگردانده بلکه مداوماً و از آغاز حیاتش مقادیر متناسبی سلاحهای اسرائیلی را نیز از دولت ضد خلقی این کشور تحویل گرفته است اگر ولایتی مزدور می‌پندارد که توده‌های ما آنقدر ساده انگارند که فریب افاضات ایشان را بخورند باید گفت که در دریای حماقت غوطه میخورد. توده‌های ما بخوبی میدانند که سلاحهای امپریالیستی مورد نظر وزیر امور خارجه، درزراخانه‌های جمهوری اسلامی و درجه‌های جنگ ضد خلقی ایران و عراق انبارگشته. در طول ۷ سال جنگ و جنایت به کار قتل عام هزاران

انسان بیگناه، در راه منافع امریکا و سایر امپریالیستها و دولت اسرائیل آمده و می‌آید و بهیچوجه به اسرائیل بازگردانده نشده است. در واقعیت امر سلاحهای مرگبار امریکائی و اسرائیلی که تهیه آنها به بهای مکیدن شیره جان و غارت کارگران و خلقهای تحت ستم ما امکان پذیر شده، همان سلاحهایی است که ارتش ضد خلقی جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران وابسته به امپریالیسم و سایر زواشکند سرکوبگرماشین جنگی جمهوری اسلامی را تجهیز و مسلح کرده و با توسل و اتکاء به آتش‌خانمانسوز آنهاست که جبهه‌های جنایت و مرگ جنگ امپریالیستی از انبوه کشته‌ها انباشته می‌گردد، خانه‌ها و کاشانه مردم بیگناه بر سرشان ویران گشته مبارزات خلقهای تحت ستم به خاک و خون کشیده شده و در تمام کشور قلب کمونیستها و انقلابیون را آماج قرار میدهد با توجه به همین واقعیات انکارناپذیر است که میتوان به درجه صحت ادعاهای ولایتی مرتجع مبنی بر استرداد سلاحهای امریکائی به اسرائیل از جانب جمهوری اسلامی بی‌سرودر همانطور که اشاره کردیم تنها آنهایی که نه گوشی برای شنیدن ونه چشمی برای دیدن دارند میتوانند این عوام‌فریبیهای امثال ولایتی‌ها را باور کنند.

در حال باید در نظر داشت که دروغ‌پردازی و ریاکاری جزء لاینفک و بخشی از قانون حاکم بر حیات حکومت‌های ارتجاعی و وابسته‌ای نظیر جمهوری اسلامی است از همین جاست که جنگ انقلابی و مقابله مستقیم ورود روی توده‌های تحت ستم با دستگاه سرکوب و جنایت‌رزم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی باید در عین حال و در عین خود افشای همه حاشیه دروغ‌پردازیها و ترفندهای تبلیغاتی اس سردوران امپریالیسم را برساند تمام در افکار عمومی و بین المللی به بسش برد. با آگاهی به این امر است که توده‌های بپا خواسته و مسلح سرانجام بساط تنگین حکومت ضد خلقی جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستش را از میهن ما بخواهند چید.



جنگ امپریالیستی ۰۰۰۰۰

از صفحه ۲۶

مرکبار به دودولت درگیر ، آتش جنگ را هردم تندتر کرده و با مشارکت سگان زنجیریشان با مکیدن شیره جان خلقهای ایران و عراق سوده‌های هرچه بیشتری را به جیب زدند. و باز هم بر مبنای همین حقیقت بود که در پایان سال ، خمینی و رفسنجانی ، رضائی ، موسوی و خامنه‌ای به همراه سایر شارلاتانهای سرسپرده و جنایتکار دستگاه حاکم از بابت تمام دروفاهایی که سال گذشته در مورد پایان جنگ به مناسبت‌های مختلف به توده‌ها تحویل داده بودند حتی ککشان هم نگزید.

به هرحال ، اخیرا برغم تمامی دروفاها و وعده‌های جمهوری اسلامی در رابطه با پایان جنگ ، امپریالیستی و باصطلاح حمله سرنوشت‌ساز در سال ۶۵ ، درحالیکه کمتر از یکماه از سال جدید نگذشته است بار دیگر رفسنجانی جنایتکار به صحنه آمده تا با اعلام باصطلاح تعیین سرنوشت جنگ در سال ۶۶ به وظیفه فدخلتی خود عمل کرده و تداوم جنگ ارتجاعی و خانمانسوز کنونی را با تمام فلاکت و بدبختیهایش برای توده‌ها حداقل شامدتهای مدید دیگری تحویز و اعلام نماید .

نماینده مزدور امام فدخلتی در شورای عالی دفاع ، طی دیدار با گروهی دیگر از جوانانی که بعنوان گوشه‌گشت دم توپ ماشین جنگی رژیم به جبهه‌های مرگ اعزام میشدند در مورد دستاورد عملیات سال گذشته باصطلاح رزمندگان اسلام با وقاحت تمام اعلام کرد :

" الحمدلله سال گذشته با کارها و نیکه‌های درمیدانها کردید گام بسیار بلندی را برداشتید یک مرور سریع بر سال گذشته اگر داشته باشیم بقایای حرکت والفجر ۸ و ۹ و کربلای ۱ تا ۷ و همچنین بر خوردها نیکه در فک و جاهای دیگر داشتیم و مجموعه ضربه‌های کاری که به طور مکرر و بی امان شامیه عراقیها وارد کردید اثر خود را کرده است به نظر من آن وعده حرکتیهای سرنوشت‌ساز که در اوائل سال گذشته داده شد بطور جدی تحقق پیدا کرده است یعنی با ضربه‌ها نیکه پارسان به دشمن وارد کردید در واقع سرنوشت جنگ تعیین شده است ."

این جملات در درجه اوج دناشت و پستی مزدوری را میرساند که در دروفاها و فریبکاری توده‌ها کمتر

هتفاتی را میتوان برایش یافت ، او تمامی جنایاتی را که رژیم جنایتکارش در جبهه‌های مرگ و در شهرها و روستاهای بی‌دفاع و به بهای قربانی شدن هزاران کودک و زن و مرد بیگناه بدان دست‌یازیده است با یک مرور سریع و با عنوان برطمطراق گامهای بلند بعنوان پیروزی جا میزند .

اما باید از این آخوندور شکسته و وابسته پرسید که کدامیک از وعده‌های سرخرمن و پوچ رژیم "متبوعش" در سال گذشته تحقق یافته است ؟ و جمهوری اسلامی فدخلتی کدام پیروزی مهم و سرنوشت‌ساز را در سال گذشته در جنگ کسب کرده است که ادعا میکند سرنوشت جنگ تعیین شده است ؟ باید از رفسنجانی جنایتکار پرسید :

آنچه را که توده‌های ما به طور واقعی از واقعیت نتایج هجوم های فاجعه‌بار رژیم در سال گذشته و در جریان کربلاها و والفجرها و ... دست دارند آیا چیزی بیشتر از دهها هزار کشته و مجروح و اسیر در جبهه‌ها ، و خانه‌ها و مدرسه‌های ویران شده در شهرها و روستاها در مقابل تصرف چند کیلومتر خاک بوده است ؟

پس با استناد به کدام ضربه‌ها و پیروزی‌های چشمگیر است که این مزدور سرسپرده اعلام میکند که ضربه‌ها نیکه پارسان به دشمن وارد کرده‌اید کار خود را کرده است و در واقع سرنوشت جنگ تعیین شده است ؟ و یا برآستی بر کدام اساس میتوان ادعا داشت که وعده حرکتیهای سرنوشت‌ساز که در اوایل سال گذشته داده شد بطور جدی تحقق پیدا کرده است ؟

اما رسواچیهای رفسنجانی به همینجا ختم نمیشود او همچنان درباره باصطلاح دستاوردهای روشن حرکت سال گذشته داد سخن داده و ادامه میدهد :

"بنابراین ما ادله دیگر را نمیگوئیم . این که فار و فلاویزان و حاج عمران دست ماست ، اینکه از شلمچه عبور کردیم و الان در ۹ کیلومتری بصره هستیم ، این که در کنار ابوالغیب هستیم و ساحل حساس اروند رود را گرفتیم و بغداد در تیررس موشک ما قرار دارد و امسال هزاران نیروی کیفی عراق را اسیر کرده‌ایم و داریم تربیتشان میکنیم و صدها تانک و نفرسیر و ابزار سنگین و توپ را در میدان جنگ مصادره کرده و به کار گرفتیم اینها دستاوردهای روشن حرکت سال گذشته شاست"

السته در اینجا باید نکته‌ای را به این آخوند مزدور گوشزد کرد . فریادهای کرکننده ولی بی محتوای او درباره باصطلاح دستاوردهای روشن حرکات سال گذشته مبنی بر تصرف مناطق نامبرده شده و غیره را به هیچوجه نباید جدی تلقی کرد چرا که امروزه در کشور ما دیگر حتی کودکان نیز عادت کرده‌اند که دروفاهای آنچنانی مزدورانی نظیر رفسنجانی در مورد پیروزیها و تصرفات نظامی جمهوری اسلامی در جبهه‌ها را باور نکنند ، اما به فرض صحت تمامی ادعاهای بی سرو ته رفسنجانی در این جملات ، باید به او و تمامی سگان زنجیری همپالکیش در جمهوری اسلامی گفت که مسئله توده‌های ما در جنگ امپریالیستی ایران و عراق به هیچوجه کسب پیروزیهای نظامی و برتری جویانه ، به بهای قتل عام توده‌های تحت تسلط و زحمتکش دو کشور و پرکردن جیب‌ها و انحصارات بین المللی نموده نیست ، مردم ما به هیچوجه نمیخواهند که با تصرف خاک هر کشور دیگری با زیج منافع امپریالیستیهای جنگ افروز و توسعه طلب و سگان زنجیری آنان در منطقه باشند . آنچه را که توده‌های ما بعنوان یک خواست انقلابی میخواهند اساسا و بیش از هر چیز ، نابودی فوری این جنگ امپریالیستی و منافع ضد خلقی جاری در آن و حامیان و برپاکشندگان این جنگ است . از همین جاست که میتوان درک کرد که اگر تصرف حاجی عمران و مار و شلمچه و اسارت هزاران تن از توده‌های زحمتکش ایران و عراق در این جنگ ارتجاعی مورد تنفر توده‌هاست ، بهمان اندازه در تیررس قرار گرفتن بغداد و تهران و بصره توسط موشکها و توپهای مرگ آمیز برای سازندگان امپریالیست آنها بمنظور هرچه بیشتر فروختن آنها به مزدوران و سرمایه‌داران وابسته در سطح منطقه نظیر رفسنجانی و حکومت فدخلتیش مطرح و دارای ارزش است .

این جنایات بی سابقه و دهشتناک برای رفسنجانی مزدور در حکم باصطلاح دستاوردهای روشن و باارزشی است . اما ارزش آنها هنگامی بیشتر روشن میگردد که این سگ زنجیری بدانند و خوب هم میدانند که برای تصرف ادعایی هر متر مربع از خاک عراق طبق گزارشات منتشر شده جمهوری اسلامی ۴۰ تن از جوانان بیگناه را به کشت داده



● در تاریخ ۸ اردیبهشت ماه ۶۶ در زندان گوهردشت کرج بین زندانیان سیاسی و مزدوران رژیم جمهوری اسلامی درگیری شدیدی بوقوع پیوست. درگیری هنگامی آغاز شد که عده‌ای از زندانیان سیاسی از حضور در مراسم آمارگیری خود داری نموده و نیروهای سرکوبگر رژیم جهت سرکوب زندانیان معترض شروع به ضرب و شتم آنان نمودند. سایر زندانیان نیز به طرفداری از معترضین به مزدوران رژیم حمله کرده و با آنان به زد و خورد پرداختند. در مدت کمی درگیری به سایر نقاط زندان سرایت نمود و مسئولین زندان که از این حرکت زندانیان به خشم آمده بودند با انواع وسائل از قبیل کابل، چاقو و غیره به مجروح نمودن زندانیان پرداختند اما به علت ناتوان ماندن در سرکوب اعتراض و برای جلوگیری از رشد بیشتر آن ناچار به خاتمه درگیری شدند. در این میان عده زیادی از زندانیان سیاسی مجروح گردیدند.

● در پی بالا رفتن ناراضی‌های مردم، منتظری ابله مزدور مجبور گردید در تاریخ ۲۴ اردیبهشت با دیگر از ایادی رژیم بخواهد تا نسبت به مردم با ملایمت رفتار نموده و باعث تشدید خشم و نفرت آنان نگرددند.

منتظری همچنین در ادامه سخنانش به طرفداری از سرمایه‌داران وابسته، خواستار آن گردید تا کارخانجات و اموال سرمایه‌دارانی که به علت قیام شکوهمند ۲۲ بهمن، با برجای گذاردن اموال خود فرار را برقرار ترجیح داده بودند و اکنون در پناه رژیم جمهوری اسلامی به ایران بازگشته‌اند، به آنان بازگردانده شود.

● روزنامه "الرای العام" چاپ کویت فاش نمود که ژنرال اسرائیلی "ادکتورینگال" در سومین هفته اردیبهشت ماه در تهران با مسئولین سپاه پاسداران و ارتش ضد خلقی مذاکرات و گفتگو نموده است. این ژنرال اسرائیلی همچنین در سفر خود به تهران جهت ارسال اسلحه‌های جدیدی برای جمهوری اسلامی با عده‌ای از سردمداران رژیم مذاکراتی بعمل آورده است.

● رژیم جمهوری اسلامی اعلام نمود که ۲ تن از اتباع ایتالیایی که در ایران به کار اشتغال داشته‌اند را دستگیر نموده است. مقامات مسئول از ذکر علت دستگیری خودداری نمودند. لازم به تذکر است که این ۲ تن از افراد متخصص دستگاه‌های الکترونیک میباشند که قبل از دستگیری در بندرعباس به کار مشغول بوده‌اند.

● مدیر عامل سازمان گوسفست در گفتگویی با روزنامه کیهان اعلام داشت که قیمت گوشت اکنون با بیش از ۳۰۰٪ افزایش قیمت همچنان به حرکت تصاعدی خود ادامه میدهد.

● سردمداران رژیم جمهوری اسلامی اقرار کردند که کشورهای امپریالیستی همچنان بررگترین مادرکننده کالا به ایران میباشند. خسرو تاج معاون بازرگانی خارجی وزارت بازرگانی در مصاحبه خود با روزنامه های رژیم گفت: کشورهای غربی ۶۶/۹۲٪ از واردات ایران را تامین می‌نمایند. که در این میان کشور آلمان غربی با ۲۱/۳۵٪ مقام اول را داراست.

این مزدور همچنین گفت که در مقابل ۵ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار کالایی که در سال ۶۵ ایران از کشورهای خارجی خریداری نموده تنها ۹۰۰ میلیون

دلار کالا به خارج مادر گردیده است. یعنی واردات کشور رقمی بیست و شش برابر صادرات آن میباشد.

● بهزاد نبوی اعتراف کرد که از معامله ۲ میلیارد دلاری اخیر جمهوری اسلامی با ترکیه تنها حدود ۷ میلیون دلار مربوط به کالاهای غیر نفتی است. نبوی در شرایطی محبوس به این اعتراف میگردد که جمهوری اسلامی در تبلیغات ریاکارانه خودم از گسترش صادرات کالاهای غیر نفتی میزند.

● اولین دوره آموزشی طرح "دانشگاه درجه" با شرکت حدود ۶۰۰ دانشجو در دانشگاه چمران اهواز گشایش یافت. "دانشگاه درجه" ترفند جدید جمهوری اسلامی در جهت گسیل هر چه بیشتر دانشجویان به مسلخ جنگ امپریالیستی ایران و عراق میباشد.

● قایقهای نویدار جمهوری اسلامی در چهار چوب جنگ امپریالیستی و در جهت منافع انحصارات بین المللی در ۱۴ اردیبهشت ماه دونفت کش که بمسوی کویت حرکت میکردند را مورد حمله قرار دادند.

● بر اساس گزارش تلویزیون آلمان صادق طباطبائی برادر زن احمد خمینی در تلاش آزادی چند گروگان آلمانی در لبنان میباشد. دولت آلمان درازا این خدمت به صادق طباطبائی قول داده است که اتهامات چهار سال پیش او را مورد قاچاق تریاک که منجر به محکومیت طباطبائی به سه سال زندان گردید را باطل نماید.

● در اواسط اردیبهشت ماه بهای طلا در تهران ناکهان تا ۱۲۰٪ افزایش یافت و قیمت سکه‌های بهار آزادی که قبلاً ۷ تا ۸ هزار تومان خرید و فروش میشد به ۱۷ هزار تومان رسید. در ضمن بهای ارزهای خارجی نیز بین ۴۰٪ تا ۶۰٪ ترقی نمود و بهای هر دلار آمریکا که قبلاً ۸۵ تومان قیمت داشت به ۱۲۰ تومان رسید. این مسئله باعث نگرانی مقامات نانکی جمهوری اسلامی شده و رژیم برای مقابله با آن، روز ۱۶ اردیبهشت ماه به چند مرکز خرید و فروش سکه‌های طلا و ارز قاچاق حمله نموده و عده‌ای از مراعات را بازداشت نمود.

● به نوشته روزنامه نیویورک تایمز، آمریکا در سال گذشته ۶۱۱ میلیون دلار کالا که عمدتاً نفت بوده از جمهوری خریداری کرده است.

● در بیست و شش آوریل برابر با

شش اردیبهشت ماه ، پناهندگان و آوارگان ایرانی در پاکستان در اعتراض به مرگ ۲ پناهنده ایرانی و عدم رسیدگی دفتر سازمان ملل به وضع ایرانیان خواهان پناهندگی به جمع اعتراضی دست زدند. این تظاهرات مورد حمله وحشیانه چاقوکاران جمهوری اسلامی قرار گرفته و تعداد زیادی از تظاهرکنندگان مجروح میگردند. با این وجود دفتر سازمان ملل به خواست تظاهرکنندگان توجهی نمی نماید. تظاهرکنندگان برای اعتراض به حمله چاقوکاران و بیگیری خواستهای خود دوباره قصد برگزاری تظاهرات داشتند که دفتر سازمان ملل و پلیس مزدور پاکستان ، با برگزاری تظاهرات مخالفت کرده و از برگزاری آن جلوگیری مینمایند.

سازمان عفو بین الملل در گزارشی که در ۲۳ اردیبهشت ماه منتشر کرد نقش حقوق بشر در جمهوری اسلامی را محکوم نمود. در این گزارش آمده است که تبعه های بیرحمانه شکنجه همچون شلاق زدن بوسیله کابل برق و سنگسار نمودن و قطع اعضای بدن وسیعاً در ایران رایج است.

سازمان عفو بین الملل اعلام نمود که جمهوری اسلامی تا کنون هزاران نفر را اعدام نموده و بطرز وسیعی زندانیان را تحت شکنجه قرار میدهد. این سازمان خواهان قطع سنگسار نمودن ، شلاق زدن ، و قطع اعضای بدن در جمهوری اسلامی گردید. عفو بین الملل میگوید قطع عضو از شمار مجازاتهای محسوب میشود که قوانین بین المللی اجرای آن را اکیدا ممنوع کرده است و شلاق زدن نیز نوعی شکنجه و رفتار بیرحمانه یا مجازات توهین آمیز و غیر انسانی تلقی میشود که قوانین بین المللی خصوصاً آن را ممنوع اعلام نموده است.

در پاسخ به این گزارش سنگساری سفارت جمهوری اسلامی در لندن بیژمانه اعلام کرد که شکنجه در ایران وجود ندارد و بهر حال شکنجه مخالف قوانین اسلامی است ولی شلاق زدن ، قطع عضو و سنگسار کردن در جمهوری اسلامی صورت میگیرد و تمامی این مجازاتها هم بر طبق قوانین اسلام مجاز میباشد.

قایقهای توپدار جمهوری اسلامی به یک نفتکش هندی در خلیج فارس حمله

نمودند . در سال جاری این شانزدهمین حمله بزرگه کشتیهای است که با کزیت معامله میکنند .

دولت آمریکا اعلام کرد که پناهنده حکم دادگاه لاهه ۴۵۴ میلیون دلار از سیزده های مسدود شده ایران را مسترد خواهد نمود . این مبلغ بخشی از سیزده سه میلیارد و هفتصد میلیون دلاری است که پس از محکمه اشغال سفارت آمریکا در تهران بوسیله آمریکا مسدود گردیده بود. لازم به تذکر است که درخواست آزاد شدن این مبلغ یکی از باصلاح شرطی که هاشمی رفسنجانی مزدور برای عادی شدن رابطه جمهوری اسلامی با آمریکا آمریکا ، آن را عنوان کرده بود.

یک روزنامه سوئدی گزارش داد که دولت سوئد سه سال پیش به یک شرکت کشتیرانی آن کشور اجازه داده است تا چیل فروند ناوچه های سبک جمهوری اسلامی بفرودد.

یک روزنامه اسپانیایی گزارش داد که دولت اسپانیا طی دو سال گذشته ۱۶۰ میلیون دلار اسلحه به طرفهای جنگ ایران و عراق فروخته است .

سیکورز ژنرال باز نسته آمریکا که در جریان فروش اسلحه آمریکا به جمهوری اسلامی نقش مهمی داشته است اعتراف نمود : سال گذشته ۲ تن از مقامات رسمی جمهوری اسلامی بطور محرمانه از کاخ سفید در واشنگتن دیدن کرده اند.

ساتور اینترنشنل مخابراتی با شبکه تلویزیونی ABC در رابطه با رسوایی فروش اسلحه به جمهوری اسلامی گفت بر اساس شهادت های که تا کنون شنیده بویژه اظهارات ژنرال سیکورده ریگان رئیس جمهور آمریکا ، بیش از آنکه ادعا میکند از مراحل ماجرایی اخیر بوده است .

طرفی فرستاده ویژه آمریکا به کشورهای حوزه خلیج فارس تاکید کرد که سیاست آمریکا خودداری از فروش اسلحه به رژیم تهران است . واقعیت این سخنان زمانی بهتر قابل درک است که رسوایی اخیر فروش اسلحه از سوی آمریکا به جمهوری اسلامی که هر روز گوشه های جدیدی از آن آشکار میشود را در نظر بگیریم تا به عمق فریبکاری امپریالیسم آمریکا در لابوشانی نقش جنایتکارانه اش در جنگ ایران و عراق بهتر پی برده شود. مرفی در جریان سفرش به کشورهای حوزه خلیج فارس اعلام کرد که برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق اقدامات هماهنگ شده شورای امنیت سازمان ملل

متحد ضروری است .

حسین ماهر و معاون وزارت صنایع رژیم جمهوری اسلامی در دیدار از نمایندگانی بین المللی بازرگانی در شارجه طی یک کنفرانس مطبوعاتی گفت که " واحدهای صنعتی سازمان صنایع ملی به صاحبان قبلی اش که به قتل یا فساد متهم هستند پس داده نخواهد شد اما در به روی آنها شکیکها آنها نشان خفیف تر است ، بازار است و سیاست دولت آن است که دارائی این اشخاص به آنها بازگردانده شود . تاکنون ده واحد صنعتی به صاحبان قبلی اش بازگردانده شده است " این سخنان خود به گویاترین وجهی بوجهی تبلیغات مستضعف گرایی رژیم جمهوری اسلامی را به مثابه خدمتگزار سرمایه داری وابسته نشان میسازد .

بنا به نوشته روزی نامه های رژیم کمبود کاغذ بسیار شدید است بنحوی که قیمت یک دفترچه ۱۰۰ برگی به ۵۰ تومان نیز میرسد . این گرانی و کمبود علاوه بر آنکه نتیجه اختتامینش از ۲ بودجه مملکت به جنگ ویرانگر است بلکه نشان دهنده فشار زاید الوافی است که به خانواده ها وارد میشود .

کمال خرازی سرپرست ستاد تبلیغات جنگ رژیم جمهوری اسلامی گزارش روزنامه تایمز لندن را مبنی بر ملاقات محرمانه او و امیر سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان سعودی را تکذیب کرد .

او ضمن تلاش مذبحخانه ای گفت که این گزارشات برای تضعیف عزم جمهوری اسلامی در ادامه جنگ و لکه دار کردن رژیم درج شده است . در حالیکه سرپرستی و مزدوری سران رژیم جمهوری اسلامی و ملاقاتهای پنهانی آنان با دولتمردان امپریالیستی هر روز بیشتر آشکار میشود . اینگونه لایزسانی های مذبحخانه رژیم دیگر خریداری ندارد .

منظوری ابله در دیدار با مسئولین بنیاد ممکن به پرسنل سیاه و سفید و مسئولین زندانها و غیره بسته روان همیشه خود سخنانی ایراد کرد . او در این دیدار گفته است که مسئولین زندانها ، افراد خوش زبان ، خوش اخلاق و خوش برخورد و روانشناسی رادرامور مختلف مربوط به زندانها بگمارند تا عمل و گفتار و کردارشان زندانی را جلب کند . این اراجیف ریاکارانه در زمانی بر زبان رانده میشود که این رژیم دارو تیرباران ، در مدت

● براساس گزارشات موثق دریافتی در اواخر فروردین ماه، در جریان سیلهای اخیر در استانهای جنوبی کشور حداقل ۲۵۰۰۰ واحد مسکونی ویران شده و با آسیب دیده اند. و توده های محروم و ستمدیده بسیاری بی سرپناه ماندند.

● در حالیکه مشکل کمبود شیرخشک اطفال به صورت معضل لاینحلی برای خانواده های زحمتکش بخصوص در تهران کمکان ادامه دارد، طبق گزارشات دریافتی کارخانه غذایی کودک شادامین در تهران از مدت ها پیش بععلت عدم تامین مواد اولیه از سوی رژیم تولیدی نداشته است این وضعیت تا نیمه اول فروردین ماه نیز ادامه داشته است.

● برغم تمامی ادعاهای پوچ رژیم و برخلاف فریادهای واهی ضد امپریالیستی سردمداران آن مبنی بر عدم خرید سلاح از امپریالیستها روشن شده است که تمامی سلاحهای که رژیم ضد خلقی برای پیشبرد جنگ ارتجاعی ایران و عراق از دولت چین تهیه میکند راه دو برابر قیمت معمولی خریداری نمینماید. لازم به تذکر است که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی منجمله توسط سفیر مزدور در چین و دولت چین هر دو معاملات تسلیحاتی بین خود را تکذیب میکنند و این درحالی است که در سال گذشته چین یکی از بزرگترین تامین کنندگان سلاحهای مورد نیاز جمهوری اسلامی بوده است.

● همزمان با تدارکات همه جانبه و ضد مردمی ماشین جنگی جمهوری اسلامی برای شعله ور کردن آتش جنگ ارتجاعی ایران و عراق سردمداران رژیم فشارهای هرچه بیشتری را بر زندگی توده ها اعمال میکنند طبق گزارشات موثق دریافتی گذشته از اخاذیهای نقدی و غیر نقدی رنگارنگ ارگانها و نهادهای سرکوبگر جنگی رژیم از اقتضای زحمتکش، کمبود و گرانای بسیاری از کالاهای ضروری در سطح تهران بیداد میکند.

● بطور مثال قیمت یک پاکت سیگار تیر در تهران اخیرا به مرز ۴۰ تومان رسیده است و مدت ها است که کوبنهای مایون نیز اعلام نشده و کمبود مایحتاج عمومی برای خانواده ها به صورت مشکل بزرگی درآمده است.

● بمنظور تداوم جنگ خانه خراب کن امپریالیستی و به منظور قاشق آمدن بر بحران و خیم اقتصاد رژیم جمهوری اسلامی به اخاذی های هرچه وسیعتری از توده های

میشوند این اعترافات تنها گوشه ای از تلاشهای ضد خلقی این مزدوران را برای گرم نگه داشتن تنور جنگ ایران و عراق نشان میدهد. نمونه دیگری از تلاشهای رژیم ایجاد ارگانهای جدیدی بنام "کمیته هماهنگی تبلیغات جنگ برای انتقال فرهنگ جبهه ها به وزارتخانه ها" میباشد که وظیفه سرکوب مخالفتهای ضد جنگ و اعزام اجباری در وزارتخانه را به عهده دارد.

● رژیم مزدور خمینی که در قربانی کردن توده ها و جوانانی که بسزور اجبار روانه جبهه ها میسازد بسد طولانی دارد. بار دیگر با کربلایهای ۸ و ۹ فاجعه آفرید در همین رابطه خبرگزاری فرانسه اعلام کرده است که نیروهای جمهوری اسلامی در تهاجمات کربلایهای ۸ و ۹ در حدود ۱۴۵۰۰ نفر تلفات داشته است.

● روزنامه میامی هرالد چاپ آمریکا نوشته است که یک ماه قبل از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در ۱۹۸۰ دوتین از دستیاران ریگان با فرستادگان جمهوری اسلامی ملاقات داشته اند و این فرستادگان پیشنهاد کرده اند که رژیم مزدور خمینی حاضر است با صلح گروگانهای آمریکایی را به ریگان تحویل بدهد ضمنا همین روزنامه فاش ساخته است که رئیس جمهور مزدور رژیم در آن زمان یعنی بنی صدر گفته است که بهشتی و رفسنجانی با جناح ریگان مذاکره کرده اند و هدف از این مذاکرات موکول کردن آزادی گروگانها به زمان شروع ریاست جمهوری ریگان بوده است.

● میرحسین موسوی نخست وزیر در جلسه مشترک هیئت وزیران و استانداران اعلام کرده است که دولت کمک به مجروحین جنگی و مستضعفین را در اس برنامه های سال جاری خود قرار داده است در حالی این عوام فریبی صورت میگیرد که توده های ستمدیده مایحوی میدانند که حتی اینگونه ریاکارها دیگر رنگی ندارد.

● بنابه نوشته روزی نامه کیهان ۲۴ فروردین ماه رژیم مزدور خمینی میزان ۴۰٪ بر مالیات خدمات مخابراتی از قبیل تلفن و تلکس و تلگرام افزوده است. * بنوشته روزنامه نویه ساچر جایتونگ چاپ آلمان طبق قراردادی که بین سوریه و جمهوری اسلامی منعقد شده است رژیم خمینی تعهد کرده است که سالیانه یک میلیون تن نفت مجانی و ۵ میلیون تن نفت ارزان در اختیار سوریه بگذارد.

بیش از ۸ سال از کشتار و اعدام و شکنجه های وحشیانه انقلابیون و مبارزین لحظه ای کوتاهی نکرده و دستاویش تا آرنج به خون توده ها و جوانان آفشته است.

● بموازا تداوم جنگ امپریالیستی و تلاشهای مذبحخانه رژیم در ادامه جنگ فرار سربازان از پادگانها نیز شدت یافته است، بنحوی که در پادگان ولی عصر تهران به دستگیر شدگان مشمول لباس فرم نمیدهند و یکی از مزدوران دلایل آن را چنین توصیف کرده است، چون بعد از ۲ یا ۳ روز بسیاری از آنها فرار میکنند لاقبل لباسها را با خودشان نبرند و پادروخی، پادگان آموزشی این شهر به دلیل فرار گسترده سربازان، به پادگان فراریها، شهرت یافته است.

● منتظری در دیدار با وزیر کشور و معاونین آن و استانداران گفته است که "واردات محصول کشاورزی برای ایران اسلامی که خود زمانی صادرکننده این محصولات بود، عار و ننگ است" منتظری ایله با گفتن ایران اسلامی و این اعتراف اجباری سعی دارد که وابستگی رژیم به امپریالیسم را لایوشانی نماید، و گرنه روشن است که تا زمانی که جامعه ما تحت سلطه امپریالیسم بوده و رژیمهای مزدوری چون جمهوری اسلامی داشته باشد، نه تنها محصولات کشاورزی بلکه همه نیازهایش باید براساس واردات تامین شود و همه ادعاهای خود گفتنی پوچ و دروغ از کار در میآید.

● رفسنجانی مزدور در مصاحبهای که در کیهان هوائی به چاپ رسیده بطور ضمنی اقرار کرده است که هنوز بسیاری از اسرار روابط پنهانی رژیم جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل فاش نشده است و تلویحا به آمریکا گوشزد کرد که در حفظ اسرار روابط فیما بین بکوشد.

● معاون وزارت آموزش و پرورش رژیم جمهوری اسلامی اعتراف کرد که تعداد ۱۵۹ دستگاه مجتمع های آموزشی برای دانش آموزان در جبهه های جنگ و شهرهای پشت جبهه ایجاد شده است که هر سال در حدود ۴۰۰۰۰۰ دانش آموز تحت پوشش آن قرار میگیرند. وی همچنین افزود که در این مراکز دانش آموزان دبستانی نیز نگهداری

معاون امور مجلس و استانهای وزارت صنایع ۶۰۰۰ واحد تولیدی و صنعتی تحت پوشش وزارت صنایع، وابسته میباشد. این اعترافات در عین حال بیانگر ادعاهای پرچ باصلاح ضد امپریالیستی سردمداران رژیمم خودکفائی است. لازم به توضیح است که جمهوری اسلامی وابسته به امپریالیسم از بدو به قدرت رسیدن خود در زمینه اقتصادی نه تنها قراردادهای آسارتیاری امپریالیستی را لغو نکرده بلکه بنا به اعترافات گاه و بیگاه خود بر میزان وابستگی اش در زمینه اقتصادی به امپریالیستها نیز افزوده گشته است.

● رژیم مزدور خمینی دسیسه‌هایی را برای کارگران تدارک دیده است و در نظر دارد تا عده هرچه بیشتری از کارگران را در روز اول ماه مه به جبهه‌های مرگ و نیستی روانه سازد این رژیم ضد کارگری و مزدور امپریالیستها تا کنون نشان داده است که از هیچ جنایتی در حق کارگران و زحمتکشان فروگذاری نمیکند و اکنون نیز قصد دارد که با اعزام اجساری کارگران روزاول ماه مه را در خدمت جنگ امپریالیستی قرار دهد.

● ابروانی وزیر امور اقتصادی و دارایی رژیم فاش ساخت که در سال گذشته با اخذ مالیاتهای مستقیم از مردم ۱۲٪ کاهش مالیاتهای غیرمستقیم جبران شده است و بعلاوه در سال گذشته رژیم مبلغ یکپهلو بیست و چهار میلیارد ریال مالیات از مردم اخذ نموده است که نسبت به سال قبل از آن ۵۲٪ افزایش داشته است. این اعترافات بخوبی میزان فشار و تعدی‌های مالیاتی رژیم جمهوری اسلامی بمنظور سرکشی نمودن مخارج جنگ و بحران امپریالیستی بر دوش توده‌های زحمتکش را نشان میدهد.

● زنجانی وزیر برنامه و بودجه رژیم جمهوری اسلامی بمنظور شرکت در اجلاس اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوس آرام (اسکات) وابسته به سازمان ملل متحد به تایلند رفته است. این مزدور امپریالیستها به هنگام عزیمت گفته است که محور اصلی بحث اجلاس اسکات پیرامون استراتژی کلی توسعه بین المللی و تقسیم بین المللی کار خواهد بود. بدین ترتیب هر روز که میگذرد جانماز آب کشیدنهای ضد

نشوید و خطوط مختلفی را به سخنرانها و منابر و اجتماعات عمومی نکشاند و مردم را به اتحاد و هماهنگی دعوت نماید.

● خمینی جنایتکار این سگ زنجیری امپریالیسم طی سخنرانی مفصل خود در ۲۵/۱/۶۶ یکبار دیگر به قاطعیت رژیم خود بر تداوم جنگ امپریالیستی و قربانی کردن هر چه بیشتر توده‌های بیگناه در جبهه‌های این جنگ و در راه منافع اربابانش تاکید کرد. او با اشاره به اینکه جنگ بدر نیز در ماه رمضان واقع شده امکان هرگونه باصلاح آتش بس را در این ماه رد کرد. این سخن پرداز زیاده در تافیس تداوم جنگ ارتجاعی ایران و عراق، در حالی صورت گرفت که برخی از محافل و خبرگزاریها با حرارت مشغول نشر مطالبی دال بر تمایل برخی از سران جمهوری اسلامی به آتش بس و پایان جنگ با عراق بودند.

● منتظری ابله، طی ایراد اراجیفی، در جمع مزدوران اش با رد دیگر آنها را به اتحاد و هماهنگی دعوت کرد و در سخنانش پرده از اختلافات بسیاری که در موارد گوناگون آنها را به جان یکدیگر انداخته، برداشت و در این رابطه حتی به دسته بندی‌هایی در دفتر و خانه خود نیز اشاره کرد و گفت که تنها به کار افرادی با تفکرات خاص رسیدگی میکنند. منتظری ابله از مزدوران اش خواست که خانه اش را مرکز حب و بغضها و خطوط افکار مختلف قرار ندهند و اضافه کرد هیچکس حق ندارد در خانه اش پیرامون اشخاص و مسئولین و علما و بزرگان صحبت کند و از آنها انتقاد کند. این سخنان که بروشنی بر وجود اختلافات عمیق و گسترده‌ای در بین سردمداران جنایتکار رژیم تاکید میکنند، در عین حال بیانگر تازه‌ترین گوش مذبحخانه این سگان زنجیری در تخفیف و لاپوشانی تضادهای اوج یافته جناحهای مختلف حاکمیت است.

● علیرغم ادعاهای پرچ سردمداران دروغپرداز جمهوری اسلامی مبنی بر اصرار و میداننداری رژیم بر افزایش قیمت نفت و کاهش تولید آن در اوپک، بر اساس گزارشهای رسیده جمهوری اسلامی نفت خود را در بازارهای جهانی به حراج گذاشته و آن را با دهها درصد تخفیف نسبت به قیمت رسمی اعلام شده از طرف اوپک به فروش میرساند.

● بر طبق اعترافات صریح ذاکر

زحمتکش با لفافه باصلاح مالیات دست زده است؛ دامنه این اخذیه‌ها از حق استفاده از آسفالت برای انواع وسائل نقلیه عمومی و اتومبیلهای سواری و اتومبیلهای بیابانی گرفته تا صفحات گرامافون نیز گسترده شده است. در همین رابطه مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال نیز به بهانه نقل و انتقال امتیاز تلفن برای شکم سیری ناپذیری سردمداران حاکم در نظر گرفته شده است.

● طی سال گذشته ۲۰۰۰۰ تن از معلمان و دانش آموزان سراسر مملکت توسط آموزش و پرورش به جبهه‌های جنگ امپریالیستی روانه شده‌اند. گذشته از اعزام معلمان و دانش آموزان بیگناه و سلاخی بسیاری از آنها در راه منافع جنگ ارتجاعی، یک میلیارد و ۴۵۰ هزار ریال وجه نقد توسط این نهاد ضد خلقی از فرهنگیان و دانش آموزان اخذ و صرف تغذیه ماشین جنگی جمهوری اسلامی گشته است و این وجه نقد جدا از ۷۰۰ کامیون ارزاق اخذ شده از این قشر زحمتکش توسط سردمداران دزد و راهزن رژیم برای شعله ورتر کردن آتش جنگ ویرانگر جاری بوده است.

● بمدت کوتاهی پس از تصاحب شدن دهها هزار تن دیگر از توده‌های بیگناه کشورمان در مسلخ‌های جنگ امپریالیستی ایران و عراق در عملیات‌های کربلای ۸ و ۹، با رد دیگر وزارت ضد خلقی آموزش و پرورش طی صدور بیانیه‌ای از کلیه فرهنگیان و دانش آموزان خواست که با زهم بمنوان گوشت دم توب جنگ ارتجاعی بمنوان بسیجی به سپاه باصلاح صاحب الزمان وارد شوند. این اطلاعیه ارتجاعی حتی فرهنگیان و دانش آموزانی که قبلاً به جبهه‌ها رفته اند را نیز در برمیگیرد.

● با حدت یابی و گسترش روزافزون تضادهای دولتمردان سرسپرده جمهوری اسلامی، بار دیگر منتظری ابله لبه سخن گشوده و رهنمودهای ضد خلقی ای مبنی بر حفظ و تداوم وحدت در بین سردمداران مزدور رژیم صادر کرد. او در قسمتی از افاضات ضد خلقی اش خطاب به جیره خواران وابسته رژیم مطرح کرد که: مواظب باشید هر جا کسه میروید به تمصبات و اختلافات دامن زنید تحت تاثیر جریان خاصی واقع

امپریالیستی رژیم وابسته خمینی بیشتر فاش و رسوا میگردد.

● براساس گزارش کمیسیون تاووفناش شده است که رژیم جمهوری اسلامی در طی خریدهای تسلیحاتی از اسرائیل تعداد ۸۰۵ عدد موشک ضد تانک تاو را به ۴ برابر قیمت خریداری کرده و در این مورد مبلغ ۶/۵ میلیون دلار پرداخته است در حالیکه خود اسرائیل این موشکها را به قیمت یک میلیون و ۷۰۰ هزار دلار از آمریکا تهیه نموده است بدین ترتیب آشکار میشود که این رژیم وابسته با تداوم جنگ امپریالیستی ایران و عراق چگونه به اربابان امپریالیستها و دولت اسرائیل خوش خدمتی مینماید.

● وزیر نفت سوریه هنگام ورود به تهران گفته است که هدف از این دیدار تجدید موافقتنامه نفتی سال ۱۹۸۲ بین سوریه و رژیم جمهوری اسلامی است بموجب این قرارداد رژیم خمینی متعهد شده است که سالیانه یک میلیون تن نفت مجانی در ازای خرید ۵ میلیون تن نفت ارزان از جانب سوریه به آن کشور تحویل نماید تا به قیمت غارت خلقهای ما بحران رژیم مزدور سوریه تخفیف یابد.

● رژیم ضد خلقی و ضد کارگری جمهوری اسلامی بیشتر مانع اعلام کرده است به مناسبت روز جهانی کارگر در نیمه اول اردیبهشت ماه ۶۰ گردان از نیروهای بسیج کارگری و کارمندی را در قالب سپاه ضد خلقی با اصطلاح صاحب الزمان به جبهه های مرگ و جنایت روانه خواهد ساخت. رژیم وابسته حاکم که هیچ فرصتی را برای تعرض و فشار بر خلقهای تحت ستم و بخصوص کارگران زحمتکش ما از دست نمیدهد در نظر دارد که بسیاری دیگر از کارگران زحمتکش را قربانی منافع جنگ افروزانه خود و اربابان امپریالیستش سازد.

● اخیرا ستاد کل فرماندهی سپاه پاسداران مزدور امپریالیسم اقدام به ایجاد دانشگاهی موسوم به امام حسین کرده که بنا به ادعای رژیم در زمینه های عمرانی و برق و مکانیک دارای رشته هایی است و مستقیما توسط این ستاد ضد خلقی اداره میشود بدون شک برخلاف ادعاهای بوج سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی چنین اقداماتی مطمئنا در جهت رشد و تقویت هر چه

بیشتر نفوذ ماشین سرکوب رژیم در آموزش و پرورش و بسط هر چه بیشتر کنترل پلیسی بر روی توده های دانشجوی و دانش آموز میباشد.

● همزمان با تدارک جنگ امپریالیستی ایران و عراق و غارت و چپاول و کشتار بیرحمانه خلقهای دو کشور امپریالیستها همچنان سوده های هر چه گزاف تری از بابت تداوم و گسترش این جنگ ضد خلقی به جیب میزنند. در همین رابطه مقامات امپریالیسم زاپین که از طرفهای تجارتي و ذینفع در غارت و چپاول توده های ستمدیده ملت طی دیداری با سفیر ایران در توکیو با بیشتر می هر چه تمامتر اظهار امیدواری کرده اند که جنگ مانع گسترش روابط فیما بین امپریالیسم زاپین و رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی نگردد.

● بنابه آخرین گزارشات دریافتی شمار مردم بیگناهی که در جریان هجوم موسوم به فتح ۵ در روستای کهریزه واقع در نوار مرزی کردستان ایران و عراق، مورد گلوله ساران وحشیانه توب و خمپاره قرار گرفتند به بیش از ۵۰ کشته و صدها مجروح رسیده است. رژیم ضد خلقی که با هیاهوی فراوان و با زدن ماسک فدا امپریالیستی دائمیه حمایت از ستمگین و مردم با اصطلاح مسلمان کرد عراق را دارد، با این عمل ضد مردمی در سطح منطقه هر چه بیشتر افشاء شده و ماهیت پلیس و وابسته خود را بخوبی بنمایش گذارد.

● با گسترش آتش جنگ خانه غراب کن ایران و عراق اخیرا دولت عراق اعلام نموده که ایران از سلاحهای شیمیایی در جبهه بصره استفاده کرده است. در همین رابطه قرار است هیئتی از کارشناسان سلاحهای شیمیایی به منطقه مزبور سفر کنند و در این مورد تحقیق کنند. لازم به یاد آوری است که دولت ضد خلقی جمهوری اسلامی نیز اعلام کرده است که عراق از سلاحهای شیمیایی در جبهه ها استفاده کرده است اما آنچه که در این جنگ تردید ناپذیر است کشتار و قربانی شدن توده ها و جوانان دو کشور میباشد.

● دولت آمریکا سرانجام آشکارا فروش چند کامپیوتر بزرگ به ارزش ۹۰۰۰۰۰ دلار به جمهوری اسلامی را تصویب کرده. این اقدام پس از مدت ها کشمکش جناحهای مختلف امپریالیستی در این کشور مبنی بر فروش و یا عدم فروش

این کامپیوترها به رژیم جمهوری اسلامی صورت گرفت. لازم به تذکر است که تا زمان انتشار این خبر رژیم ضد خلقی ایران هیچ صحبتی در رابطه با انجام این معامله با آمریکا نکرده است.

● در هلند فاش شده است که یک شرکت بازرگانی آن کشور بطور غیر قانونی و برخلاف مقررات هلند به رژیم جمهوری اسلامی باروت فروخته است. این شرکت در چهار راینج نوبست و هربار بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ تن باروت از طریق یوگسلاوی برای جمهوری اسلامی ارسال داشته است. این موضوع بخوبی نشان میدهد که چگونه انحصارات و دول امپریالیستی علیرغم قوانین ظاهری با فروش انواع و اقسام وسایل و تدارکات جنگی به رژیم مزدور خمینی در تداوم جنگ امپریالیستی ایران و عراق میکوشند.

● با تداوم جنگ ویرانگر ایران و عراق علاوه بر کشتار و قربانی نمودن توده ها و جوانان دو کشور در جبهه ها تخریب موسسات اقتصادی و نفتی و حمله به کشتی ها و نفتکشها نیز همچنان ادامه دارد. بنابه گزارش خبرگزاریها دولت عراق اعلام کرده است که حوزه های نفتی و تأسیسات اقتصادی ایران را بمباران نموده است و همچنین فرمانده نیروی هوایی آن کشور گفته است که این بمبارانها ادامه خواهد یافت.

● بدنبال اظهارات گوناگون مقامات آمریکایی اخیرا یکی از سخنگویان وزارت امور خارجه آمریکا بنام چارلز رومن فاش ساخت که در طی سال گذشته ملاقات هایی بین نمایندگان آمریکا و سازمان مجاهدین خلق صورت گرفته است در پی این موضوع ریچارد مورفی نیز اظهار داشت که اخیرا نیز تماسهایی با سازمان مذکور گرفته شده است.

● بنابه نوشته کیهان ۳۱ فروردین حسین کمالی نماینده مجلس فاش ساخت که رژیم مزدور و ضد کارگری جمهوری اسلامی تا پایان سال ۶۵ حدود ۷۵۰۰۰۰ نفر از کارگران میهنمان را از کار اخراج کرده است. وی این سخنان را در سمینار سراسری با اصطلاح شورا های اسلامی کار بر زبان رانده است. این اعترافات گوشه ای از اقدامات ارتجاعی و ضد کارگری رژیم خمینی علیه کارگران و زحمتکشان بمنظور تخفیف بحران امپریالیستی دامنگیر رژیم

جنگ امپریالیستی ایران و عراق و تدارک امکانات آن، به هرتوطنه و وسیله‌ای دست می‌زند. اخیراً اعلام شده است که برای ادامه محصل دانشجویان طرح دانشگاه در صیقل دهم اردیبهشت ماه جاری در دانشگاه جرمان اهواز به اجرا در می‌آید. رژیم جمهوری اسلامی پس از ایجاد جمعهای دانش‌آموزی در حبه‌ها و پشت‌جبهه‌ها اکنون توطئه دانشگاه در جبهه‌راپیش کشیده است.

● بهزاد نبوی مزدور در گفتگوشی فاش ساخته است که: "در بعضی صادرات غیر نفتی به ترکیه که یکی از موارد توافق بالغ بر ۵۰۰ میلیون دلار بود به جرات میتوان گفت که یک درصد مبلغ تفاهم شده اجرائ شده است. اعتراف این مزدور به روشنی پوچی تبلیغات رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی مبنی بر خودکفائی و باصطلاح گسترش صادرات غیرنفتی را آشکار می‌سازد.

● درحالیکه بیش از یک قرن از پیدایش اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) و تثبیت این روز بعنوان روز جهانی کارگر میگذرد و کارگران سراسر جهان در اشکال و سطوح متفاوت هر سال این روز را جشن میگیرند. میرحسن موسوی نخست‌وزیر رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی بهشرفانه مدعی شده که امسال اولین سالگرد این روز برای کارگران میهن ماست و بدین ترتیب این مزدور علاوه بر آنکه جنبه‌های تاریخی و مبارزاتی این روز را مخدوش می‌سازد، چنین وانمود میکند که گویا جمهوری اسلامی این روز را برای کارگران مقرر کرده است.

● محتشی مزدور وزیر کشور رژیم جمهوری اسلامی در یک مصاحبه رادیویی و تلویزیونی گفته است که "با بدعجایی فحشاء و منکرات با شدت برخورد خواهد شد". رژیم مزدور حمسی که در اعمال هرگونه فتنار و سرکوب علیه آرادسپای فردی و اجتماعی زنان میهنان لطفه‌ای خودداری نکرده است بازهم از زبان وزیر کشور بر این سیاست با تپانه "مبارزه با فحشاء و منکرات" تاکید گذارد. درحالیکه مردم ما بدرستی میدانند که سردمداران دزد و فاسد جمهوری اسلامی برخلاف ادعاهایشان فرق در فساد و فحشاء اند.

● رژیم مزدور خمینی بمنظور روزانه ۲۰۰۰۰

سال قبل از ماجرای ایران کیت سرگرم فروش اسلحه به رژیم جمهوری اسلامی بوده است و این موضوع با آگاهی و تصویب سازمان CIA و اداره آگاهی داخلی آمریکا F.B.I. جریان داشته است همانطور که ما بارها گفته‌ایم هرروز که میگذرد حوانب بیشتر از روابط پنهانی و وابستگی رژیم جمهوری اسلامی به امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا آشکار میشود.

● یک خبرنگار آمریکائی که اخیراً از جبهه‌های جنگ امپریالیستی ایران و عراق دیدن کرده است در طی گزارشی که در روزنامه واشنگتن پست درج نموده اظهار داشته است که نارنجکها و گلوله‌های توپ آمریکائی به فراوانی در جبهه و پشت‌جبهه به چشم میخورند است. اما رژیم وابسته جمهوری اسلامی علیرغم پیشبرد سیاستهای امپریالیسم آمریکا و خدمت عملی به آن با پروتشی تمام شعارهای باصطلاح ضد امریکائی سر میدهد.

● درپی دیدار وزیر نفت سوریه با دولت جمهوری اسلامی توافق شده است که بازهم رژیم یک میلیون بشکله نفت مجانی با ارزش ۱۲ میلیون دلاریه رژیم وابسته به امپریالیسم سوریه بمنظور رفع بحرانهایش باج بدهد. در حالی این حاتم بخشی صورت میگیرد که کمبود و گرانی مواد سوختی توده‌ها را به تنگ آورده است.

● سرحدی زاده وزیر کار جمهوری اسلامی در سمینار مدیران کل وزارت کار اعلام نمود که کارگران برای شرکت در لشکر صاحب‌الزمان فراخوانده میشوند. رژیم مزدور خمینی و وزیر کارش با تبلیغات و توطئه چینی درپی آنند که کارگران را برای گمیل به جبهه‌های جنگ بویژه به بیانه روز جهانی کارگر تحت فشار بگذارند. تا بازهم کارگران بیشتری را قربانی اهداف امپریالیستها و جنگ ارتجاعي سازند. ● واحد بسیج سپاه پاسداران وابسته به امپریالیسم در اطلاعیه‌ای باصطلاح داوطلبان حضور در جبهه‌ها خواست تابه مراکز بسیج مستقر در مساجد، ادارات، کارخانجات، دانشگاهها و مدارس مراجعه کنند. اما مدتهاست که توده‌های مسا دیگر معنی باصطلاح داوطلب رادقاموس رژیم جمهوری اسلامی دریافته‌اند. و هرروزه شکار جوانان و اعزام اجباری توده‌ها به مسلخ‌های جنگ را بچشم خود میبینند.

● رژیم مزدور خمینی بمنظور تداوم

را نشان میدهد.

● رژیم مزدور خمینی که همچنان درتداوم جنگ امپریالیستی ایران و عراق میکوشد دست‌بنمایش مسخره دیگری زده است و دانش‌آموزان دختر کشانده است تا باصطلاح یشتبانیسی فاطع از سیهان صاحب‌الزمان رابه نمایش بگذارد. این رژیم مزدور که بقول خودش ۶۰٪ نیروهایش در جبهه‌ها را دانش‌آموزان یعنی گوشت دم توپ تشکیل میدهند برای اجرای مراسم نمایشی اش نیز چاره‌ای جز بسیج اجباری دانش‌آموزان ندارد.

● درگزارش تحقیقی موسسه رند امریکائی پیرامون اوضاع سیاسی ایران که در روزنامه واشنگتن تایمز به چاپ رسیده آمده است که "دستگاه روحانیت حاکمه ایران ثابت کرده است که بیشتر از خانواده پهلوی میتواند زیر فشار دوام بیاورد". این گفته علیرغم اهداف امپریالیستی آن بخوبی گوشه‌ای از واقعیت وجودی و عملکرد رژیم مزدور جمهوری اسلامی که در شرایط بحرانی کنونی برای امپریالیسم امریکائی اجزای وظیفه میکند را آشکار می‌سازد. ● بدنیاال نمایش فیلمی طنز آمیز در تلویزیون استرالیا درباره خمینی وزارت خارجه رژیم به سفیر استرالیا اعتراض کرده است. دولت آن کشور ضمن اظهار تاسف گفته است که مسئول پخش برنامه‌های تلویزیونی نمیباشد. بی‌آبرویی و رسوائی رژیم در افکار عمومی جهان محدودی است که با اینگونه تلاشهای مذبحخانه درمان نمی‌پذیرد.

● بلندگوهای تبلیغاتی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بازهم از ته‌اجمی جدید خبر دادند رژیم جمهوری اسلامی با لاف و گسراف از عملیات کربلای ۱۰ درسه محور سردشت بانه و مریوان در نوار مرزی کردستان ایران و عراق و باصطلاح پیروزیهای آن دم زده است. اما ذکر برخی اسامی ارتفاعات و روستاها از جانب جمهوری اسلامی که ادعای تصرف آنها را دارد به خوبی پوچی تبلیغاتی را نشان میدهد. ضمناً دولت عراق نیز مدعی است که این تهاجمات را پس‌رانده است.

● طی مقاله‌ای که دهفته‌نامه‌ای امریکائی بچاپ رسیده آمده است که امریکائی

داده و میگویند که شما اینها را برای فدائیانقلاب میبرید . پاسداران جنایتکار در ادامه بهانه جوشهای ضد مردمی خود چوبانهای دستگیرنده را بسا خودشان به روستا برمیگردانند تا سه پایگاه سرکوب و جنایت خود ببرند . اهالی روستا که متوجه این توطئه میگردند ، متحداً دست به اعتراض زده و مزدوران رژیم را مجبور میکنند که چوبانها را آزاد سازند . در جریان این اعتراض دسته جمعی ، پاسداران برای متفرق کردن اهالی به تیراندازی هوائی متوسل میشوند .

● روز ۶۶/۱/۱۲ پاسداران به روستای بیهنکوبین مهاباد آمده و از اهالی روستا میخواهند که مواد غذایی آنها از قمیل نان ، قند ، چای و روغن را تامین کنند . اما مردم روستا در مقابل این خواست سرکوبگران خلق کرده مقاومت کرده و چیزی به آنها نمیدهند و پاسداران دست از پا درازتر به پایگاه خود باز میگردند . اما بعد از چند ساعتی دوباره به روستا آمده و میگویند که فدائیانقلاب در این روستاست ، وحشیانه زن و بچهها را از خانه هایشان بیرون کرده و خانهها را مورد بازرسی قرار میدهند . در جریان این باصلاح بازرسی برای دستگیری پیشمرگان خلق کسرد ، پاسداران جنایتکار قند و چای و روغن اهالی را غارت نموده و با خود میبرند .

سنندج

● مزدوران جمهوری اسلامی به قصد دستگیری مسئولین و فراریان جنبه های جنگ اقدامات سرکوبگرانه خود در شهر سنندج را تشدید نموده و هراز چندگاهی محله های مختلف شهر را مورد بازرسی قرار داده و به دستگیری حواس می بردارند .

— روز دهم اردیبهشت ماه اهالی روستای ملوآب آباد از نواح سنندج در اعتراض به قطع آب آشامیدنی روستای خود تظاهراتی در خیابانهای سنندج برپا نمودند . در جریان این حرکت نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به تظاهراتکنندگان حمله نموده و با آنها درگیر میشوند .

مردم و جوانان مشمول روبرو شدند . این مقاومتها در اشکال گوناگونی نظیر تجمع مردم و شمار دادن و کمک به فرار جوانان و یا خبر دادن و مخفی کردن جوانان و حتی خلع سلاح مزدوران و درگیری با آنان بروز کرده است . اکثر جوانان با کمک و همیاری مردم موفق به فرار از چنگ مزدوران گشتند و عده ای از دستگیر شدگان نیز از مراکز آموزشی رژیم در پادگانهای ارتش یا پادگانهای زندانمیری گریختند . در نتیجه مقاومت اهالی در مقابل سر بازگیری اجباری یار دیگر پیروزه مزدوران جمهوری اسلامی را بخاکمالید .

سقز

● در پی تضيقات و فشارهای گوناگونی که از طرف رژیم خمینی مزدور بر مردم کردستان وارد میشود ، اخیراً مزدوران رژیم ، گازوئیل مورد نیاز کشاورزان را سهمیه بندی کرده و بدین ترتیب آنان را در مضیقه قرار داده اند . کشاورزان مبارز بارها به فرمانداری سقز مراجعه کرده و خواستار لغو سهمیه بندی فوق شده اند .

مهاباد

● پاسداران و جاشهای مزدور بسا روستاهای لاج و کوفان از توابع منگوران بیورش برده و از اهالی خواسته اند تا روستاهای خود را ترک نمایند . اما با مقاومت شدید و یکپارچه اهالی این روستاها روبرو گردیدند . مزدوران این اقدام ارتجاعی خود را بهانه حمایت مردم از پیشمرگان خلق کرد ذکر کرده اند .

● اخیراً اخاذی به بهانه اعزام به جبهه ها در روستاهای مهاباد گسترش شدیدی یافته است و مسئولین دزد و فاسد جمهوری اسلامی از یکطرف بسا انحاء گوناگون جوانان را برای اعزام به جبهه ها دستگیر می نمایند از طرف دیگر با گرفتن حدود ۵۰۰۰ تومان از مسئولین دستگیر شده آنها را آزاد میسازند .

● در تاریخ ۶۶/۱/۱۲ در روستای بیهنکوبین مهاباد پاسداران ضد خلقی ، چوبانهای را که احشام اهالی را به کوه میبردند دستگیر کرده و مختصر نان و قند و جای آنها را بهانه قرار

بشکه نفت را به قیمتی کمتر از میزان مقر شده بوسیله او یک به رژیم وابسته به امپریالیسم پاکستان میفروشد . این موضوع از طرف وزیر مشاور در امور منابع طبیعی و نفتی پاکستان فاش شده است . وی همچنین گفته است که پاکستان در ازای آن چند نوع کالا به ایران مادر میکند . بدین ترتیب دروغو کوشیهای رژیم وابسته بسا امپریالیسم جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه با اصلاح استکبار جهانی بسا ارزان نمودن نفت در او یک با جمهوری اسلامی دشمنی میورزیده اند ، برملا میشود .



● رژیم مزدور جمهوری اسلامی بمنظور تامین نیروی مورد نیاز جبهه های جنگ امپریالیستی ایران و عراق ، سر بازگیری اجباری در کردستان را شدت بخشیده است . سپاه پاسداران و جاشها و زندانرها و پاسبانها در اغلب شهرها و روستاهای کردستان موجی از دستگیریهای خیابانی و خانه گردی و هجوم بسا روستاها برآه انداخته اند تا جوانان مشمول و فراری را دستگیر و روانه جبهه های مرگ ونیستی سازند .

● ایادی مزدور رژیم در سنندج ونقه با بستن جاده ها و محله ها و بیورش به منازل مردم اقدام به دستگیری جوانان نموده اند . در همان حال سرکوبگران جمهوری اسلامی در روستاهای بسا دهگلان - کامیاران و در منطقه سامران به روستاهای کرچکه جرمه ، باین چون و گزان و در منطقه سرشیو مریوان به روستاهای ذله ، کومار و ماسیر و حشبانه بیورش بردند اما برخلاف انتظار نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی آنها در همه جا چه شهرها و چه روستاها با مقاومت و پایداری توده های

زند باد خلق رزمنده کرد که برای آزادی می جنگد!

و زیستی در این موقعیت دشوار در احضار روستائیان آواره قرار نداده است . لازم به تذکر میباشد که مردم این روستاها همواره در برابر سیاست کوج اجباری رژیم ضد خلقی مقاومت ورزیده بوده اند .

● طبق اخبار رسیده با وجود اینکه سربازان لشکر ۲۳ نیروی مخصوص که در منطقه نالاس در مسیر جاده سردشت پیرانشهر مستقرند مدت خدمتشان پایان یافته ، اما فرماندهان ضد خلقی آنها را رها نکرده و به آنها گفته اند که هر سرباز تا ۳ هزار تومان ندهد اجازه خروج از پایگاه را ندارد .

● در تاریخ ۶۶/۱/۱۱ در پست بازرسی امیرآباد سردشت هنگامی که مزدوران قصد تفتیش بدنی زنان را داشتند با اعتراض آنان مواجه شده و یک زن مبارز با کفش خود به سروصورت مزدوران میزند . مزدوران رژیم زن فوق را دستگیر کرده و به سردشت می برند .

دیواندره

● روز سوم اردیبهشت ماه مزدوران رژیم وابسته به امیرالایم جمهوری اسلامی به روستای احمد کر از توابع دیواندره رفته و پس از جمع کردن مردم در مسجد روستا از آنان میخواهند که زمینهای ارباب ده را که چند سال پیش صادرة نموده و تاکنون به کشت و زرم آن مشغولند را به ارباب باز پس دهند . روستائیان زحمتکش در مقابل این خواست ارتجاعی جمهوری اسلامی ، اعلام می نمایند که حاضر نیستند زمینهای خود را به ارباب بدهند مزدوران برای ترساندن اهالی به آنان میگویند که حق کشت زمین را نداشته و نباید زمینهای خود را شخم بزنند . این اظهار مردورانباعت خشم شدید روستائیان گردیده تا آنجا که اهالی روستا به مزدوران جمهوری اسلامی حمله می نمایند . سروهای سرکوبگر رژیم برای سرکوب حمله کنندگان و نجات جان خود اقدام به تیراندازی هوایی می نمایند اما چون از این کار نتیجه ای نمیگیرند

جمهوری اسلامی بسوی آنها تیراندازی نموده و در نتیجه فردی بنام ابوبکر کشته و بقیه کاروانچی ها متفرق میشوند . پس از این اقدام جنایتکارانه جاشهای خود فروخته با برداشتن موجودی کاروانچی کشته شده روستا را ترک می نمایند .

مریوان

● چندی پیش مردم مریوان که از عدم تحویل سهمیه روغن خود به تنگ آمده بودند به مرکز توزیع خواربار پیرانشهر مریوان مراجعه کرده و خواستار تحویل سهمیه خود میشوند که با جواب سربلای مزدوران رژیم مواجه میگرددند . دولت ضد خلقی موسوی که ارزاق عمومی را به انحصار خود در آورده است با پخش این مواد در بازارهای آزاد و ایجاد بازار سیاه و در نتیجه فروش آنها به چند برابر قیمت به غارت زحمتکشانشان شدت هرچه بیشتری بخشیده و جیبهای کثاد خود را پرتر می نماید .

● آوارگان جنگی شهر مریوان با اعتراض و مبارزه یکپارچه خود موفق گردیدند که مبلغی را بعنوان حقوق جنگ زدگی از جمهوری اسلامی دریافت نمایند .

سردشت

● در اواسط اردیبهشت ماه سروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی چندین بار روستای سونه را بمباره بباران نمودند ، مزدوران جمهوری اسلامی در هفته اخیر تلاشهای جدیدی در جهت پیشروی در منطقه نشان داده و قصد استقرار پایگاههای دیگری در منطقه را داشتند .

● در پی شدت یابی جنگ ویرانگر ایران و عراق در نوار مرزی کردستان دو کشور سردم روستاهای آن ، در منطقه سردشت اجبارا خانه و کاشانه خود را رها ساخته و آواره شده اند . مردم این روستاها به شهرها و مناطق اطراف روی آورده اند . رژیم مزدور جمهوری اسلامی که همه امکانات کشور را در خدمت جنگ امیرالیستی قرار داده است ، هیچگونه امکانات رفاهی

● رژیم مزدور حدود ۵۰ نفر از نوجوانان و بیمردان بیمار قروه را تحت عنوان لشکریان صاحب الزمان به سنندج آورد و بهمراه پاسداران مزدور و جاشهای خود فروخته آنها را به رژه واداشت و با چارو و جبال از اهالی مبارز شهر سنندج خواست تا به ایسن نمایش مسخره آمده و با صلاح لشکریان صاحب الزمان را بدرقه نمایند . اما علیرغم تمامی تبلیغات و جوخفقان حاکم و اقداماتی نظیر قرق کردن خیابانها و گماردن افراد مسلح بربام خانه ها ، این نمایش با تمسخر و بی اعتنائی مردم مبارز سنندج روبرو گشت .

قروه

● بعلت جاری شدن سیل در شهرستان قروه ، دهها خانه مسکونی ویران گشت ، برای نمونه در روستاهای کهریزک و مهرباب بیش از ۶۰ خانه بکلی ویران شده و ۶ تن گشته شدند در ضمن دهها دام اهالی تلف گشته و خسارات سنگینی به روستائیان وارد آمد اما جمهوری اسلامی تاکنون حتی از اعلام این خبر نیز خودداری نموده .

پیرانشهر

● اخیرا آموزش و پرورش پیرانشهر تلاشهای مذبحانه ای در جهت بسیج دانش آموزان و اعزام آنها به جبهه های مرگ و نیستی نموده که با مقاومت دانش آموزان این تلاشهای ارتجاعی با شکست مواجه گردیده است . آموزش و پرورش پیرانشهر با گذاشتن جلسات گوناگون دانش آموزان را تشویق به رفتن به جبهه مینماید .

● در تاریخ ۲۳ اردیبهشت عده ای از جاشهای منطقه مری مرگان به روستای "خرپا" از توابع پیرانشهر رفته و راه را بر کاروانچیان می بندند . با رسیدن یک دسته کاروانچی ، مزدوران

پیش بسوی ایجاد فرماندهی مشترک
در جنبش خلق کرد!

علیه انتخابات سفیدپوستان ، از طرف پلیس مزدور این کشور به محاصره کامل در آمد .

لازم به تذکر است که دولتست نژاد پرست افریقای جنوبی ظلمت هفته‌های اخیر بسیاری از تظاهرات و اعتصابات کارگران سیاهپوست را بخاک و خون کشیده است .

● بدنیال توافقات سازمانهای مختلف جنبش خلق فلسطین مبنی بر محدود کردن رابطه سافیا دولت مصر ، این دولت طرف چند روز اخیر تمام دفاتر نمایندگی و ادارات سازمان آزادیبخش فلسطین در قاهره را بعنوان واکنشی در مقابل این تصمیم ، تعطیل کرد . سخنگوی الفتح از این اقدام دولت مصر بر علیه ملت فلسطین با تاسف یاد کرده است .

● اخیرا حرکتهای مسلحانه مبارزان کرد ترکیه بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم این کشور فزونی گرفته است بنابه اخبار منتشر شده طرف چند روز اخیر طی یک درگیری مسلحانه مبارزان کرد ترکیه در روستائی واقع در شرق این کشور ۲ تن از عوامل رژیم فدخلقی ترکیه را بهلاکت رسانده و خود هیچگونه آسیبی ندیده‌اند . در همین حال طی یک برخورد مسلحانه دیگر بین مبارزان کرد و ارتش سرکوبگر ترکیه به ادعای مقامات امنیتی این کشور ۳ تن از مبارزان کرد که به تفنگ و نارنجک مسلح بوده‌اند توسط ارتش فدخلقی در شرق ترکیه کشته شده‌اند .

● دولت مزدور اسرائیل اعلام نموده است که اولین گزارش مربوط به فروش اسلحه به رژیم جمهوری اسلامی را به کمیسیون فرعی سنای امریکا تسلیم کرده و از اعضای کمیسیون قول گرفته است که مطالب مندرج در این گزارش محفوظ بماند و در شرایط دیگری از آن استفاده نگردد . اینگونه تاکیدات و محکم کاری اهمیت جریانات پشت -

برده و رابطه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را برای اسرائیل و امریکا بخوبی نشان میدهد .

● بنا به گزارش مطبوعات خارجی شرکت جنرال موتورز بزودی عتکارخانه خود را در امریکا و کانادا تعطیل خواهد کرد که در نتیجه آن بیش از ۲۱ هزار کارگر بیکار خواهند شد . همچنین گزارش شده است که ۵ شرکت بزرگ صنایع ذوب فلزات و این تاسال ۱۹۹۵ به تعطیلی کشیده خواهند شد و

آنهاست و دهقانان منطقه باید با هوشیاری کامل بر علیه این توطئه مقاومت نموده و نقشه‌های جمهوری اسلامی را نقش بر آب سازند .

ارومیه

● پاسداران فدخلقی و جاشهای خود فروخته به بهانه سخنرانی ، اهالی روستای ارزن مرگه‌ور را جمع کرده و در حین سخنرانی ، جاشها و پاسداران اهالی را محاصره و به منازل آنها یورش برده و به غارت و چپاول اموال مردم دست زدند . این جنایتکاران در یکی از منازل قصد تجاوز به دختری را داشتند که با دفاع و مقابله پدر دختر روبرو میشوند . در این ماجرا مزدوران و پدر زحمتکش را بشدت مضروب میسازند .



● در حالیکه دست دولت فدخلقی اسرائیل در فروش و مدور سلاهای نظامی و روابط پنهانی امپریالیستها با جمهوری اسلامی ، بیش از پیش رو شده است این دولت حاضر به افشای چگونگی و جزئیات مالی این معاملات و روابط نگردیده است بنابه گزارشات منتشر شده دولت اسرائیل تنها با گذاردن شروطی مبنی بر عدم افشای این مدارک در افکار عمومی و عدم تعقیباتبع خود در این ماجرا حاضر به افشای بخشی از این مدارک است .

● در حالیکه دولت شوروی همچنان یکی از تامین کنندگان عمده جنگ افزارهای مرگباری است که در جنگ امپریالیستی ایران و عراق بر علیه خلقهای این دو کشور بکار گرفته میشود اخیرا مقامات بلندیایه شوروی اعلام کرده‌اند که در راه باصلاح قطع این جنگ و مذاکره بین جمهوری اسلامی و عراق اقدام خواهند کرد .

● دفتر اتحادیه کارگری سیاهپوستان در افریقای جنوبی در آستانه دعوت از کارگران برای راهپیمائی و اعتصاب

از پایگاه مستقر در روستا تقاضای کمک می نمایند ؛ افراد مستقر در پایگاه از ترس خشم مردم به کمک همپالگنهایشان میروند . و آنها را در میان آتش خشم روستائیان تنها میگذارند . مزدوران که وضع راجحین میبینند به سرعت دست به فرار زده و روستا را ترک می نمایند . در این درگیری علاوه بر زخمی شدن چند مزدور رژیم چندین اسلحه آنان نیز توسط دهقانان مبارز روستای احمد کتر شکسته میشود .

دیواندره

● در پی تشدید سربازگیری و بگیر و بندهای نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی که با مقاومت و اعتراض شدید توده‌ها و بویژه جوانان روبرو گشته است . مزدوران سرکوبگر به روستاهای دیواندره یورش برده و تعدادی از جوانان را دستگیر و به پادگان عجب شیر روانه میسازند .

ضمنا قرارگاه حمزه و مرکز و اندامری کردستان نیز طی اطلاعیه‌هایی از مسئولین خواستند که خود را هر چه سریعتر معرفی نمایند ، تادر سپاه موسوم به صاحب‌الزمان روانه جبهه‌های مرگ و نیستی شوند .

- رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در برخی از روستاهای دیواندره اهالی زحمتکش را بمنظور خلع سلاح تحت فشار قرار داده که با اعتراض و مقاومت مردم روبرو گردیده است . و اهالی زحمتکش روستاهای منطقه با هوشیاری خود این توطئه جمهوری اسلامی را نقش بر آب نمودند .

● ارگان فدخلقی هیئت ۷ نفره تقسیم زمین رژیم با انتشار اطلاعیه‌ای از دهقانان روستاهای دیواندره ، بیچاره که دسته به ماده زمینهای فئودالها و بزرگ مالکین زده‌اند ، خواسته است تا در سمیناری که در سنندج برگزار میشود شرکت نمایند . این سمینار در چهارچوب سیاستهای ارتجاعی جمهوری اسلامی از دهقانان خواسته است که زمینهای مصادره شده را با خریداری نمایند و یا اجازه کنند واضح است که هدف این توطئه دست اندازی به دستاوردهای مبارزاتی دهقانان کردستان و سلب مالکیت از

بیش از ۴۰۰۰۰ کارگر آنها از کار اخراج خواهند گشت. این قانون سرمایه داری است و امپریالیستها برای تخفیف بحرانشان همواره دست به اخراج کارگران میزنند بدون آنکه کوچکترین مسئولیتی در قبال سرتوشت آنها احساس نمایند.

بر اساس گزارش مائیدی تایمز شیکاگو، دولت ریگان بعنوان اصول اطلسی سیاست خارجی خود تصمیم گرفته است که پاسخ سریع و موثر به باطل صلاح تروریسم داده و در مقابل جنبشهای چریکی در جهان که گویا از جانب شوروی الهام میگیرند، قویا مقاومت کند. درهمین گزارش آمده است که گروه دست چین شده ای از افراد نظامی و امنیتی برای اجرای عملیات ضد تروریستی و ضد شورش و شرکت در امور نظامی و غیر نظامی تشکیل شده است که یکی از وظایف آن اجرای اصل منکور پیش گفته است. گرچه امپریالیستهای سرکوب مبارزه مسلحانه خلقهای تحت ستم هر روزه دسیسه و نقشه می چینند ولی به گواهی تجربیات انقلابها این مبارزه مسلحانه خلقهاست که گور امپریالیستها را خواهد کند.

شورای ملی فلسطین در روز ششم اردیبهشت به اجلاس خود که در الجزایر برگزار شده بود پایان داد. بنا به گزارش خبرگزاریها این اجلاس دستاوردهایی را برای سازمانها و گروههای فلسطینی بمنظور تحکیم وحدت آنها در چهارچوب سازمان آزادبخش فلسطین (ساف) را بر داشته است. عمده گروههای شرکت کننده در اجلاس سازمان الفتح، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جبهه دمکراتیک خلق برای آزادی فلسطین و کمیونیت فلسطین بودند.

بنا بگزارش خبرگزاری اوبیک رژیم خمینی با همکاری سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل (یونی دو) کنفرانس بین المللی تکنولوژی تولید لاستیک را در تهران برگزار خواهد کرد. سرپرست سازمان مذکور گفته است که از هرنوع گمکی به جمهوری اسلامی در این مورد دریغ نخواهد شد. رژیم مزدور خمینی که هر روزه روابط مرئسی و نامرئی اش با شبکه روابط امپریالیستی آشکار میشود بازم از تکرار لاف ضد امپریالیستی باز نمی ایستد.

هزاران تن در واشنگتن بر علیه سیاستهای دولت آمریکا در قبال دولت نیکاراگوئه و جنبش آزادیبخش السالوادور دست به تظاهرات زده و سیاستهای امپریالیسم آمریکا در این مورد را محکوم ساختند.

در پی تشدید تضادها و جنگ تجارتنی بین امپریالیسم آمریکا و ژاپن، شین تاروآبه وزیر خارجه ژاپن پس از مذاکراتش با مقامات آمریکایی به دولت ژاپن توصیه کرده است که بسا افزایش تقاضاهای داخلی به جلب واردات بیشتر از آمریکا بکوشد. قبول این سیاست بدنبال اقدامات و فشارهایی است که امپریالیسم آمریکا بر ژاپن وارد کرده و از جمله سرخ گمرک کالاهای ژاپنی را به صدر صد افزایش داده است.

فدائی که در جمع گروهی از کارشناسان رسانه های ماهواره ای سخن گفته است بار دیگر سران رژیم جمهوری اسلامی را بخاطر ادامه جنگ با عراق مسوره حمله قرارداد و هدفهای آنان را کودکانه خواند و ادامه جنگ را چون آمیز توصیف کرد و گفت که هیجتنی را اعزام داشته است تا گفتگوهای بی عمل آورد. علیرغم این گفته ها واقعیت این بوده است که فدائی مزدور و رژیم لیبی در بلوک بندی های امپریالیستی همواره در کنار رژیم جمهوری اسلامی قرار داشته است.

یک اتوبوس حامل ۲۵ سرباز آمریکایی متعلق به یک پایگاه هوایی آن کشور در یونان مورد انفجار یک بمب قرار گرفت و ۷ تن سرنشین آمریکایی آن مجروح شدند. پلیس یونان گفته است که از هویت عاملین این انفجار اطلاعی ندارد.

بدنبال مبارزات و فشارهای نیروهای اپوزیسیون آفریقای جنوبی سرانجام دادگاه عالی آن کشور برخی محدودیتهای روزنامه نگاری که بدنبال اسلام وضعیت فوق العاده توسط رئیس جمهور آن کشور اعلام شده بود را لغو کرده است. اما دولت آن کشور علیه رای این دادگاه تقاضای استیناف کرده است.

هلیکوپترهای توپدار اسرائیلی بار دیگر اردوگاههای آوارگان فلسطینی در اطراف بندر صیدا را مورد تهاجم قرار دادند در این حمله حداقل ۴ فلسطینی مجروح گشته و بسیاری منازل مسکونی ویران گشته است.

کارگران و شهروندان لبنانی بنابه دعوت اتحادیه های کارگری لبنان دست

به اعتصاب زدند. یکی از خواستهای اعتصابیون افزایش حداقل دستمزد میباشد که معادل ۲۸ دلار در ماه کاهش یافته است.

اخیرا اعلام شده است پنتاگون قراردادی به ارزش یازده میلیارد دلار با شرکتهای مختلف آمریکایی بمنظور فعالیت در امر پروژه مرکبار جنگ ستارگان به امضاء رسانده است. بدون شک این عمل در راستای گسترش میلیتاریزم و پیاده کردن طرحهای ضد خلقی توسط امپریالیستها است که در حال تامین هزینه های هنگفت آن تماما از غارت و چپاول کارگران این کشورها و خلقهای تحت ستم جهان برای امپریالیستهای جنایتکار امکانپذیر میگردد.

با رشد و گسترش اعتراضات جنبش کارگری در آفریقای جنوبی در روزهای اخیر پلیس امپریالیستی این کشور به روی هزاران کارگر اعتصابی راه آهن آتش گشوده و چندین نفر از آنها را وحشیانه به قتل رسانده است. لازم به تذکر است که اکنون ۶ هفته است که ۱۶۰۰۰ کارگر راه آهن بر علیه شرایط سخت کار و استثمار و رژیم حاکم نژادپرست آفریقای جنوبی در اعتصاب بسر میبرند.

بدنبال فروش اسلحه از جانب دولت سوئد به رژیم جمهوری اسلامی و چند کشور دیگر فاش گشته که به مقایسات کشورهای خریدار، رشوه داده شده است در همین رابطه احزاب مخالف دولت سوئد دست به افشاکاری زده و خواهان آن شده اند که تمامی اطلاعات محرمانه در مورد فروش اسلحه علنی شود.

نیروهای آزادیبخش السالوادور که اخیرا حمله بهاره خود را آغاز کرده اند بتازگی ۸ بخش از استان چتا تنانگو را تحت کنترل خود درآورده اند. بنابه گزارش رادیو ونسره موس نیروی هوایی رژیم مزدور السالوادور مناطق مسکونی دو استان چتا تنانگو و کاباناس را بشدت بمباران کرده است.

بحران اقتصادی دائم التزاید نظام امپریالیستی گلوبی امپریالیستهای مختلف و بخصوص آمریکا را بشدت می فشارد. بر طبق آمارها و گزارشات منتشر شده، میزان کسری موازنه بازرگانی آمریکا در ماه فوریه به بیش از ۱۵ میلیارد دلار رسیده است. این بحران به توبه خود، بخصوص در

هفته‌های اخیر موجب حدت‌یابی جنگ تجارتي بين امپرياليستها ، از جمله افزايش تضادهای امريکا و ژاپن با يکديگر و با دول امپرياليستی اروپائی گردیده است .

● در حالیکه جنگ تجارتي بين امپرياليستها و بخصوص امريکا و ژاپن بشدت بالاگرفته است و مقامات اين دو دولت به تهديدات وسيعی بر عليه يکديگر دست زده اند . در تازه‌ترين تحولات مربوط به اين جنگ تجارتي و بحران و خيم ناشی از آن اعلام شده است که برغم اعلام پشيمانی وزيران دارائی کشورهای عضو صندوق بين‌المللی پول از ارزش بين‌المللی دلار ، بازم دلار سقوط کرد يا آوری ميگردد که سقوط نرخ برابری دلار نسبت به ساير ارزهای بين‌المللی مانند بين ژاپن

در معاملات اقتصادی دوکشور بشدت به اعتماد دولت ژاپن لطمه وارد آورده است .
● اخيرا اعلام گردیده است که تنها ظرف چند ماهی که از آغاز سال جديد ميلادی ميگذرد ، حداقل ۲۵ کشتی در خليج فارس درتداوم جنگ امپرياليستی مورد حمله قرار گرفته اند يا آوری ميگردد که با آغاز جنگ ايران و عراق انحصارات بين‌المللی و از جمله شرکتهاي بیمه بين‌المللی از بابست افزايش سرماه آور نرخ بیمه کشتیها و نفتکشها در خليج فارس سودهسای هنگفتی را به جیب زده اند .

● بنا به اطلاعیه صندوق بين‌المللی پول کشورهای باصطلاح کم رشد بايسد سالیانه ۳۰ ميليارد دلار بهره بانکی به کشورهای اعتبار دهنده بپردازند اين غارتگری آشکار طبعاً بخشی از ارقامی است که صندوق بين‌المللی پول

مجاز به انتشارشان میباید و ارقام واقعی بدون شک به همین ختم نمیشود .

● پس از آنکه رئیس بخش خدمات زندانهای اسرائیل برخی از تقاضاهای زندانیان فلسطینی را پذیرفت این زندانیان مبارز به اعتصاب غذای چند هفته‌ای خود پایان دادند مزدوران صهیونیست بعلت مبارزه زندانیان اجبارا و در حرف پذیرفتند که بدون تبعیض مذهبی - نژادی و ملی از زندانیان مراقبتهای انسانی بعمل آورند .

● جرج حبش دبیرکل جنبه خلق برای آزادی فلسطین از مردود دانستن موافقتنامه اردن و ساف توسط ياسر عرفات ابراز خرسندی نموده است او گفته است که این اقدام درراه اتحاد سازمانهای تشکیل دهنده سازمان آزادیبخش فلسطین تسهیلاتی ایجاد خواهدکرد . لازم به یادآوری است که سازمانهای مختلف فلسطینی هم اکنون درالجزایر به منظور تعیین دستور اجلاس شورای ملی فلسطین به مذاکره مشغولند .

● دولت شوروی گزارش‌های رسیده از کویت مبنی بر اجاره کردن سه نفتکش با پرچم شوروی را تأیید کرده و یک سخنگوی آن گفته است که درصورت لزوم این کشتیها با ناوگان نظامی همراهی خواهد شد ، در همین رابطه ، رژیم مزدور خمینی این اقدام را شگفت‌انگیز خواند ، و علیه آن هشدار داده و گفته است

که "تنها کشورهای حوزه خليج فارس حق دارند در امور امنیتی این ناحیه دخالت کنند" . بعلاوه این اقدامات نقش جنگ امپرياليستی ايران و عراق را در ميلتاریزه کردن هرچه بیشتر منطقه خوبی نشان میدهد .

● دانشجویان ترکیه بر علیه اقدامات دولت آن کشور در محدود کردن تعداد مجاز انجمنهای دانشجویی در چند شهر ترکیه دست به تظاهرات زدند ، پلیس

مزدور آن کشور ، در جریان ایس تظاهرات در چند مورد به سرکوب دانشجویان پرداخته و جمعا در حدود ۱۰۰ دانشجو را بازداشت کرده است .
● ۱۰۰۰۰ نفر از کارگران بولیوی در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت آن کشور دست به تظاهرات زدند ، همزمان با این تظاهرات یک بسته دینامیت در مقابل سفارت آمریکا در بولیوی منفجر شد که موجب زخمی شدن حداقل ۲ مامور امنیتی شد ، مقامات آن کشور گفته اند که تظاهرکنندگان یک بمب آتش زایسوی ساختمان دفاتر ماموران مالیاتی این کشور پرتاب کرده اند که خساراتی را نیز در پی داشته است .

● به گزارش آوسیتدپرس ، انفجار بمب در مقابل ساختمان بانک آمریکا و اسپانیا در مادرید خساراتی به این ساختمان وارد آورده است .

● بعلت مبارزات و اعتراضات آوارگان فلسطینی در اردوگاه دهی شه واقع در یهودا ، پلیس و نیروهای امنیتی سرکوبگر اسرائیل مقررات منع رفت و آمد در این اردوگاه برقرار کرده اند . اما علیرغم این اقدامات سرکوبگرانه تظاهرات و پرتاب سنگ بسوی اتومبیلهای اسرائیلی ادامه دارد .

● هیئتی از اتحادیه عرب با عنوان هیئت صلح در مسافرتی به فرانسه با میتران در پاریس دیدار کرد . این هیئت اعلام کرده است که فرانسه از تلاش‌های آنان برای ایجاد صلح در خليج فارس در چهارچوب موازیسن بين‌المللی و از طریق شورای امنیت جانبداری خواهد کرد . امپريالیسم فرانسه که یکی از امپرياليستهای ذینفع در جنگ امپرياليستی ايران و عراق است همواره رتاکاران ماسک صلح خواهی به چهره میزند .

● دولت ژاپن اعلام کرده است که میتواند راه معامله مربوط به دستگاهاي مخابراتی اش را باز کند این امتیاز که بدنبال فشارهای سیاسی شدید داده میشود راه مشارکت شرکت انگلیسی کابل و بی سیم و شرکتها بين‌المللی اش را باز خواهد کرد . روشن است که این تغییر مناسبت چیزی جز نتیجه رقابتها و فشارهای انحصارات امپرياليستی نیست .

● با آنکه ۲۰۰۰۰ تن از پلیس کمره جنوبی با حالت آماده باش نظامی ۲۲ دانشکده سئول را در محاصره داشتند تا از تظاهرات دانشجویان کشور

۵ ماه مه (۱۵ اردیبهشت)

سالگرد تولد اندیشمند و رهبرکبیر
پرولتاریا کارل مارکس گرامی باد

بمناسبت ۲۹ فروردین سالروز جنبش دانشجویی جلوگیری کنند. اما دانشجویان مبارزان کشور دست به تظاهرات گسترده ای زدند و زدوخورد شدیدی با افراد پلیس مزدوران کشور روی داده است، که در نتیجه آن ۲۰ دانشجو زخمی شدند.

در آرزوئین ۶۰ افسر به رهبری سرگردی که به علت تخطی از رعایت حقوق بشر قرار بوده است در دادگاه حاضر شود دست به شورش زدند و دولت آن کشور نیز به مذاکره با شورشیان پرداخته و گفته است که بمنظور پایان دادن به شورش به زور متوسل نخواهد شد. این واقعه ماهیت اینگونه دولتهای وابسته و همدستی مزدوران نظامی و غیر نظامی در دشمنی علیه توده ها را نشان میدهد.

نشریه وال استریت ژورنال گزارش داد که آمریکا تا سال ۱۹۹۵ وادان نفت خود را دوباره خواهد کرد.

تاجر نخست وزیر انگلستان خواستار برگزاری انتخابات پارلمانی یک سال قبل از موعد مقرر شد.

ناوجه های اسرائیل اردوگاه آوارگان فلسطینی رشیده واقع در جنوب لبنان را موشک باران کردند.

ریچارد تورفی اعلام کرد که دولت آمریکا با هرگونه اشتراک سازمان آزادیبخش فلسطین در کنفرانس بین المللی در رابطه با اختلافات اعراب و اسرائیل مخالف است.

باگسترش تحقیقات پیرامون رسوایی فروش اسلحه از سوی آمریکا به جمهوری اسلامی مک فارلین در جلسه بازجویی کنگره آمریکا پیرامون این مسئله اعلام کرد که به مقامات کاخ سفید کمک کرده تا برنقش ریگان در ایمن ماجرا پربوش بگذارند.

مک فارلین اعتراف نمود که براساس تمایل ریگان عملیاتی را در جهت پشتیبانی از کنترها سازمان داده بود. او گفت ریگان از کارمندان کاخ سفید خواسته بود پس از قطع کمک کنگره، به شورشیان کمک برسانند.

مک فارلین گفته است که در سالهای ۸۴ و ۸۵ در جلب کمکهای مالی بزرگ از یک کشور خارجی که براساس گزارشات منتشر شده عربستان میباشد نقش ایفاء کرده است. در ضمن مک فارلین حمایت و تشویق اسرائیل را در فروش

تسلیمات امریکائی به جمهوری اسلامی را مورد تأیید قرار داد. در ۲۲ اردیبهشت ماه مک فارلین در جلسات تحقیق اعتراف نمود که در ماه دسامبر گذشته در برابر کمیته تحقیقاتی کنگره جزئیات کامل کمکهای مالی عربستان سعودی به کنترها را فاش ساخته است.

اتحادیه عرب در نظر دارد تا از شورای امنیت سازمان ملل متحد بخواهد بر علیه کشوری که از مذاکره در جهت پایان دادن به جنگ ایران و عراق خودداری میکند تحریمهای اعمال دارد.

جورج شولتز وزیر خارجه آمریکا خطاب به یک هیئت نمایندگی جامعه عرب که از واشنگتن دیدن میکرد گفت که آمریکا بیش از هر زمان دیگر مصمم است که مانع فروش اسلحه به ایران شود او به جمهوری اسلامی اخطار کرد که به جنگ با عراق پایان بخشد و پیشنهادهای سازمان ملل را در مورد برقراری آتش بس بپذیرد. جرج شولتز حتی تهدید کرد که اگر جمهوری

اسلامی به جنگ ادامه دهد کشورهای جهان باید علیه رژیم تهران به اقدامات مجازات گرانه دست بزنند. این سخنان در شرایطی عنوان میشود که رسوایی فروش مخفیانه اسلحه آمریکا به جمهوری اسلامی در خود آمریکا هر روز ابعاد جدیدی یافته و گوشه های مختلفی از ایمن رسوایی از پرده بیرون می افتد.

وزیر خارجه آمریکا با ایمن نیرنگها می خواهد دستان خون آلود آمریکا در جنگ ارتجاعی ایران و عراق را ببیوشاند و گرنه کیست که دیگر نداند آمریکا خود یکی از تأمین کنندگان اصلی اسلحه جمهوری اسلامی است.

ژنرال سیکورد در جلسه کمیته تحقیق مشترک سنا و کنگره آمریکا گفت که مایل است از طریق بنیادی که از طرف خانواده ویلیام کیسی رئیس پیشین سازمان CIA برای کمک به شورشیان نیکا را گرفته بوجود آمده بود باقیمانده از معامله تسلیماتی با جمهوری اسلامی را به کنترها بدهد.

رابرت مک فارلین مشاور پیشین رئیس جمهوری آمریکا در امور امنیت ملی اعلام کرد که شورشیان تحت حمایت آمریکا در نیکا را گروه توانائی

دستیابی به موفقیت در جنگ بانبروهای دولتی نیکاراگوئه را ندارند. او ایمن شورشیان را گروهی میهن پرست و با حسن نیت اما کارگران بی عرضه و نادان توصیف نمود.

شیخ محمد حسین فضل الله رهبر حزب الله در لبنان یعنی گروهی که هوادار جمهوری اسلامی است در مصاحبه ای اظهار داشت که ربابندگان گروگانهای خارجی احتمالاً تا انتخابات سال ۸۸ موقعیت کنونی خود را حفظ خواهند کرد.

هواپیماهای جنگنده اسرائیل در ۱۸ اردیبهشت ماه اردوگاههای فلسطینی در نزدیکی بندر صیدا در جنوب لبنان را بمباران نمودند که باعث شهادت عده ای از ساکنان این اردوگاهها گردید.

گروه مبارزه با فکرو دکان گزارش داد که حدود چهار میلیون کودک در بریتانیا در شرایط تهیدستی و ۵۰۰۰۰۰ نفر از آنها در فقر و تنگدستی بسر میبرند.

ویلیام کیسی رئیس سابق سازمان CIA در سن ۷۴ سالگی در یکی از بیمارستانهای نیویورک به علت سنیه پهلودرگذشت. کیسی از شخصتهای مهم رسوائی "ایران گیت" بود و در کنگره آمریکا مسئله فروش اسلحه به جمهوری اسلامی را تأیید کرده بود.

دراوایل اردیبهشت ماه کارل چانل یکی از محافظه کارانی که برای کمک به ضدانقلابیون نیکا را گرفته پول جمع کرده است به توطئه کلاهبرداری در پرداخت مالیات به دولت اعتراض نمود. چانل در اعترافات خود ریچارد میلرو الیور نورث را بعنوان همدستان خود در این اقدام غیرقانونی معرفی کرده است.

سیکور ژنرال بازنشسته نیروی هوایی آمریکا در کمیته تحقیقاتی مشترک مجلس سنا و نمایندگان گفت: برخی از مقامات در CIA کاخ سفید ارسال مخفیانه اسلحه امریکائی به جمهوری اسلامی در اواخر سال ۱۹۸۵ مطلع بودند وی گفت به او اطلاع داده بودند که رابرت مک فارلین مشاور سابق امنیت ملی از جمله این افراد است.

رئیس کمیته تحقیق مجلس سنای آمریکا در رابطه با مسئله ایران گیت در آیین گشایش جلسات این کمیته

پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

۶۶ اردیبهشت ۱۳۳۰

● براساس گزارش "سواپو" نیروهای مسلح این سازمان به ۳۷ پایگاه نظامی نیروهای نژادپرست افریقایی جنوبی در تانزانیای شرقی و آفریقای جنوبی و ۲۵۵ سرباز افریقایی جنوبی راکت شده و ۷۶ نفر را زخمی نموده اند.

● یک هیئت ارتش مزدور شیلی بسه واشنگتن سفر نموده تا در زمینه گسترش همکاریهای نظامی بین شیلی و آمریکا گفتگو نماید. منابع وزارت دفاع آمریکا گزارش دادند که پنتاگون درخواست کرده جزیره "گیله روی" شیلی واقع در جنوب اقیانوس آرام در اختیار آمریکا گذاشته شود تا بعنوان پایگاه موشکهای فضایی برای هدفهای نظامی مورد استفاده ارتش آمریکا قرارگیرد. در ضمن درنهم اردیبهشت ماه گروههایی از دانشجویان و کارگران به نشانه مخالفت با ایجاد پایگاههای نظامی آمریکا در شیلی در خیابانهای سانتیاگو به راهپیمایی پرداختند و سیاستهای تجاوزگرانه آمریکا و رژیم دیکتاتوری پینوشه را محکوم کردند.



امپریالیستها و تبدیل خاورمیانه به دژی نظامی پی برد.

● براساس گزارش خبرگزاریها پاکستان قصد دارد هواپیماهای آواکس از آمریکا خریداری نماید.

— انگلستان قصد دارد علییرغم هیاوههای مبنی بر تحریم اقتصادی نظامی لیبی مقادیری تجهیزات الکترونیک از طریق یک شرکت آلمانی به این کشور صادر نماید.

● ارگان سازمان آزادیبخش فلسطین گزارش داد که ۲۵۰۰ فلسطینی در زندانهای سوریه بسر میبرند که اکثر آنان تحت شکنجههای وحشیانه قرار گرفته اند.

● گزارش شده است که در ۱۸ اردیبهشت ماه کارکنان حمل و نقل هوایی ایتالیا به یک اعتصاب سه روزه اقدام نموده اند. کارکنان این بخش مانند کارکنان راه آهن خواستار افزایش دستمزدها در قراردادهای جدید کار میباشند.

● در ۸ اردیبهشت ماه یک تظاهرات بزرگ اعتراضی با شرکت هزاران تن از شهروندان انگلستان و مهاجرین سیاهپوست کشورهای افریقایی در لندن برگزار شد. این تظاهرات به نشانه مخالفت با سیاست آپارتاید بود که رژیم نژاد پرست افریقایی جنوبی نسبت به ۲۵ میلیون سیاهپوست این کشور اعمال میکند.

اعلام نمود، کسانیکه در این ماجرا درگیر بودند خود بطور محرمانه سیاست خارجی کشور را تعیین نمیکردند.

● بنا به گزارشی که اخیراً مطبوعات آمریکا چاپ نموده اند صدها میلیون دلار از کمکهای سازمان CIA به مجاهدین افغان ناپدید شده است. نماینده CIA ضمن یک شهادت محرمانه درکناره آمریکا گفته است که تنها ۸۰٪ از اسلحه هایی که برای شورشیان افغانستان خریداری شده به مقصد رسیده است.

● ۶ سال پیش عربستان سعودی با پرداخت ۶ میلیارد دلار، ۵ فروند هواپیماهای اطلاعاتی آواکس از آمریکا خریداری کرد و طی این مدت خلبانان و تکنیسینهای آمریکایی این هواپیماها را حرکت میدادند و اکنون با اتمام این قرارداد عربستان سعودی درخواست تمدید آن را نموده است چرا که هنوز نیروهای عربستان قادر به استفاده از آواکس نیستند. از آنجا که عربستان به بهانه تهدید جمهوری اسلامی مبنی بر حمله به حوزه های نفتی اش اقدام به خرید این آواکس ها نموده است بروشنی میتوان به نقش جنگ ایران و عراق در تامین منابع

روز شمار اردیبهشت ماه

- ۲/۲/۲۲ (۲۲ آوریل ۱۸۷۰) تولد لندن
- ۲/۲/۱۲۹۴ قتل عام ۱/۵ میلیون ارمنه توسط دولت ترکیه
- ۲/۲/۱۳۲۲ ترور افشارطوس رئیس شهربانی حکومت ملی دکتر مصدق
- ۲/۲/۱۳۳۰ اعتصاب کارگران نفت جنوب و اعلام حکومت نظامی
- ۲/۲/۱۳۵۰ سرکوب اعتصاب کارگران جهان چیت توسط مزدوران شاه و شهادت کارگران قهرمان وجهه الله چشم افروز، علی کارگر، حسین نیکوکار، روزخانی شدن ۱۴ کارگر
- ۲/۲/۱۳۳۰ تشکیل دولت مملی دکتر مصدق و تصویب قانون خلقید از شرکت غارتگر نفت انگلیس
- ۲/۲/۱۳۵۲ پیروزی انقلاب و بستن (فتح سایکون) ۲۰ آوریل ۱۹۷۵
- ۲/۲/۱۲۶۵ اول ماه مه روز جهانی کارگر ۱۸۸۶

در فحه ۴۳

جنگ امپریالیستی

از صفحه ۲۹

است. ارزش این دستاوردهای روشن و ضدخلقی هنگامی روشن تر میگردد که معلوم شود براساس بعضی گزارشات رسمی بین ۵۰۰ تا ۸۰۰ هزار کشته و مجروح و بیش از ۵۰ شهر ۲۵۰۰ روستای ویران شده و آسیب دیده کوچکترین نتیجه تداوم بیش از ۷ سال جنگ امپریالیستی ایران و عراق برای توده های تحت ستم ما بوده است.

اما اینها برای رفسنجانی مطرح نیست او بعد از تمامی لاپلا تودروغهاش عنوان میکند که با صلاح امسال سال نتیجه گیری است و با این گفته در واقع برای توده ها تیراوم این جنگ ضدخلقی را اعلام میکند.

اما رفسنجانی کثیف و جنایتکار نکته دیگری را باید بداند و آنرا با نشان نیز گوشزد کند و آن این است

که از نظر خلقهای ستمدیده ما و مبارزات فدا امپریالیستی آنها برخلاف وعده های پوچ و ضدخلقی امثال او سرنوشت این جنگ امپریالیستی و ارتجاعی در میدانهای آن و توسط جمهوری اسلامی و دولت عراق رقم نمی خورد.

خلقهای ما میدانند که برای پیروزی قطعی این جنگ نیکیت بارو غیر عادلانه را باید با تمام قوا به جنگی عادلانه و انقلابی بر علیه ترتیب دهندگان و مجریان آن یعنی امپریالیستها و نگان زنجیریشان بدل کرده به پیش برد جنگی که سالهاست در ایران در جریان است. امری که سرنوشت روشن و محتوم امپریالیستها و نوکرانشان در ایران را در بطن خود پرورش میدهد که همانا نابودی بی قید و شرط آنان براساس تامین رهبری طبقه کارگر در این جنگ داخلی در جهت برقراری جامعه دمکراتیک نوین برای نیل به سوسیالیسم می باشد.



کمکهای مالی

۱۰۰۰۰۰ ریال	ش
۱۰۰۰۰ ریال	پیشمرگه
۱۰۰۰۰۰ ریال	شفق
۳۰۰۰۰ ریال	۲
	رفیق مادر - سنج و سیله ارسال شد
	دریافت شد
	۳ - سنج
	هدیه شما دریافت شد
	۴
	هدیه شما دریافت شد
	مادر - آذربایجان کمک مالی شما
	دریافت شد
	کوهستان
	کمک مالی شما
	دریافت شد
۷۵۰ ریال	پارمتی
۱۰۰۰۰ ریال	خلق لر
۲۰۰ ریال	احمد پیشمرگه
۳۰۰۰ ریال	اسماعیل
۵۰۰ ریال	هوشنگ
۲۵۰۰ ریال	گارد پرولتری
۲۰۰۰ ریال	احمد
	آمریکا

۷۰ دلار	رفیق ماشو میامی
۵۰ دلار	یکنفر میامی
۹۰ دلار	م. م. هم. ا. هم. ت. میامی
۷۰ دلار	رفقای کانون میامی
۳۵ دلار	ع - س واشنگتن
۱۰ دلار	ع واشنگتن
۲۵ دلار	بایک واشنگتن
۱۹۵ دلار	رفیق داداشی میامی
۳۳۰ دلار	دیترویت
۵۰ دلار	ش آستن
۵۰ دلار	ع. الف آستن
۱۰۰ دلار	ع. ف آستن
۱۶۵ دلار	پیام فدائی دیترویت
۱۶۵ دلار	شهادی خرداد دیترویت
۲۰ دلار	مسعود احمدزاده دیترویت
۲۰۰ دلار	رفیق مسعود شیکاگو
۲۰ دلار	مجاهد حنیف نژاد شیکاگو
	چریک فدائی رزم ت پیروز هوستن
۴۰۰ دلار	رفیق خسرو پناهی اسپرینگ تگزاس
۲۰۰ دلار	چه لایاک
۵۰ دلار	زنداد سیاسی آستن
۲۵ دلار	آر - ت - اس آستن
۵۷ دلار	امید آستن
۴۵ دلار	مریم کیانی اوهایو
۱۲۵ دلار	سعیدار شیکاگو اوهایو
۱۲۵ دلار	ب ساندیاگو
۲۵ دلار	ایران کارولینای شمالی
۱۲ دلار	حمید فولادپور نیویورک
۱۵۰ دلار	سازمان سراسری در آمریکا دالاس
۱۰۰ دلار	

"هزاران هزار شهید، جان خود را در راه منافع خلق قهرمانانه فدا کرده اند، بگذار درفش آنها را برافرازیم و در راهی که با خون آنها سرخ شده است به پیش رویم!"
(ما شوتسه دون)



شهادت اردیبهشت ماه

چریکهای فدایی خلق ایران

رفقا:

۵۰/۲/۱۸	خلیل سلامی نژاد
۵۰/۲/۲۴	کاظم سعادت
۵۲/۲/۶	مرضیه احمدی اسکوتی
۵۴/۲/۲	علی اکبر (فریدون) جعفری
۵۴/۲/۱	شیرین فطیلت کلام (معاذ)
۵۴/۲/۲۰	محمود نمازی
۵۴/۲/۲۰	منصور فرشی
۵۴/۲/۱۴	حبیب الله مومنی
۵۴/۲/۱	هادی فرجاد
۵۵/۲/۲۵	لادن آقا
۵۵/۲/۲۵	فرهاد صدیقی باغاک
۵۵/۲/۲۵	مehوش حاتمی
۵۵/۲/۲۵	محمد رضا قنبرپور
۵۵/۲/۲۵	احمد رضا قنبرپور
۵۵/۲/۲۵	فرزاد دادر
۵۵/۲/۲۵	عزت غروی (رفیق مادر)
۵۵/۲/۲۵	قربانعلی زرکار
۵۵/۲/۲۵	ناصر شایگان شام آسی
۵۵/۲/۲۵	ارژنگ شایگان شام آسی
۵۵/۲/۲۵	جهانگیر باقرپور
۵۵/۲/۲۷	محمود خرم آبادی
۵۵/۲/۲۷	مصطفی حسن پور اصل
۵۵/۲/۲۷	فریده غروی
۵۵/۲/۲۷	تورج اشتری
۵۵/۲/۲۸	میترا بلبل مفت
۵۵/۲/۲۸	بهروز ارمغانی
۵۵/۲/۲۸	اسماعیل عابدی
۵۵/۲/۲۸	زهره مدیرشانه چی
۵۵/۲/۲۸	حسین ناطمی
۵۵/۲/۲۵	هوشنگ اعظمی لرستانی
۵۶/۲/۱۰	عبدالله پنجه ناهی
۵۶/۲/۴	نسرین پنجه ناهی
۶۱/۲/۱۲	مehشید معتضدکیوان
۶۱/۲/۱۲	موسی مکاری (ایرج)
۶۵/۲/۲۹	مرتضی مداح (کاک شهاب)

روز شمار ۵۰۰۰ بقیه از صفحه ۴۲

از رهبران آزادیخواه ایران - پس از اعتصاب غذای ۶۵ روزه - ۱۲۰۱/۲/۱۵ (مه ۱۸۱۸) تولد کارل مارکس
- ۱۳۲۴/۲/۱۸ ژوئن ۱۹۴۵ پایان جنگ جهانی دوم و شکست فاشیسم
- ۱۳۲۷/۲/۲۱ تیرباران خسرو روزبه توسط دژخیمان شاه
- ۱۳۱۹/۲/۲۹ (ماه مه ۱۸۹۰) تولد هوشی مین

۱۴۵ دلار	اسمینا رشیکاگو
۳۳۰ دلار	رادبو دیترویت
۵۰ دلار	ش آستن تگزاس
۵۰ دلار	جن لایاک تگزاس
	انگلستان
۵۰ پوند	م - محمد
۵۰ پوند	ت - ا
۹۵ پوند	ع - س
	آلمان
۵۰ مارک	حلاج برمر هانن
۵۰ مارک	رفقا احمدزاده، پویان
۵۰ مارک	همایه
۲۰۰ مارک (ASTA)	نمایندگی دانشجویی
۲۰۰ مارک	بایک
	سوئد
۵۰۰ کرون	خانم سوئدی
۱۵۰ کرون	کمال
	حشمت
۲۰۰ کرون	عنانی
۲۰۰ کرون	کمال
۴۰۰ کرون	توفیق
۲۰۰ کرون	بهروز دهقانی
۲۰۰ کرون	روح انگیز دهقانی
۲۰۰ کرون	کمال
۲۰۰ کرون	بهروز دهقانی
۲۰۰ کرون	روح انگیز دهقانی

جاودان باد خاطره تمامی شهدای بخون خفته خلق

مختصری از زندگی سراسر مبارزه چریک فدائی خلق

رفیق شهید جمشید هدایتی (کاک بهرام)



در جریان مبارزه بر علیه سلطه امپریالیسم برای برقراری جمهوری دمکراتیک خلق و نیل به سوسیالیسم انقلابیون پاکبخته بسیاری جان خویش را فدای رهائی خلقهای دربند و کارگران ستمدیده مینمایند. و چریک فدائی خلق رفیق جمشید هدایتی از مره این انقلابیون جان برکف بود.

در صفحه ۱۸

مختصری از زندگی چریک فدائی خلق رفیق شهید

سلیمان میربلوک (کاک قادر)



در راه انقلاب رها گیش خلقهای ایران برای نابودی سلطه امپریالیسم انقلابیون بسیاری جان میبازند و رفیق سلیمان میربلوک از جمله این انقلابیون بود که با همه وجودش در راه رهائی توده های ستمدیده بیکار نموده و با خون خویش نهال انقلاب را بارور ساخت.

در صفحه ۱۹

در تکثیر آثار سازمانی بگویند

با کمکهای مالی خود
چریکهای فدایی خلق ایران
را یاری رسانید

برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران

با نشانی های زیر مکاتبه کنید:

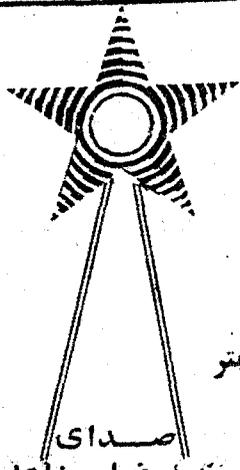


فرانسه

انگلستان

F.S
B.P-181
75623 PARIS
CEDEX 13
FRANCE

BM BOX 5051
LONDON
WC1N 3XX
ENGLAND



ساعات پخش

۶/۵ بعد از ظهر و

۱۲ ظهر روز بعد

امواج کوتاه

ردیف های ۴۱ و ۷۵ متر

صدای

چریکهای فدایی خلق ایران

بهرار باد جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر!